

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حدیث هفته

سخنان گهربار حضرت رسول اکرم (ص) با تشریحات موضوعی

دکتر فرید یونس

۲۰۲۳ میلادی

محل چاپ: ایالات متحده امریکا توسط

IngramSpark publishing

این اثر را به روح برادرم مرحوم انجنیر دگروال همایون یونس
و همسر گرامی اش بی بی مهری فرهادی یونس
که الحمدالله در قید حیات است، تقدیم می کنم.

پیشگفتار

سال ۱۹۹۳ میلادی بود که من برای بار اول احادیث ریاض الصالحین را از دوره دو جلدی خلاصه کردم و همان احادیث را انتخاب کردم که در زندگی امروز از نگاه اجتماعی به درد خور است. مردم دین دوست بسیار علاقه گرفتند و چون "کاپی رایت" یا حقوق طبع نداشت سه بار مردم آن را چاپ کردند. این استقبال مردم من را تشویق کرد تا در مورد حدیث زیاد تر کار کنم.

موضوع حدیث مخصوصاً برای مسلمانان که در غرب زمین زندگی میکنند واقعاً سوال بر انگیز و جنجال بر انگیز است زیرا درین کشورها مردم حق دارند مسائل را زیر سوال ببرند در حالیکه در کشورهای اسلامی همه مطالب دینی را بدون سوال و یا تحقیق کورکورانه قبول کرده اند. و درین هیچ جای شک و تردید نیست که احادیث جعلی داخل متون دینی ما شده است مخصوصاً در بخش بانوان احادیث وجود دارد که زن را مطلق غلط معرفی می کند و این مسله در کشورهای اسلامی باعث تبعیض و تعصب بر علیه زن شده است در حالیکه در قرآن مجید و رویه اساسی محمد (ص) جزیی ترین تبعیض و تعصب در مقابل زن وجود ندارد.

از آنجائیکه حدیث نه تنها که مرجع دوم شرع بعد از قرآن است فرهنگ دهنده هم است. یعنی مسلمان وقتی فرهنگ اسلامی دارد که حدیث درست و ثقه در زندگی او وجود داشته باشد. بعد از تحقیقات مفصل در مورد حدیث به این نتیجه رسیدیم که برای اینکه حدیث درست از جعلی تفکیک شده بتواند و ما حدیث را که اصلاً یک صد و پنجاه سال بعد از رحلت حضرت رسول کریم (ص) جمع آوری شده است درست تشخیص کنیم باید حدیث اول به قرآن مطابقت داشته باشد. دوم به شخصیت والای پیامبر که قرآن او را رحمت للعالمین خطاب کرده است. سوم حدیث باید به عدالت بشری مطابقت داشته باشد زیرا قرآن کتاب عدل است و محمد (ص) مظهر علم و بلاخره چهارم به علم امروز مطابق باشد

تا بتواند جوابگوی نیازمندی های جامعه ای امروزی باشد. سال ۲۰۲۱ بود که من یک کتاب حدیث را به زبان انگلیسی برای جوانان که در غرب بزرگ شده اند زیرعنوان اندرزه‌های پیامبر ترتیب و به نشر سپردم که با استقبال گرم مواجه شد. آن کتاب به زبان انگلیسی به نام Maxims of the Prophet در سایت جهانی آمازون موجود است.

این مجموعه که به دست شما قرار دارد صد حدیث ثقه حضرت رسول کریم است با تشریحات موضوعی که این کار نو است. در اندرزه‌های پیامبر تشریحات موضوعی نیست فقط حدیث منحیث یک پند و اندرز ذکر شده است تا جوانان بخوانند و زود به خاطره بسپارند. مثلاً نظافت نصف ایمان است. بسیار کوتاه و اما جامع. از ذکر راوی و تشریح حدیث خودداری شده است. اما این مجموعه شامل تشریحات موضوعی است که نشان میدهد که نه تنها که حدیث فرهنگ دهنده است در عین زمان در مسائل امروز زندگی ما ربط دارد وقتی ما از علوم امروزی کار بگیریم و حدیث را موشکافی کنیم و درک واقعی داشته باشیم.

از بی بی یاسمین جان یونس، برادر زاده ای عزیزم که این احادیث را به فرانسوی ترجمه کرده است قلباً سپاسگزارم و خدا اجر دنیا و آخرت را نصیب اش گرداند.

فرید یونس

ایالت کلیفورنیا

ایالات متحده آمریکا

حدیث شماره ۱

جمعه مبارک

سلام عزیزان

نوبت حدیث هفته رسیده. امروز روی تفسیر یونس کار می‌کردم و در جز پنجم رسیده ام. به آیه ۸۶ سوره نساء برخوردیم که معنی آن چنین است:

”و چون به شما سلام گفته شود، پس به درودی بهتر از آن مبادرت ورزید و یا بالمثل پاسخ گوئید. بدون شک خداوند حسابرس همه چیز است.“

بینید که اسلام دین صلح و آداب اجتماعی است و چون اسلام از واژه سلمه مشتق شده یعنی صلح باید ما همیشه کوشش کنیم که با خود و دیگران با صلح زیست کنیم.

صلح چگونه به وجود می‌آید؟ احترام متقابل در همه امور نه اینکه ما خود را تحمیل کنیم و یا از زور کار گیریم. در امور خانوادگی و اجتماعی باید برای ایجاد صلح از هرگون منفی‌گرایی مانند غیبت، بد‌گویی، گله و گزاری، توقع داشتن، تخریب اشخاص، کینه و دشمنی که در اسلام اصلاً نیست، و خود ستایی جلوگیری کنیم. دکه خور نباشیم. دیوار نم کش نباشیم زیرا دکه خور بودن و دیوار نم کش بودن عزت نفس ضعیف را نشان می‌دهد. اینها همه سلامت و صلح زیست باهمی را به هم می‌زند.

حضرت رسول کریم (ص) در مورد سلام و حکمت سلام این را گفته است: ”بخیل ترین مردم آنکس است که از سلام دادن بخل ورزد.“

در حدیث دیگر رحمت للعالمین فرموده است: ”آنکه سلام آغاز می‌کند از تکبر بر کنار است.“ می‌بینیم که کسی که سلام را جدی نمی‌گیرد یا بخیل است و یا متکبر که این دو صفت را قرآن محکوم می‌کند. خداوند سر ما رحم می‌کند و ما را مورد عفو

قرار می‌دهد وقتی ما به یکدیگر سلام می‌کنیم. حدیث سوم به تایید آمرزش است و رسول خدا چنین گفته است: ”از جمله لوازم آمرزش ادای سلام و نیکی کلام است.“

عزیزان

حتی شما فکر می‌کنید کسی است که شما را خوش ندارد و با شما مشکل دارد، شما تشبث به سلام کنید و درین مقطع است که مؤمن واقعی هستید .

جمعه مبارک

اول اکتوبر ۲۰۲۰

حدیث شماره ۲

جمعه مبارک

سلام عزیزان

یک هفته ی دیگر سپری شد و نوبت حدیث هفته رسید. یکی از مشکلات جامعه ای افغانستانی خشمگین شدن مردم است. در هر موضوع ما خشمگین می شویم، تهدید می کنیم و فتنه برپا می کنیم. بنده در گذشته یک مضمون به انگلیسی زیرعنوان Anger Management نوشته بودم و حالا لازم دانستم که این حدیث هفته را به همین موضوع تخصیص دهم. قرآن مجید به این موضوع روانشناسی و روحی به تماس شده است و مسلمانان را از قهر شدن و غضب شدن هشدار میدهد. مطالعات روانشناسی نشان میدهد که نه تنها که غضب شدن به ما صدمه ای خانوادگی و اجتماعی می رساند به صحت و سلامتی ما هم صدمه می رساند. قهر شدن و غضب شدن کار یک مسلمان متمدن نیست. آنانی عصبی می شوند که عزت نفس پایین دارند، عقده های روحی و روانی دارند و یا بالای شان ظلم شده است. حتی که ظلم شده باشد باید با منطق و استدلال معقول از حقوق خود دفاع کند نه اینکه غضب شود. غضب از نگاه جامعه شناسی و روانشناسی این تنها نیست که کسی چیزی می گوید و شما عصبی می شوید. ما غضب سیاسی داریم که باعث قتل یک شخص بیگناه می شود. ما غضب اقتصادی داریم که تحریم اقتصادی به خاطر که یک کشور قدرتمند مانند آمریکا با ایران قهر است. ما غضب خانوادگی داریم که حقوق زن یا شوهر پامال می شود. ما غضب اجتماعی داریم مانند تظاهرات و اعتصابات که مردم برای اعاده حقوق خود به راه می اندازند. در اثر این تظاهرات شیشه ها را می شکنند، تیرهای موترها را آتش می زنند، قصداً و عمداً یک تعمیر را آتش می زنند و غیره.

یک دلیل خشم یک عده در داخل کشور جنگ های داخلی و انتحاری است که مخصوصاً طبقه جوان را مطلق عصبی ساخته

است. به اصطلاح اعصاب همه مردم "شارت" است و فوراً جنگ می کنند. مسلمان باید همیشه اعصاب خودش را کنترل کند، خشم خود را فرو برد و معقول بیندیشد. در رابطه به آیه غضب (آل عمران ۱۳۴)، رسول اکرم (ص) فرموده است: "تعلیم دهید و سهل گیرید سخت مگیرید، گشاده رویی کنید و خشونت مکنید و چون یکی از شما خشمگین شود خاموش ماند."

من بار بار نوشته ام که از نگاه جامعه شناسی اسلام آمد تا ما اول متمدن شویم و هدف مدینه فاضله همین بود. ما با اخلاق باشیم زیرا قرآن گفت "و لقد کرّمنا بنی آدم" و کرامت انسان اخلاق حمیده ای اوست نه ثروت و تحصیلات عالی و نام خانوادگی و قوم و نژاد و مذهب و زبان او.

و بلاخره اسلام آمد تا ما منحیث انسان با کرامت عادل باشیم و در همه امور حد وسط را مراعات کنیم. هر مسلمان باید دیگران را تعلیم مدنی دهد و گوشزد کند که قهر و غضب نه تنها اخلاقی نیست، مشکل روانی شخص را نشان میدهند. مخصوصاً آنانیکه دین اسلام را تبلیغ می کنند باید بسیار محتاط باشند. دیده شده است که بالای منبر عصبی می شوند، چیغ می زنند، مردم را تهدید می کنند و حتی فحش گفته اند. من چطور به شخصی اقتدا کنم که خودش اساساً عمده ای روانشناسی اسلام را نه می داند؟

عزیزان من

اسلام تنها این نیست که شما کلمه بگویید و یا عبا و قبا به بر کنید. وقتی شما مسلمان هستید که شما با فرهنگ انسان ساز اسلام زندگی کنید.

جوانان عزیز می توانند کتاب Principles of Islamic psychology اثر این نویسنده را به زبان انگلیسی مطالعه کنند.

جمعه مبارک

نهم اکتوبر ۲۰۲۰

حدیث شماره ۳

جمعه مبارک

سلام عزیزان

عمر است که به گفته ای مردم عام مانند برق سپری می شود و باز نوبت حدیث هفته رسید.

در هفته ای که گذشت یک ملای نادان در افغانستان، چون من همه احادیث که در صحیح بخاری و مسلم برای ما گزارش داده شده است اعتماد ندارم، من را متهم به این کرد که از غرب پول میگیرم و این سخنان را می گویم و می نویسم.

از بوبویم (ما مادر خود را بوبو می گفتیم) آموخته بودم که "گناه نکو از خدا نترس."

وقتی من در سال ۱۹۹۳ به پیشنهاد استاد فضل غنی جان مجددی و دعوت خلیل جان راغب در تلویزیون صدا و سیمای افغانستان در شهر فریمان، شمال ایالت کالیفورنیا راه یافتم؛ (شاید غنی جان هم پسان پشیمان شده باشد که چرا من را معرفی کرد)، از اول تصمیم گرفتم که خودم باشم و عقاید خودم باشد و دید و بینش خودم از دین اسلام، تاریخ و جامعه ای افغانستانی باشد. نه از ایمان و تاریخ نویسان و آنانیکه برای منافع شخصی خود از قوم و مذهب دفاع میکردند می گفتند و می نوشتند. این موضوع برای من بسیار جنجال خلق کرد. مذهبیون میخواستند من را از تلویزیون اخراج کنند. و من هر روز به چیزیکه باور پیدا کرده بودم مصمم تر می شدم. تهمت ها هر روز زیادتر می شد و این بوجی تهمت ها با من به تلویزیون نور رفت. در آن تلویزیون قوم پرست های پشتون به خاطر اینکه من شدید مخالف قضیه پشتونستان هستم و دیورند یک خواب و خیال است، من را به خیانت ملی متهم کردند و از یمایان یوسفزی تقاضا کردند که من را از تلویزیون نور اخراج کند. از خداوند سپاسگزارم که خلیل جان راغب و یمایان یوسفزی هر دو حیات دارند که شاهد

هستند. اما من از موقف خود برنگشتم. موضوع بسیار حاد شد و تهمت ها زیاد تر شد و من را نماینده یهود گفتند و عکس من را همراهی صدراعظم اسرائیلی در یوتوب انداختند و پسان آنرا برداشتند. قوم پرستان و مذهبیون که در افغانستان همیشه دست شان با هم بسته است نمیدانستند که از نگاه روانشناسی ژورنالیزم اینها من را زیاد تر مشهور می سازند. وقتی از طبقه مظلوم شیعه دفاع کردم عکس من را با عکس احسان الله بیات رئیس بنیاد بیات در روی بیرق ایران نصب کردند و ما را نماینده ایران گفتند.

حدیث امروز روی تهمت است. اول بدانید که از نگاه روانشناسی کی ها تهمت می کند: تهمت را کسانی می کند که اول منافع شخصی شان در خطر است. دوم حسود هستند، سوم عقده های روحی و روانی دارند. چهارم عزت نفس پایین دارند و پنجم چون از خود عقل ندارند همیشه به عقل دیگران می روند. اینها همه یک کمبودی شخصیت تنها نی بلکه اخلاق است. حضرت محمد (ص) فرموده است که، ”پنج گناه است که محو شدنی نیست: شریک دادن برای خدا، و کشتن بناحق و بهتان زدن به مؤمن و فرار از جنگ و قسم خوردن ناحق که بوسیله آن مال کسانرا ببرند.“ در حدیث دیگر رسول اکرم (ص) می فرماید که ”هر که عیب جویی کسی که به آن صفت نیست یاد کند خداوند او را در آتش جهنم محبوس دارد تا گفته خویش را پس گیرد.“

عزیزان، این ملاهای نادان چون خود شان حدیث ثقه پیامبر (ص) را نه می دانند هم خود را در گناه می کنند و هم دیگران را. هرگز تهمت نبندید زیرا تهمت در اسلام از نگاه شرع حرام است و تا شما را آن کسیکه تهمت کرده اید نبخشاید خداوند نه می بخشد.

جمعه مبارک

۱۶ اکتوبر ۲۰۲۰

حدیث شماره ۴

جمعه مبارک

سلام عزیزان

نوبت حدیث هفته رسیده. اگر ما هر حدیث را در زندگی خود صادقانه تطبیق کنیم زندگی ما از نگاه فرهنگی و معنوی تغییر فاحش خواهد کرد زیرا حدیث ثقه پیامبر اسلام(ص) فرهنگ دهنده است.

وقتی تاریخ اسلام را می خوانیم از روز های اول پیامبر (ص) به صدقه دادن مردم را تشویق میکرد. یکی از دلایل عمده ای آمدن اسلام در جهان بشریت تنها مسله شرک نبود با اینکه از نگاه فلسفه توحید شرک زیر بنای همه بدبختی های دیگر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است؛ در کنار آن افراط و تفریط، استثمار طبقه مظلوم و ناتوان بود. از همین سبب در شروع روی صدقه و کمک به بیچاره و ناتوان تاکید زیاد شد. برای مطالعات این موضوع لطفاً به کتاب *Muhammad A Biography of the Prophet By Karen Armstrong* مراجعه کنید.

شرایط ناگوار افغانستان و افغانستانی ها ایجاب می کند که ما هر چه توان داریم کمک کنیم. همین روزگار افغانستان باعث شد تا حدیث هفته را صدقه انتخاب کنیم. نه تنها که زکات از پنج بنای مسلمانی در اساس اعتقاد اسلامی شد، اقتصاد اسلامی در جهان امروز از نگاه مطالعات اقتصادی یک حد وسط است بین سوسیالیسم و کاپیتالیسم. برای مطالعات این موضوع لطفاً به کتاب جدید من زیر عنوان دموکراسی اسلامی رجوع کنید. در رابطه به صدقه رسول اکرم (ص) فرموده است که:

” صدقه عمر مرد مسلمان را فزونی دهد و از مرگ بد جلوگیری کند و به وسیله آن الله تعالی تفاخر و تکبر را از بین میبرد.“ حدیث شماره ۱۸۳۳ نهج الفصاحه: مجموعه کلمات قصار حضرت رسول

اکرم(ص) با ترجمه فارسی بانضمام فهرست موضوعی از ابوالقاسم پاینده دیده می شود که با دادن صدقه ما نه تنها عمر خود را طولانی می کنیم از مرگ بد جلوگیری صورت میگیرد و همچنان از یکی از صفات بسیار بد انسانی که کبر و غرور و خودخواهی است نجات پیدا می کنیم.

عزیران من! فکر نکنید که طور مثال ده دالر چه است که شما به کسی بفرستید. صدقه یک دالر هم باشد اجر بزرگ دارد. لذا درین شرایط بد اقتصادی دست فراخ داشته باشید. خواهش که من دارم و این در متن دین ماست که با صدقه دادن خود نمائی مکنید. به کسی نگوید که کی را کمک کردید. یاد مکنید اگر می خواهید که زیاد ترین اجر و ثواب را صاحب شوید.

جمعه مبارک

۶ نوامبر ۲۰۲۰

حدیث شماره ۵

جمعه مبارک

سلام عزیزان

باز پنجشنبه شب آمد و نوبت حدیث هفته.

یک دلیل که من احادیث موثق پیامبر اسلام را به شما نقل قول می‌کنم به خاطر اهمیت فرهنگی حدیث است. بارها گفته‌ام که قرآن کتاب هدایت و حکمت است و اما قرآن فرهنگ دهنده نیست. یک دلیل که مسلمانان امروز بسیار مشکل دارند برای این است که مسلمان هستند بدون فرهنگ اسلامی، بدون اندیشه و تفکر اسلامی، بدون هدف و مرام اسلامی و بلاخره بدون یک اجندای کاری اسلامی. و این جگر خون‌کننده است زیرا اسلام آمد تا ما یک فرهنگ مدنی، اخلاقی و عدلی داشته باشیم و متأسفانه امروز فرهنگ ما بین فرهنگ قومی و قبائلی افغانستانی، فرهنگ غربی و با یک روپوش اسلامی مانند نقل بادامی کمبار کابلی ساخته شده است که در نتیجه نه افغانستانی درست هستیم و نه غربی و نه اسلامی اصولی. فرهنگ ما در زیر همه قومی و قبائلی است و این فرهنگ با دریشی و نکتایی غربی آمیخته شده و بعد یک ریشک‌قشنگ و تسبیح به دست اسلامی! یعنی ذهنیت ما قومی و قبائلی است و یک دریشی پوشیده‌ایم که مدرن معلوم شویم و ریش و تسبیح هم به آن علاوه کردیم. این شد فرهنگ ما! این حالت یک مشکل بزرگ را خلق کرده است که ما را فاقد یک اندیشه سالم ساخته است و ما در یک خلای فرهنگی قرار گرفته‌ایم. این خلای فرهنگی، بعضی را به تعصب کشانده است و بعضی را به بی‌بند و باری و بعضی را به شمول تحصیل‌یافتگان به سردرگمی فکری زیرا او هم بیچاره شده است و نه می‌داند چه می‌کند و چه می‌گوید زیرا گفتارها هر قدر علمی باشند و تاریخی باشند باید یک نتیجه داشته باشد که بعد ازین همه سخن چه باید کرد. خلای فرهنگی باعث پسمانی و تقلید می‌شود زیرا ما از خود یک اندیشه نداریم. چنانچه یکی از دوستان را دیدم که سر تا پا سیاه پوشیده بود. سوال کردم که رنگ سیاه را زیاد دوست

داری گفت نه به مراسم جنازه می روم. مگر در فرهنگ ما باید در مراسم جنازه سیاه بپوشیم؟ گفت: همه می پوشند. متوجه شدم که این برادرم غرق تقلید است زیرا اندیشه از خود ندارد و نه می داند که در فرهنگ اسلام برای جنازه رنگ سیاه نیست و سفید هم که طالبان می پوشند هم نیست و یک فرهنگ عربی است که نسبت گرمی هوا سفید می پوشند زیرا حرارت را دفع می کند.

بعد از این مقدمه فرهنگی، شهادت جوانان دانشگاه کابل توسط طالبان (با اینکه اعتراف نکردند) و اما ما می دانیم برای اینکه در جامعه بین المللی بی آبرو نشوند اعتراف نه می کنند و شهادت یما سیاوش در هفته که گذشت به ما یک واقعیت را می گوید که طالبان، داعش و غیره چقدر از اسلام به دور هستند چنانچه یک عده زیاد طبقه تحصیل کرده از اسلام به دور است به تفاوت اینکه طالب آدم می کشد و تحصیل کرده نمی کشد و اما وجه مشترک شان عدم داشتن فرهنگ اسلامی است. این را به خاطر می گویم که قشر تحصیل یافته اجندای کاری اسلامی برای یک کشور مسلمان ندارد. نه از نگاه سیاسی، نه اقتصادی و نه اجتماعی. در مورد قتل و شهادت مردمان بیگناه سه حدیث پیامبر اسلام را به شما نقل قول می کنم.

رسول اکرم (ص) می فرماید که "نخستین بار روز رستاخیز میان مردم در باره خونها داد رسی میکنند." یک حدیث دیگر از پیامبر خدا به ما رسیده است که می گوید: "خداوند سه بار خواهش من را در باره بخشش کسی که مؤمنی را کشته است رد کرد." و می گوید: "قتل نفس از گناهان کبیره است."

با تأسف می بینیم که طالبان که ادعای دولت اسلامی دارند چقدر از اسلام به دور هستند. و هر روز مردمان و جوانان بیگناه را می کشند. و شاید کسانی این قتل ها را می کنند که از آزادی بیان و قلم می ترسند که طالبان هم شامل همین گروه هستند. خون ناحق جواب دادن دارد و روزی همه چیز آشکار خواهد شد.

جمعه مبارک

۱۳ نوامبر ۲۰۲۰

حدیث شماره ۶

جمعه مبارک

سلام عزیزان

باز نوبت حدیث هفته رسید. من عاشق احادیث ثقه که مطابقت به قرآن دارد هستم زیرا اگر در زندگی ما تطبیق شود هشتاد درجه زندگی اخلاقی و مدنی ما را تغییر میدهد. و بار بار گفته ام و نوشته ام یک دلیل که مسلمانان فرهنگ مدنی ندارند برای این است که از اسوه بشریت حضرت محمد (ص) نیاموخته اند. همه ضد و نقیض ها، حسادت ها، دو و دشنام، خود خواهی ها، کبر و غرور، بی احترامی به بزرگان و استادان، بحث های بیمورد و بدون علم در موضوع، زن ستیزی و قوم پرستی و لجابت و بی تفاوتی، پیخ زدن بالای اعضای خانواده و مردم، حقوق مردم را پایمال کردن. خود را از دیگران بلند دانستن و به نام پدر و جد فخر کردن و هر ناشایست را که شما می شناسید و می دانید برای این است که مردم فرهنگ انسان ساز اسلام را ندارند که منشاء این فرهنگ همانا شخص حضرت رسول کریم (ص) است و بس. مایکل هارت Micheal Hart مؤلف کتاب، *The 100: A Ranking of the Most Influential Persons in History*، ۱۹۹۲ محمد (ص) پیشوای اسلام را شخص شماره اول و از پر نفوذ ترین شخصیت تاریخ بشر قلمداد کرده است. هارت مسلمان نبود و یک محقق بود. این تنها به خاطر این نیست که محمد (ص) قرآن را که نازل شد به جامعه بشری پیشکش کرد بلکه شخصیت والای پیامبر اسلام است که بی سابقه درخشید و قرآن او را نمونه زندگی و رحمت للعالمین گفته است. اما ما متأسفانه زن و مرد به خاطر خودخواهی ها و نادانی ازین مثال کرامت و اخلاق نه می آموزیم و فکر می کنیم که قرآن کافی است در حالیکه آورنده قرآن هم محمد (ص) است.

سال ۱۹۹۲ بود که در مسجد شهر کانکورد در شمال کالیفورنیا بین

طرفداران آقای حکمتیار و طرفداران مرحوم پادشاه سابق گفتگو شد و اینها همدیگر را پوچ و ناسزا می گفتند و من بسیار تعجب کردم زیرا دودشنام و توهین و اهانت نباید کار یک مسلمان باشد. همانجا من متوجه شدم که حتی آنها که ادعای اسلامیت می کنند فرهنگ اسلامی ندارند زیرا مسلمان یک شخص را مسلمان باشد یا نباشد توهین نه می کند زیرا پیشوای اسلام فرموده است که، "مؤمن آن است که مردم از دست و زبانش در امان باشد." من دست به کار شدم و احادیث ریاض الصالحین را که در آن زمان در دو جلد بود در یک جلد به نام منتخبات ریاض الصالحین به چاپ رساندم و این سال ۱۹۹۳ میلادی بود. افغانستانی ها ازین مجموعه بسیار استقبال کردند و سه بار خودشان آنرا دوباره چاپ کردند. بلی! حدیث انسان ساز و جامعه ساز است و حدیث این هفته، هم به شخص ثواب می رساند و هم اجتماع. حدیث چنین است:

" همه اعمال خیر یک نیمه عبادت است و دعا نیم دیگر و چون خداوند برای بنده ای خیر خواهد قلب او را بدعا متمایل می کند." بلی عزیزان وقتی ما عمل خیر انجام میدهیم مثلاً در نظافت شهر می کوشیم، یک بیسواد را باسواد می سازیم، و چیزیکه آموختیم به دیگران می آموزانیم، عقاید مردم را احترام می کنیم، کسی را به کفر محکوم نه می کنیم، در صدد آموختن هستیم و هر کار نیک همه عبادت است. عبادت تنها نماز خواندن نیست که اکثراً فکر می کنند. هر کار نیک که خدا و رسول سفارش کرده و شما می کنید عبادت است. هر کار نیک چه خوب است با دعا همراهی شود و این توکل را نشان میدهد که سر انجام همه امور بالآخره به دست پروردگار است که او کار ساز واقعی است و کوشش و سعی و تلاش آدمی را بی جواب نه می ماند. یعنی سعی و تلاش و عمل نیک ما وقتی با دعا باشد آنجاست که ما به زندگی دنیایی خود معنویت بخشیده ایم.

جمعه مبارک

۲۰ نوامبر ۲۰۲۰

حدیث شماره ۷

جمعه مبارک

سلام عزیزان

سلام عزیزان که متعهد به ارشادات رسول اکرم (ص) هستید و آن شخصیت بزرگوار را الگوی زندگی برای انسانیت و عزت و کرامت انسانی در زندگی خود ساخته اید و مردانه وار، زن و مرد از پیشوای اسلام دفاع می کنید و عالمانه از دین و روش زندگی اسلامی خود دفاع می کنید. هرگز از چند تن بی دین و بی ایمان و آنانیکه نقش پیشوای اسلام را در زندگی ما نادیده میگیرند و به دول کفار و مشرکین و ضد اسلام درین دنیای پر آشوب که طالب و داعش و غیره گروه های ارتجاعی که به اسلام عزیز نام بد کمایی کرده اند، می رقصند، اهمیت ندهید. جزیی ترین اهمیت به این سخنان جاهلانه که ما اول افغانستانی هستیم و اول باید انسان باشیم ندهید. این سخنان را کسانی می زنند که میخواهند اسلام را تخریب کنند. این سخنان مردم قومی و قبائلی است که اول قوم و ملیت شان مهمتر است نه اسلام. اسلام برای شان اهمیت داشته باشد هرگز این سخنان را نه می زنند. پس بیدار باشید. خداوند ناظر اعمال و گفتار ماست و ما و شما تنها نیستیم. خداوند با ما و شماست و وعده او حق است.

امروز پنجشنبه ۲۶ نوامبر، ۲۰۲۰ روز شکران در آمریکا بود. خواه خواه ما منحیث مسلمان هر روز باید شاکر باشیم و از نعمت های خداوند شکر گزار باشیم. روز شکران در آمریکا موافق با فرهنگ اسلامی ماست و اما یک نکته جالب در دین ماست که باید در مورد شکر کردن بدانیم.

قرآن مجید با الله آغاز می شود و با الناس یعنی مردم ختم می شود. معنی این رابطه خدا به مردم است یعنی هر قدر شما به مردم برسید همانقدر به خدا رسیده اید. حدیث این هفته را در رابطه به شکرگزاری از مردم انتخاب کردیم. حدیث پیشوای اسلام

حضرت محمد (ص) که قرآن مجید او را الگوی انسانیت خوانده است و رحمت للعالمین خطاب می کند و امروز از غرب زدگی زیاد انکار میکنند، چنین است :

”سپاسگزارتر از همه مردم کسی است که سپاس مردم را بیشتر می گذارد.“

بلی عزیزان! دین ما دین برادری و عشق و محبت است. هر کس حتی به اصطلاح سر سوزن به شما کاری انجام میدهد باید سپاسگزار باشید. حدیث دیگر آن بزرگوار انسانیت و کرامت این است: ”ایمان دو نیمه است. نیمی صبر و نیمی شکر.“

بلی عزیزان!

بزرگترین شکر همین است که ما شکر کنیم که الحمدلله مسلمان هستیم. زندگی ما با هدف قرآن و ارشادات پیشوای اسلام پیوند نا گسستنی دارد. هر گاه ما خدا و پیامبر را فراموش کنیم و شکر گزار نباشیم زوال ما آمدنی است.

جمعه مبارک

۲۷ نوامبر ۲۰۲۰

حدیث شماره ۸

جمعه مبارک

سلام عزیزان

حدیث شکر گزاری در هفته گذشته بسیار استقبال شد و این هفته هم به یک حدیث رسول اکرم (ص) در مورد شکر گزاری می پردازیم تا باشد که فرهنگ اسلامی و ادب اسلامی خود را تقویه کرده باشیم.

با اینکه نماز خواندن در اسلام فرض است و هر مسلمان متعهد به اسلام باید پنج وقت نماز ادا کند و اما وقتی اصول عبادت را دقیق مطالعه می کنیم می بینیم که در کنار نماز، بزرگترین عبادت شکر کردن است. شما نماز را برای خود می خوانید تا روح و روان شما همیشه با توازن باشد. یک دلیل علمی نماز خواندن همین است که نماز روح و جسم آدمی همنوایی داشته باشد. اما شکر در همه موارد تنها برای خداست. شکر کردن در همه چیز که خداوند به ما داده است. یکی از شکر گزاری های بسیار مهم و حیاتی شکر کردن بعد از صرف غذا است که متأسفانه اکثراً فراموش می شود. ما باید از رزق که خداوند به ما داده شکر گزار باشیم. درین روزهای عید کرسمس در تلویزیون ها می بینیم که موسسات خیریه در آمریکا برای فقرای آمریکایی غذا تهیه می کنند و اما ما در خانه خود فراموش می کنیم برای غذای که خداوند به ما از رحمت بیکران خود ارزانی داشته شکر کنیم و این گناه بزرگ است. این وظیفه ریس خانواده می باشد تا سر سفره دعای سفره را بخواند و اگر پدر که رئیس است حضور ندارد مادر باید دعای سفره را بعد از صرف غذا بخواند و جوانان تشویق شوند تا دعای سفره را بیاموزند و تا دعا نکرده اند سفره را ترک نکنند تا برکت زیادتر شود. دو یا سه متن دعای بعد از غذا در دسترس ما قرار دارد. من همان را برای شما انتخاب کرده ام که ترمذی روایت کرده است و برای از یاد کردن آسان تر است.

این است دعای بعد از صرف غذا که رسول خدا می خواند:

”الحمد لله الذی أطعمنا و سقانا و جعلنا من المسلمین.“

یعنی: الهی شکر که به ما طعام دادی و آب دادی و ما را مسلمان بار آوردی.

عزیزان! من حیث یک مسلمان با فرهنگ هرگز دعای سفره را فراموش نکنید و کوشش کنید تا دعای فوق را از یاد داشته باشید. رسول اکرم (ص) فرموده است که دعا مغز عبادت است پس هر قدر می توانید دعا بیاموزید زیرا برکت در دعاست.

جمعه مبارک

۴ دسامبر ۲۰۲۰

حدیث شماره ۹

جمعه مبارک

سلام عزیزان

زندگی ما به اصطلاح عامیانه مثل برق سپری میشود. باز نوبت حدیث هفته رسید.

در سه شنبه هشتم دسامبر ۲۰۲۰ که گذشت من کتاب شهید خان محمدخان مرستیال را که دختر نازنین مرحومی، پروین جان آمینی مرستیال تألیف کرده و خاطرات پدر مرحومش را که بیگناه او را داود خان شهید کرد، نگاشته است، از آلمان به من فرستاده بود؛ در برنامه تلویزیون آریانا افغانستان معرفی کردم. خواه مخواه من دید و بینش خود را از تاریخ افغانستان دارم زیرا تاریخ از علوم انسانی است و هر کس حق دارد تا تحلیل و تفسیر خود را داشته باشد. مرحوم سردار داود مرتکب اشتباهات زیاد در تاریخ شد و مهمترین آن شکنجه و آزار و توهین و اهانت یک عده وطن پرستان به شمول مرحوم میوند وال و خان محمد خان مرستیال و دیگران بود که رژیم داودی را به یک رژیم جنایتکار تبدیل کرد. به دلایل مختلف سردار داود طرفداران خود را دارد و اما قتل قتال و شکنجه و اعدام ناجوامرادنه وطن پرستان بیگناه به هیچ صورت توجیه نمیشود. چون من نه در حزب غورزنگ ملی داود خان بودم، نه محمد زایی هستم، نه طرفدار داعیه نامهناد پشتونستان هستم که داود خان تنور آنرا در دوران صدارت بسیار داغ کرده بود، من به هیچ صورت نه می توانم واقعیت های تاریخ را به خاطر محافظه کاری پنهان کنم. مخصوصاً که شریعت اسلام می گوید که حق را بگویید و از باطل جلوگیری کنید. همچنان در شریعت کسی که شریک جرم است مجرم شمرده می شود. کسانی که از داود خان دفاع می کنند یا تاریخ آن دوره را نمیدانند یا در یکی از کتگوری های که ذکر کردم شامل هستند. به هر حال بعد از برنامه تعداد زیاد مردم به من زنگ زدند که واقعا واقعیت ها گفته شد و

سخنان من سخت در دل مردم جا گرفته بود به جز از یک نفر که او یک وقت از آقای سیرت که نکاح چهار ساله را روا دانسته بود دفاع میکرد و حالا از داود خان! در رابطه به این موضوع که سخن که از دل گفته شود به دل می نشیند حدیث رسول کریم را به شما نقل می کنم. حضرت رسول اکرم (ص) فرموده است که، "آنکه صاحب سخن حق است، گفتاری مؤثر دارد." (حدیث شماره ۸۸۴، نهج الفصاحه)

تاریخ، علوم سیاسی، دین، ژورنالیزم، موسیقی و ادبیات از علوم انسانی یا Humanities می باشد و هر کس طرز و دید و بینش خود را از این علوم دارد و قابل احترام است و اما کشتار مردم مسلمان شکنجه و آزار مردم به نام اینکه یک شخص به قدرت ماند مثلثیکه احمدشاه ابدالی حتی خواهر زاده خود را به قتل رساند و یا کثافت کاری های که نادر خان کرد و کشتار که کمونیستان کردند و یا امروز طالبان مزدور میکنند به هیچ صورت توجیه نمیشود. چرا سخنان من مؤثر بود برای اینکه نظر به حدیث پیامبر کریم (ص) من با خود تعهد کرده ام که به جز حق برای مردم چیزی نگویم و هرگز من افکار خود را مصالحه نه می کنم حتی که کشته شوم زیرا من نه برای مقام کار می کنم و نه برای یک قوم و نه برای یک حزب مانند غورزنگ ملی.

جمعه مبارک

۱۱ دسامبر ۲۰۲۰

حدیث شماره ۱۰

جمعه مبارک

سلام عزیزان

اسلام نظام طبقات اجتماعی را محکوم می کند، چنانچه در اروپا ارستو کراسی رواج داشت. یا در روم قدیم قشر پایین جامعه حق رأی را در سنای روم نداشتند. در آمریکای امروز کسی که پول دارد مهم تر شمرده می شود. اما وقتی شما در مسجد داخل می شوید، می بینید که درین نظام شاه و گدا ندارد و همه در یک صف در نماز می ایستند. هر کس اول داخل مسجد شود ثروتمند باشد یا مستمند باشد در صف اول می ایستد. متأسفانه مادی پرستی غرب و نظام سرمایه داری در افغانستان احساس انسانی مردم را زیر شعاع قرار داده است و فقرا از دیده افتیده است. جالب اینکه حتی آنانیکه زیر عنوان جمهوری اسلامی خدمت می کنند فقرا را نادیده گرفته اند و خود شان با تجمل زندگی میکنند. ثروت داشتن بسیار خوب است، وقتیکه ما دست درمانده و فقیر و بیچاره را چه به شکل فردی و یا خانوادگی و بلاخره ملی باشد نگیریم، ثروت ما در آخرت بلای جان ما خواهد شد. امروز در دعوت ها هر که را می بینید ثروتمند و قدرتمند و سرشناس است نه مردم از دیده افتیده و این گناه است و از نگاه جامعه شناسی اقتصادی اسلامی جرم شمرده می شود وقتی ما فقرا و مردم بی بضاعت را نادیده می گیریم.

حدیث رسول اکرم (ص) را به شما عزیزان نقل قول می کنم که فرموده است: "چه بد است غذای عروسی که ثروتمندان از آن بخورند و فقیران از آن محروم اند."

بهترین زندگی آن است که ما اول به آنانی رسیدگی کنیم که محتاج هستند. آنانیکه واقعاً به خدا نزدیک هستند. آنانیکه ما را به خدا نزدیک می کنند. خدا وقتی ما را دوست دارد که ما از فرعون و قارون دوری کنیم و به مقربان دربار خدا خود را نزدیک سازیم.

جمعه مبارک

۱۸ دسامبر ۲۰۲۰

حدیث شماره ۱۱

جمعه مبارک

سلام عزیزان

رهبران کلیسا در قرون وسطی زندگی را بالای مردم بسیار سخت ساخته بودند. همه اعمال و حرکات و گفتار و کردار مردم را کلیسا کنترل میکرد و این باعث انقلاب بر علیه کلیسا شد که این انقلاب نه تنها باعث شد تا رنسانس به وجود بیاید بلکه مردم بر علیه دین در اروپا قدا علم کردند. پسان، نیچه فیلسوف آلمانی آمد و گفت که خدا مرده است و کارل مارکس آمد و گفت که دین تریاک جامعه است. این گفتارها همه بر علیه عیسویت بود. در اثر غرب زدگی یا Westruckness مسلمان تصور کرد که اسلام مانند عیسویت است و یک عده مسلمانان هم از دین برآمدند و به مارکسیزم و غرب زدگی پناه بردند و عالم دین اسلام به جای اینکه دین محمد (ص) را که مخالف کنترل، سخت گیری و دهشت و وحشت بود معرفی کند، مردم را به کفر گرفتن گرفت در حالیکه در اسلام، نظر به آیات قرآن، نه دین تحمیل میشود و نه در دین سخت گیری است زیرا از دید اسلام، انسان آزاد خلق شده است و خودش باید برای خود تصمیم بگیرد زیرا دین یک موضوع دل، عقل و تفکر است و تا خود انسان خودش را نشناسد و خدا را در قلب خود پیدا نکند کسی نه می تواند او را مسلمان سازد. و اویکه مسلمان است هم نه می توان دین را بالای او تحمیل کرد مشروط بر اینکه قانون مدنی کشور بعضی مسائل قرآنی را در جامعه اسلامی به شکل قانون مدنی پیشکش مردم کند و مردم آنرا مراعات کنند. در غیر آن مردم آزاد مطلق هستند و اگر مسلمان هستند و دین در زندگی شان نیست موضوع شخصی خود شان است و مردم حق ندارند ایشان را به کفر بگیرند. اینکه در عربستان سعودی و ایران دین بالای مردم تحمیل می شود خلاف اساس قرآن و ارشادات حضرت رسول کریم (ص) است.

کار دولت اسلامی تحمیل دین بالای مردم نیست. وظیفه دولت اسلامی از دید قرآن، تأمین امنیت سرتاسری، براه انداختن اقتصاد قوی و آموزش و پرورش مردم است و بس. مردم خودشان باید از طریق آموزش و پرورش یا Education دین را به تشبث خود قبول کنند نه اینکه مردم برده دولت شود و دین بالای شان تحمیل شود.

حدیث این هفته را در مورد زور و سخت گیری به شما انتخاب کردیم. حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که ”در امور دین آسان بگیرید، و سختگیر نباشید، مژده دهید و بیزار نکنید.“ (مأخذ بخاری)

بلی عزیزان طالبان دین را مانند اروپای قرون وسطی عمل می کنند و چند تن وهابی نادان و شیعه نادان فکر میکنند که برای اینکه جامعه از فساد پاک باشد دین باید تحمیل شود در حالیکه چنین نیست و اخلاق خصوصی مردم قانون گزاری نمیشود تا خود شخص، خودش با اخلاق نباشد.

دین اسلام، دین اخلاق، پیشامد نیکو و عشق و محبت است نه وحشت و دهشت که امروز طالبان در افغانستان به وجود آورده اند. برای مطالعات غرب زدگی لطفاً به کتاب غرب زدگی اثر بی همتای نویسنده نامدار ایران جلال آل احمد مراجعه کنید. این کتاب به زبان انگلیسی زیر عنوان Westruckness به زبان انگلیسی ترجمه شده است و در آمازون به دسترس علاقمندان کتاب است. همچنان برای اهداف دولت اسلامی، دموکراسی و اسلام به کتاب این نویسنده زیر عنوان

Islamic Democracy: Road Map to Peace in the Middle East رجوع کنید.

جمعه مبارک

۲۵ دسامبر ۲۰۲۰

حدیث شماره ۱۲

جمعه مبارک و سال نو میلادک مبارک

سلام عزیزان

یکی دو روز پیش که در باره کرسمس نوشتم و پیشنهاد من این بود که اگر مسلمانان به عیسیویان تبریک می گویند به ایمان شان صدمه وارد نه می کند. من نگفتم که مسلمانان تجلیل کنند. گفتم که برای زیست باهمی و صلح برای مردم جهان ما باید همه ادیان را احترام کنیم. آنها خودشان مسؤل دیانت خود هستند نه ما. بعضی حساسیت ها را خواندم که یک عده بدون رایه یک آیه صریح قرآن و یا حدیث پیامبر (ص) خواستند که تفکر متحجر خود را توجیه کنند و اما ناکام ماندند.

یک نکته جالب در دین شناسی اسلامی این است که یگانه مرجع استدلال، فرهنگ اسلام و قانون مدنی اسلام اول قرآن مجید و دوم احادیث پیامبر اسلام است که مطابقت به قرآن داشته باشد و بس. هر چه هر کس دیگر گفته از شکم خود گفته است و قابل قبول نیست. مخصوصاً که ما امروز در جامعه بین المللی زندگی می کنیم و احکام نظر به شرایط زندگی تغییر میخورد.

در رابطه اینکه امروز ما در خارج قلمرو اسلامی زندگی می کنیم و نه تنها زندگی کردن مجاز است، زیرا در دین ناسیونالیزم نیست که مسلمان در یک قطعه زمین خودش را مقید سازد، شرایط زندگانی تفاوت دارد و روابط ما با مردم جهان باید به اساس احترام متقابل باشد نه اینکه ما دین آنها را توهین کنیم و یا روابط اجتماعی خود را محدود بسازیم به خاطر که تفکر دینی شان مانند ما نیست.

حدیث هفته را در رابطه به همین موضوع برای شما انتخاب کردم. حضرت رسول کریم (ص) فرموده است: ”زمین، زمین خداست و بندگان، بندگان خدایند؛ هر جا که نیکی به تو رسید، اقامت

گیر.“

در حدیث بالا دو نکته جالب است اول اینکه بندگان، بندگان خدایند. درین جا می بینیم که پیامبر (ص) بندگان خدا را همه را به دیده احترام می نگرد اینکه ”همه بندگان خدایند،“ تعصب نشان نداده است. نکته دوم هر جا که به تو نیکی رسد همانجا اقامت کن. حالا وقتی ما در یک کشور غیر مسلمان زندگی می کنیم ما باید چنان خود را معرفی کنیم که اینها به دین ما احترام کنند. اینها باید بدانند که مسلمانان تعصب ندارند. مسلمانان راستین مردم با اخلاق، مدنی، مسالمت آمیز و صلح جو هستند. چنانچه روزگاری مسلمانان در اسپانیه پنجمصد سال با یهود و نصاری بطور مسالمت آمیز زندگی کردند. اما امروز به ما چه می گویند که اگر تو به یک عیسوی تبریکی می گویی عمل کفر آمیز را مرتکب شدی. استغفر الله!

وظیفه یک مهاجر در عالم هجرت تنها دوری از آن چیز های است که خدا منع کرده است. درین مورد رسول کریم (ص) فرموده است: ”مهاجر آنست که از هر چه خدا منع کرده دوری کند.“ مرجع: احادیث نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم (ص)

عزیزان من، امروز که شما درین دیار بیگانه زندگی می کنید باید قسمی زندگی کنید که بهترین انتباه را از شخصیت اسلامی شما مردم بگیرند. همکار خوب باشید. کرمس و سال نو را تبریک بگویند. همیشه زنان را احترام کنید. به همسایه خود احترام کنید. چالش ما این است که چیزیکه این مردم در رسانه ها می بینند که اسلام تنها از دید طالبان نادان و داعش نادان معرفی می کنند ما باید با اعمال خود ثابت کنیم که نخیر اسلام یعنی دین عشق و محبت و همکاری و دوستی بین همه مردم جهان است، مسلمان و غیر مسلمان.

جمعه مبارک و سال نو میلاد مبارک

اول جنورک ۲۰۲۱

حدیث شماره ۱۳

جمعه مبارک

سلام عزیزان مؤمن و متعهد به اسلام

ششم جنوری یک روز سیاه در تاریخ ایالات متحده آمریکا ثبت شد وقتی یک عده مردم نادان و خلاف موازین رأی مردمی و عدالت از خشونت کار گرفتند و به طرفداری رئیس جمهور که انتخابات را باخته است به تالار کانگرس حمله کردند. کانگرس در آمریکا مهمترین مرکز سیاسی و نقش سرنوشت ساز از نگاه سیاسی این کشور دارد. گفته می شود که این حمله از طرف رئیس جمهور ترمپ تشویق شده بود. در تاریخ آمریکا بی سابقه بود. با اینکه دو هفته از ریاست جمهوری ترمپ باقی مانده، رئیس کانگرس، بانو نانسی پلوسی، هفتم جنوری خواستار خلع رئیس جمهور شد.

عزیزان

چه رئیس یک خانواده باشد که خانواده از دید اسلام واحد کوچک اجتماع است و چه رئیس دولت باشد، یک مسؤولیت بزرگ اخلاقی است. متأسفانه در نظام دموکراسی غربی مسئله اهلیت و کفایت و لیاقت برای ریاست و رهبری مطرح نیست و هر کس می تواند خود را به ریاست کاندید کند. و اگر توانست که مردم را با سخنان چرب و نرم مغز شویی کند برنده می شود. اخلاق، شخصیت سالم، پشتاره موزون برای رهبری قطعاً مطرح نیست. در کشور های مسلمان هم چون زیر تاثیر کشور های غربی هستند و یا اگر نیستند به اساس قوم و قبیله حکومت داری میکنند که دموکراسی را بد نام و بی ناموس ساخته است.

درین مورد سه حدیث از پیشوای اسلام حضرت محمد (ص) برای شما انتخاب کرده ام که در شرایط امروز بسیار آموزنده است. رسول اکرم (ص) می فرماید: ”هر کس با زیر دستان خود به

نیرنگ رفتار کند اهل جهنم است.“ رئیس جمهور یک کشور از دید اسلام حیثیت یک بزرگ را دارد که باید همه به او احترام داشته باشند و اطاعت کنند. درین کشور تعصبات نژادی و مذهبی به ضد مسلمانان و اقلیت ها و مهاجرین شدید دامن زده شد. در کشور ما رئیس دولت به قوم گرایی و قوم پرستی و بی عدالتی محکوم است. رهبر باید عادل باشد و خردمند که متأسفانه امروز تقریباً دیده نمیشود. رهبر خردمند، قوم پرست و تبعیض گرانه می باشد. رهبر خردمند تواضع میداشته باشد. رهبر خردمند اول هر چیز خوب را به ملت میخواهد و اما در جهان امروز همه چیز برعکس است. رسول اکرم (ص) می فرماید: ”از خردمند رهبری جویند تا براه راست برسید و وی را نافرمانی نکنید که پشیمان شوید.“ در حدیث دیگر رسول اکرم (ص) می فرماید: ”هر که زمامدار مردم شود و ستم نکند و با آنها سخن کند و دروغ نگوید و عده کند و تخلف نکند وی از جمله کسانی است که مروتش به کمال رسیده است و عدالت اش نمایان گشته و برادری با او واجب و غیبت اش حرام است.“

امروز وقتی ما این همه بی عدالتی را در جامعه خود می بینیم به خاطر این است که رئیس دولت نه خردمند است و نه عادل. مردم در افغانستان از فقر، بی امنیتی و بی عدالتی به فغان رسیده اند. حکام عادل مسلمان و نا مسلمان ندارد. در هر کشور بودن و هستند رهبران که واقعاً عادل بودند و هستند رهبران که نه خرد دارند و نه عدالت. زوال یک جامعه به خاطر نداشتن رهبر سالم و عادل است چه جامعه مسلمان باشد و چه نباشد.

جمعه مبارک

جمعه هشتم جنورک ۲۰۲۱

حدیث شماره ۱۴

جمعه مبارک

سلام عزیزان

روز دوشنبه هژدهم ماه جنوری ۲۰۲۱ روز یادبود دکتر مارترلوترکینگ فقید رهبر سیاه پوستان آمریکاست که در مبارزات آزادیخواهی برای حقوق مساوی جانس را به تاریخ چهارم اپریل ۱۹۶۸ از دست داد و به قتل رسید.

زیاد تر از نیم قرن از قتل داکتر کینگ گذشت و اما نژاد پرستی هنوز هم در بین طبقه جاهل دوام دارد به شمول یک عده زیاد مردمان افغانستان که شدید قوم پرست هستند. قوم پرستی و نژاد پرستی انتی تز مدنیت گرایبی است. قوم گرا و نژاد پرست چه آمریکایی باشد و چه افغانستانی باشد از مدنیت به دور است و هرگز مدنی نمیشود و همیشه وحشی باقی می ماند.

اسلام اولین نظام اجتماعی در سطح جهانی بود که به طور مسالمت آمیز با نژاد پرستی و قوم پرستی به مبارزه برخاست. قرآن مردمان را نه به اساس قوم بلکه تقوی می شناسد و نزدیکترین نزد خداوند با تقوی ترین است (سوره حجرات آیه ۱۳) حضرت محمد مصطفی (ص) سلمان فارس را که از خراسان زمین بود "اخی" یعنی برادر گفت. قرآن مسلمانان را در دین اخوه خطاب کرده است یعنی مؤمنین در دین با هم برادر و خواهر هستند. توجه داشته باشید که آیه إخوه از "اخ" که مذکر است و "اخت" که مؤنث است مشتق شده است و اصل تفسیر آیه این است که در بالا گفتیم.

حمله وحشت انگیز مورخ ششم جنوری ۲۰۲۱ در کانگرس آمریکا از نژاد پرستی بود که دموکراسی بعد از تقریباً دو نیم صد سال ناکام مانده که این پدیده شوم را ریشه کن کند. در رابطه به نژاد پرستی و قوم پرستی پیامبر صلی الله علیه و آله چنین فرموده

است: “هیچ عرب را بر عجم، و هیچ عجم را بر عرب و هیچ سفید را بر سیاه و هیچ سیاه را بر سفید برتری نیست مگر به تقوا.” این حدیث مطابقت کامل به آیه قرآن که در بالا تذکر دادیم می باشد.

به افتخار می توانیم ادعا کنیم که اسلام چهارده قرن پیش با نژاد پرستی و قوم پرستی به مبارزه برخاسته است و به کرامت انسانی اعتقاد دارد نه نژاد، قوم، پوست و زبان.

متأسفانه در جامعه ما ملا قومی و قبائلی داریم، تحصیل یافته قوم پرست و نژاد پرست داریم، خبرنگار و ژورنالیست قوم پرست داریم که اینها همه هنوز در یشرب زندگی می کنند نه مدینه فاضله.

افغانستان و آمریکا هر دو باید شدید با قوم پرستی و نژاد پرستی مبارزه کند. داکتر کینگ فقید که از گاندی هند در مبارزات آزادیخواهی به اساس خشونت پرهیزی پیروی میکرد اما زیادتر از تأویل و تحلیل دین در مبارزات کار گرفت زیرا یک رهبر مذهبی بود. هر کسیکه برای آزادی انسان و انسانیت مبارزه می کند نزد خداوند عزیز است مسلمان باشد یا نباشد. روح دکتر کینگ فقید شاد باد.

جمعه مبارک

جمعه ۱۵ جنوری ۲۰۲۱

حدیث شماره ۱۵

جمعه مبارک

سلام عزیزان

خداوند را سپاسگزارم که بعد از سه هفته قادر شدم تا دوباره سلسله حدیث هفته را روی دست بگیرم.

یک ملت را مردم آن می سازد و مردم بزرگترین منبع پیشرفت و ارتقای یک جامعه است. یعنی مردم متفکر، عاقل، هوشمند و آگاه جامعه ساز هستند. جوامع پسمانده به خاطر عقب گرایی مردم آن است که نه میخواهند تغییر مثبت در زندگی بیاورند. در کشور های متمدن و پیشرفته منبع انسانی بسیار اهمیت قائل هستند و به نام Human Resources یاد می شود و زیاد ترین استفاده را در ساحات مختلف از اشخاص چیز فهم میکنند و بالای اشخاص متخصص و متشبه سرمایه گذاری میکنند. آمریکا یکی از کشور های جهان است که در قسمت استفاده منابع انسانی نهایت پیشرفته است. در مورد اهمیت مردم من حیث یک گنجینه حیاتی حضرت رسول کریم (ص) چنین فرموده است: "مردم معدن هایند چون معدن طلا و نقره" اینجا می بینیم که پیامبر خدا منابع انسانی را به معدن طلا و نقره تشبیه کرده است. متأسفانه این حدیث پیامبر بزرگوار اسلام در کشور های اسلامی قطعاً جنبه تطبیق ندارد و حتی دانشمندان مسلمان امروز با حقوق قابل ملاحظه برای غیر مسلمانان کار میکنند. مردم چیز فهم به خاطر عقاید سیاسی و اجتماعی فراری شده اند. همه این بدبختی برای این است که مسلمانان میخواهند که مردم به ذوق یا دولت و یا طبقه مذهبی زندگی کنند در غیر آن در جامعه مسلمان جا ندارد. امید می کنیم که روزی برسد تا منابع انسانی مسلمان بدون جانب داری قومی و شناسایی های شخصی و ارتباطات سیاسی و خصوصی مورد استفاده قرار گیرد و مردم مسلمان ازین بدبختی نجات پیدا کند زیرا مردم در جامعه مسلمان جامعه ساز است نه اینکه دولت باشد.

جمعه مبارک

۱۲ فیبرور ۲۰۲۱

حدیث شماره ۱۶

جمعه مبارک

سلام عزیزان

حضرت رسول کریم (ص) هر روز از یک گذر عبور میکرد و یک شخص او را اذیت میکرد. رسول کریم (ص) از بردباری و حوصله مندی کار میگرفت و لب از لب نمی گشود. روزی که از همان گذر می گذشت آن شخص او را اذیت نکرد. سوال کرد شخصی که او را اذیت میکرد امروز کجا شد؟ گفتند مریض است! حضرت رسول کریم به بالا خانه آن شخص بالا شد و او را عیادت کرد. وقتی آن شخص این وضعیت و رویه پیامبر اسلام را دید که او هر روز او را اذیت میکرد و اما پیامبر به عیادتش آمده، مسلمان شد! این داستان را اکثر مسلمانان می دانند. در مورد هویت شخص گویند یک زن یهودی بود.

این است اهمیت عیادت مریض در اسلام. عیادت مریض در اسلام نه تنها دل ها را نرم میکند، دوستی ها را تازه می کند، مهمتر اینکه روابط اجتماعی و زیست باهمی را محکم تر می سازد و جامعه را با محبت تر می سازد. در گذشته حتی کابل که من بزرگ شدم شهر کوچک بود و نفوس کم و مردم می توانستند به عیادت مریض بروند زیرا نه تنها که یک مکلفیت اجتماعی است، تمثیل ایمان است. اما امروز امکانات اینکه مردم از نزدیک به عیادت بروند نسبت بعد مسافه و کمی وقت نه می توانند از راه برسند و اما طرق دیگر در اثر پیشرفت تکنالوژی پیدا شده است که عزیزان دوستان و خویشاوندان را عیادت می کنند مانند "تکست"، "مسج"، تیلیفون، فرستادن گل و پستکارت که دعا و احساس نیک خود را برای مریض ابراز کنند. درین بخش حدیث از حضرت رسول کریم (ص) خدمت شما تقدیم می کنم. در یک حدیث پیشوای اسلام سید المرسلین رحمت للعالمین می فرماید که "مسلمان وقتی به عیادت برادر مسلمان خود می رود تا هنگامی که باز گردد در بهشت قدم می زند." زمانیکه مریض بودم از اطراف و اکناف جهان برای من پیام های عیادت و دعای شفاء آمد و سرسام آور بود. گل و پستکارت و پیام های وتزآپ و مسج و تیلیفون هر روز می

رسید و اما یک پیام که از یک شخص سرشناس بود توجه من را زیاد تر جلب کرد. در پیام نوشته بود که "وظیفه شرعی خود را انجام دادم و برایت شفاء عاجل تمنا می کنم." اینجا نشان داد که وظیفه یک مسلمان است که بدون در نظر داشت اختلافات نظر باید یک برادر مسلمان را عیادت کرد. به عبارت دیگر عیادت را کسی می کند که ایمان قوی به قرآن و ارشادات حضرت رسول کریم داشته باشد. کسی که ایمان قوی نداشته باشد و خبر هم شده است که یک شخص مریض است و عیادت نه می کند در ایمان خود ضعیف است. ایمان در اثر تطبیق اصول دین می تواند قوی شود و در اثر عدم تطبیق آن می تواند ضعیف شود و این موضوع در قرآن تذکر رفته است. امروز شرایط کرونا طوری است که عیادت مریض در خانه نا ممکن است و اما طرق دیگر که در بالا تذکر دادیم که شما عزیزان با ایمان می توانید به دوستان و عزیزان برسید. بعضی اشخاص به من زنگ زدند که من نه می شناختم و اما آنها من را می شناختند و عیادت کردند که من بسیار مدیون محبت شان هستم.

یک عده عزیزان در پشت در خانه برای من میوه و جوس میوه و حتی شوربای ترکاری گذاشتند. این همه محبت جبران ناپذیر است.

عزیزان اگر شما خدای ناخواسته مریض می شوید و کسی عیادت شما را نه می کند و اما اگر او مریض می شود و شما خبر می شوید باید او را عیادت کنید زیرا شما با افکار و اعمال مردم زندگی نه می کنید. شما با افکار و سنت پیامبر باید زندگی کنید. حضرت رسول کریم (ص) فرموده است: "از آنکه ترا عیادت نه می کند عیادت کن و بانکس که به تو هدیه نه می دهد هدیه بده."

احادیث از کتاب نهج الفصاحه: مجموعه کلمات قصار حضرت رسول کریم (ص) گرفته شده است.

جمعه مبارک

۱۹ فیبرورک ۲۰۲۱

حدیث شماره ۱۷

جمعه مبارک

سلام عزیزان

یک عده از عزیزان چنین تصور میکنند که همه روز های هفته یکسان است و روز های خداست و از هم تفاوت ندارد پس جمعه با دیگر روز ها برابر است.

در زندگی هیچ چیز برابر نیست. چنانچه همه ماه ها یکسان نیست و فضیلت ماه رمضان از دیگر ماه ها بلندتر است. انسان عالم و امی برابر نیست. در متن قرآن که همه آیات است و اما یکسان نیستند. سوره حمد مادر کتاب است و ”یس“ دل قرآن است و آیت الکرسی مهتر آیات قرآن است. پیامبران همه یک رسالت داشتند و اما حضرت رسول کریم (ص) در قرآن رحمت للعالمین یاد شده است. اماکن کعبه و مدینه فضیلت آن بر دیگر اماکن زیادتر است.

در روز های هفته هم فضیلت روز جمعه بسیار زیاد است از همین دلیل. جمعه برای مسلمانان مبارک است. اینکه در افغانستان جمعه مبارک بین مردم امی رواج نداشته است برای اینکه بر مردم نه می گفتند. دین در انحصار طبقه مذهبی بود و علم را با مردم بطور شاید و باید شریک نه می شدند. اما این بدین معنی نیست که دیگر مسلمانان جمعه را منحیث یک روز مبارک نه می شناسند.

اول اینکه در قرآن یک سوره است به نام سوره جمعه و این موضوع به جمعه فضیلت بزرگ می بخشد.

در سوره جمعه نماز جمعه آمده است که برای هر مسلمان ادای آن اگر در سفر نباشد و مریض نباشد واجب عینی است که فرض عینی هم گفته میشود و باید خوانده شود و این از فضیلت های روز جمعه است که جمعه را مبارک می سازد. امام غزالی علیه رحمه (متوفی ۵۰۵ هجری قمری)، در کتاب نفیس اش جواهر القرآن، سوره جمعه را ”مروارید عمل“ خوانده است تجارت و کسب و کار نظر به آیه قرآن در وقت نماز جمعه مجاز نیست. در روز جمعه حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که مسلمانان باید سوره

کَهِف را بخوانند. در فقه تشیع دعاهای خاص روز جمعه است به نام دعای سمات و دعای ندبه و کمیل. در روز جمعه اعمال نیک دو برابر از طرف خداوند پاداش داده می شود. غسل روز جمعه از سنت های موکد است و هر مسلمان باید در روز جمعه غسل کند. گناه های صغیره در هر جمعه بخشیده می شود. چون احکام نظر به شرایط زمان و مکان تغییر میخورد امروز یک تعداد از مساجد است که نماز جمعه را با در نظر داشت مراعات فاصله بین نماز گزاران به خاطر مرض کرونا دایر میکنند و اما اعضای یک خانواده اگر در خانه باشند رئیس خانواده می تواند نماز جماعت را ادا کند. نزد جمهور علما جمعه بعد از کانگره حج بزرگترین کانگره هفتگی مسلمانان است. با اینکه در اسلام دو عید است. عید اضحی و عید فطر و اما جمعه را هم روز عید هفتگی مسلمانان می گویند زیرا مردم نه تنها لباس آراسته به بر میکنند مصافحه می کنند به دید و بازدید می پردازند.

در رابطه به جمعه، حضرت رسول اکرم (ص) جمعه را "سید الأيام" نامیده است. در متون دینی مسلمانان آمده است که جمعه نزد فرشتگان به نام "یوم المیزید" گفته شده است زیرا درین روز خداوند دروازه های رحمتش را به روی بندگان می گشاید. این روز روز نیایش و دعا می باشد. حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که: "در این روز لحظه ای هست که اگر بنده مؤمن آن لحظه را دریابد درحالی که نماز می خواند و دعا می کند، خداوند متعال دعایش را مستجاب می فرماید." علما و فضلاء اسلام گفته اند که این لحظه بین نماز، عصر و شام است. از آنجاییکه روز در تقویم هجری قمری در نماز شام تغییر می کند یعنی روز در نماز شام تغییر میخورد، نه ساعت ۱۲ شب، پس روز جمعه در نماز شام روز پنجشنبه شروع می شود و از همین سبب شب جمعه در فرهنگ اسلام شب مبارک است زیرا جمعه آغاز یافته است.

جمعه مبارک

۲۶ فیبرورک ۲۰۲۱

حدیث شماره ۱۸

جمعه مبارک

سلام عزیزان

جناب برادر گرانقدر و دوست عزیز جناب استاد عبدالعلی نور احراری مترجم مجموعه احادیث صحیح بخاری در صفحه فیسبوک من حدیث حضرت محمد (ص) را در رابطه با اختلاف نظر که پیامبر (ص) فرموده است: "اختلاف نظر رحمت امت من است" رد می کند و می گویند که این حدیث یک حدیث ضعیف است و موضوعی است و اعتبار ندارد. جناب شان چنین نوشته اند: "إختلاف أمتی رَحْمَةٌ."

این حدیث موضوعی است که در کتاب "أحادیث الضعيفه والموضوعه" اثر ناصر الدین البانی که پنج هزار حدیث ضعیف و جعلی و موضوعی را گرد آورده و در ده جلد به چاپ رسانیده آمده است و هیچ سندی درست ندارد و آن را مکذوب و باطل خوانده اند. اختلاف در شریعت مذموم است. در سوره نساء می خوانیم: "ولو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافًا كثيرًا." اگر از جانب غیر خدا می بود در آن اختلاف زیاد پیدا می کردید.

و در سوره انفال: "ولا تنازعوا ولا تفضلوا و تذهب ریحکم." و ابن حزم در این باره تحقیق دقیق کرده است. در رد این حدیث سخن بسیار است. به همین اندازه اکتفا شد.

اول اینکه از نگاه منطق تطبیقی که جناب استاد حتماً در فلسفه مطالعه کرده اند ما یک آیه در قرآن داریم که می گوید: "و امرهم شوری بینهم" (سوره شوری آیه ۳۸). یعنی در امور با هم مشوره کنید. مشوره وقتی صورت میگیرد که اختلاف نظر باشد.

دوم از نگاه علم تحقیق که بنده پنج سال تدریس کرده ام هیچ کتاب (برای مسلمانان به جز قرآن مجید)، هیچ تحقیق و هیچ گرد آوری علمی بدون کم و کاست بوده نه می تواند. به شمول احادیث صحیح مسلم و بخاری و ابن ماجه و غیره زیرا کار انسان

است و انسان نه تنها که همه چیز را نه می تواند بفهمد جایز الخطا و فراموشکار است. تحقیق آن است که مسائل گذشته دوباره موشگافی و بررسی شود.

سوم احادیث رسول اکرم (ص) یک صد و پنجاه سال بعد از رحلت جمع آوری شده است و راویان از همدیگر نقل قول کرده اند. در سلسله نقل قول آنهم یک صد و پنجاه سال بعد که پیامبر حیات نداشته تا گفتار خودش را بررسی کند می توان شک کرد. و شک کردن گناه نیست.

چهارم احادیث باید به نص قرآن و یا علم سر خورد زیرا یا اتکاً به وحی دارد و یا چون پیامبر مظهر علم بود به علم سر بخورد. در مورد حدیث مورد نظر می رویم به متن قرآن مجید که در سوره الذاریات آیه هشتم خداوند فرموده است: "إنکم لفی قول مختلف" یعنی هر آینه شما هستید در سخن مختلف. "این آیه به اندازه واضح است که حتی نیاز به معنی و تفسیر ندارد. حدیث "اختلاف نظر رحمت امت من است،" تطابق کامل با این آیه دارد و اگر مفسرین آیه را به ترتیب دیگری تفسیر کرده اند نه مشکل حدیث است و نه این محقق. تفسیر هم کار انسان است. آمدیم سر موضوع که جناب استاد فرموده اند که "اختلاف در شریعت مذموم است" درین مورد اول کدام شریعت؟ وهابی، سنی، شیعه، اِسماعیلی و فهرست آن زیاد است. دوم در اصول دین که خدا پرستی و توحید است و احکام صریح مانند حرام بودن گوشت خوک هیچ کس اختلاف ندارد. اختلاف روی مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و غیره است که به امت اجازه داده شده تا امور خود را تنظیم بخشند و در غیر آن دین یک دیکتاتوری می بود و دین دیکتاتوری نیست، مخصوصاً که پیامبر با صحابه و همسران خود مشوره میکرد و نظر آنها را میگرفت.

جمعه مبارک

پنجم ماه مارچ ۲۰۲۱

حدیث شماره ۱۹

جمعه مبارک

به یاد و بود پر افتخار بعثت پیامبر اسلام حضرت محمد مصطفی (ص)

سلام عزیزان

این را حالا همه میدانیم که احادیث رسول اکرم (ص) یک صد و پنجاه سال بعد از رحلت پیامبر (ص) جمع آوری شده است. شناخت حدیث به اینکه چند راوی مسلسل گزارش داده است نه می تواند از نگاه اصول تحقیقات یا Methodology of Research درست باشد. زیرا امکان دارد که یکی از اول آنها اشتباهاً گزارش داده باشد و دیگران همان گزارش را بدون اینکه زیاد تر تحقیق کنند نقل قول کرده اند. مطلب دوم را که ما مسلمانان اعتقاد داریم و باور ما همین است که قرآن اول کتاب علم و حکمت است و دوم یک کتاب مکمل است چنانچه قرآن می گوید هیچ چیز درین کتاب نادیده گرفته نشده است. چون قرآن علم است پس محمد (ص) مظهر علم است. اگر یک حدیث به قرآن مطابقت ندارد و از زبان پیامبر گفته شده باشد باید علمی باشد و به عدالت مطابقت داشته باشد. عالم و محقق امروز باید مسائل بین المللی را بدانند تا سخن پیامبر به اساس زندگانی امروز درک کند نه اینکه جواب را در رویه و تاریخ قریش و مکه ۱۴۰۰ سال قبل پیدا کند. به این اساس امروز یک حدیث جالب را به شما نقل قول می کنم اینکه پیامبر واقعا مظهر علم بود و این دین، دین همه اعصار است نه یک دوره خاص.

قسمیکه شما می دانید نظام سرمایه داری به سه اصول اقتصادی استوار است. خواه خواه این حقیقت را اقتصاد دان های غربی زیاد یاد نه می کنند. آن سه اصل عبارت اند از سود خوری، کارگر ارزان و مواد خام ارزان. مهم ترین آن کارگر ارزان است. برای این کار شرکت های بزرگ برای کارگر ارزان شرکت خود را برای

دست یابی به کارگر ارزان به کشور های فقیر و عقب مانده و رو به انکشاف انتقال دادند. مانند بنگله دیش و تایلند و غیره. این رویه اقتصادی را در جامعه شناسی سیاسی Néolibéralisme می گویند. کارگر ارزان مشکلات زیاد هم برای کشور میزبان و هم کشور مهماندار خلق کرد به شمول مسائل خانوادگی. در نظام اقتصادی وقتی کمپنی یا شرکت به بیرون انتقال داده می شود؛ این را Outsourcing می گویند.

حضرت رسول اکرم Outsourcing را خوشبختی یک کار گر میدانند. به اخیر این حدیث خوب دقت کنید:

”چهار چیز نشان خوشبختی یک مرد است: همسرش پارسا باشد؛ فرزندانش نیکو کار باشند، با مردم صالح معاشرت داشته باشد و روزی خویشرا در شهر خود بدست بیاورد.“ (حدیث شماره ۲۵۷ کتاب مجموعه قصار کلمات پیامبر (ص) ، مشهور به نهج الفصاحه) بسیار شگفت انگیز است که همچو حدیث فوق العاده و مهم حیاتی در متون ما مسلمانان وجود دارد. اما باید جامعه شناسی اقتصادی را بدانیم که متوجه همچو احادیث علمی و حیاتی شویم.

جمعه مبارک

۱۲ مارچ ۲۰۲۱

حدیث شماره ۲۰

جمعه مبارک

سلام عزیزان

یک چالش دانشمندان اسلام در جهان امروز همین است که اسلام را با مسائل روز تطابق دهند تا برای نسل جوان امروز پر معنی تر باشد. حدیث هفته گذشته در مورد Outsourcing یعنی کار را در شهر خود کنید بسیار برای عزیزان جالب بود. خواه مخواه دریافت این مسائل مطالعه و تحقیق می خواهد.

روز دوشنبه ۲۲ ماه مارچ روز جهانی برای آب است (World Day For Water). آب یکی از بزرگترین نعمت های خداوند است. ۷۱ درصد سطح کره زمین آب است. ۶۰ درصد بدن انسان از آب است. آب نقش حیاتی در زندگی بشر دارد و بدون آب زندگی ناممکن است. فواید زیاد را دانشمندان در مورد اهمیت آب فهرست کرده اند که تذکار آن خارج از مرام این نوشتار است. مطلب مهم که می خواهیم یاد آوری کنیم که شهرداری های شهرهای خورد و بزرگ صرفه جویی در آب را توصیه می کنند که ما باید در مصرف آب برای سلامت محیط زیست محتاط باشیم. دو سال قبل ایالت کالیفرنیا کم آب شده و خشکسالی بود. مشکلات زیاد را به بار آورد. مانند انسان، حیوانات و نباتات به آب ضرورت دارند. وقتی آب کم شود محیط زیست صدمه می بیند و جبران تاثیرات خشکسالی گران است. بسیار مهم است تا ما در استفاده آب محتاط باشیم و بیاموزیم تا در مصرف آب مانند پیشوای گرانقدر اسلام صرفه جو باشیم. حضرت محمد (ص) به مقدار یک صاع تا پنج مد (م با ضمه یا پیش تلفظ می شود) آب غسل میکرد و به مقدار یک مد آب وضو میکرد. (حدیث شماره ۲۰۱ صحیح بخاری، متن فارسی، جلد اول؛ ترجمه استاد عبدالعلی نور احراری). هر مد معادل تقریباً دو سوم کیلو گرام است. اینجا دیده می شود که پیامبر بزرگوار اسلام با آب بسیار کم وضو و غسل میکرد. و هدف

حدیث هم همین مطلب صرفه جویی در آب است. بنابراین، صرفه جویی در آب سنت رسول اکرم (ص) است و کسی که صرفه جویی میکند داخل ثواب می شود و کسی که در مصرف آب اسراف می کند شامل گناه می شود. زیرا اسراف در هر چیز زندگی در اسلام حرام است.

چطور می توانیم که در آب صرفه جویی کنیم؟

اول ببینید که شیر دهن ها و شاور خانه لیک نکند و به اصطلاح ما "زا نزنند."

دوم در ظرف شویی باید محتاط بود که وقت ظروف را صابون می کنیم آب بسته باشد.

در وقتی که موها و بدن تانرا شامپو و صابون می کنید آب را بسته کنید.

سوم در تابستان اگر باغچه را بطور الکترونیک آبیاری می کنید باید سیستم را سر ساعت سه شب برای چهار دقیقه عیار کنید. بدین ترتیب آب کمتر مصرف می شود و خوب تر در زمین بعد از نصف شب جذب می شود.

چهارم وقتی میخواهید دست و روی بشوید و یا غسل می گیرید در اکثر شیر دهن های دستشویی ها آب گرم به زودی نه می آید. باید تا آب گرم بیاید آب سرد را در یک ظرف بگیرید و نگذارید که ضایع شود و آنرا برای نباتات داخل خانه استفاده کنید. این ها راه های است که می توانید در آب صرفه جویی کنید و هم در اقتصاد خود کمک کنید، هم به محیط زیست خدمت کنید و هم داخل ثواب شوید.

جمعه مبارک

۱۹ مارچ ۲۰۲۱

حدیث شماره ۲۱

جمعه مبارک

سلام عزیزان

با یکی از دوستان صحبت میکردم و شکایت او همین بود که در زندگی های امروز مشوره بین خانواده ها در امور خانوادگی نیست. اگر چیزی بگویی اعضای خانواده آزاده می شوند و اگر نگوینی جگر خونی های دیگر پیدا می شود.

بلی متأسفانه زندگی در غرب و تقلید از غرب، فرهنگ خانواده ساز و برآزنده اسلامی را که هر کس در خانواده میخواهد خودش باشد و خودش تصمیم بگیرد و دیگران را مخصوصاً که خانواده در نزدیکی همدیگر زندگی می کنند نادیده میگیرند؛ زندگی را برای همه مشکل می سازد و ساخته است.

دلایل عدم مشوره در یک خانواده مسلمان که می گویند مسلمان هستند و اما با اسلام زیست ندارند قرار ذیل است:

اول فرد گرایی یا Individualisme که یک شخص فکر می کند که خودش باید در همه امور تصمیم گیرنده باشد و دیگران را به کار و زندگی او ربطی نیست. در اسلام فرد گرایی است و اما مسائل عمده خانوادگی باید با مشوره صورت گیرد مخصوصاً که خانواده ها نزدیک هم زندگی دارند؟

دوم مادی پرستی و مادیات را اساس زندگی دانستن است. هر قدر به مادیات زیاد توجه شود معنویات خجسته فرار میکند و فرد فکر می کند که پول داشتنی عقل عالم هستی و حتی کسانی که از او داناتر و تحصیل یافته تر و با تجربه تر است باید از او بشنود نه اینکه او که حالا همه چیز دارد از دیگران بشنود. این وضعیت از نگاه جامعه شناسی یک فارمول را به ما میدهد

$$\text{Individualisme} + \text{Matérialisme} = \text{Égoïsme}$$

یعنی فرد گرایی جمع مادی پرستی مساوی است به خود خواهی و کبر و غرور.

سوم عدم داشتن یک کلان در خانواده. نداشتن یک کلان و یا یک فرد را منحصیث کلان نشناختن باعث تیت و پراکندگی خانواده می شود زیرا هر کس سخنی دارد و هیچ کس نیست که سخنان را انسجام دهد و نتیجه گیری کند که برای خانواده چه سودمند است. نداشتن کلان خانواده باعث می شود تا هیچ کس به سخن یک دیگر گوش ندهد و این باعث آزرده گی ها و جنگ و دعوا و جدایی ها شده است. به یاد دارم در خانواده مادری و پدری من، کلان خویشاوندان و خانواده پدر من بود. همه نزد او برای مشوره می آمدند.

قرآن حکم می کند که در امور مشوره کنید و حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که:

” هر که مشورت کند پشیمان نشود و هر که [در امور] میانه روی کند فقیر نگردد.“

خانواده ها و جوانان حق دارند که زندگی های خود را قسمیکه دوست دارند و آرزو دارند داشته باشند و اما در امور عمده خانوادگی مانند عروسی، مرده داری، و مسائل که به همه مربوط می شود باید منحصیث یک خانواده متمدن مسلمان دور کلان خود گرد آیند و به مشوره بپردازند. و نتیجه مشوره را کلان خانواده باید اعلان کند. این را ثبات خانوادگی گویند. یک مشکل عمده بین افراد خانواده این است که خوردان چون تربیه مدنی نه شده اند به سخن یک کلان که با تجربه تر است گوش نمیدهند. سخن یک کلان را شنیدن و مشوره کردن از آداب اجتماعی زندگی اسلامی است که امروز اکثرا در خانواده های که کلان ندارند از دست داده اند و امید می کنیم که ما بر گردیم به همان کابل قدیم و به سخنان بزرگان خود احترام کنیم و از روی ادب طالب مشوره شان شویم.

جمعه مبارک

جمعه ۲۶ مارچ ۲۰۲۱

حدیث شماره ۲۲

جمعه مبارک

سلام عزیزان

در جامعه ای قومی و قبائلی حق را گفتن یک تابو است. کسی که حق را بگوید باید به کفر گرفته شود و یا توهین و تحقیر شود. یکی از پسمانی های بزرگ کشور های عقب مانده تنها در فقر اقتصادی و عدم زعامت سیاسی سالم نیست. مشکل عمده درین است که مردم از صدها سال به این سوء، در اثر ازدواج نا مشروع مذهب با قوم عادت کرده اند که همان مطالب را باید بگویید که به تایید قوم و مذهب باشد. اگر به مذاق شان برابر نباشد یا خائن گفته میشوید و یا کافر. در اثر ازدواج قوم و مذهب اکثر ملای ما نه همه و اکثر سیاستمدار ما باید قومی فکر کند و عمل کند. به یاد دارم وقتی ده سال قبل داعیه نامه‌نهاد پشتونستان را نوشتم و دیورند را رد کردم، گفتند این بر خلاف منافع ملی سخن می گوید و من را خائن خطاب کردند. و وقتی احادیث جعلی را در صحیح بخاری رد کردم و پیشنهاد کردم که احادیث باید ریگ شوی یا غربال شود تا خوب و خراب تفکیک شود من را کافر گفتند. گرچه حالا موقف شان بسیار ضعیف شده است مخصوصاً وقتی یکی از اشخاص یک خانواده مذهبی همین پیشنهاد صافکاری احادیث را نمود، در آنوقت خود را خاموش گرفتند. زیرا مذهب و قوم در نظام قومی و قبائلی نه میخواهد به جنگ باشد. اگر این دو به جنگ افتد همه نظام سقوط می کند. به هر حال حق گفتن حکم قرآن است. با قبول نکردن یک عالم دین شما کافر نه می شوید. با رد حدیث جعلی کافر نه می شوید و با رد تفاسیر غلط شما کافر نه می شوید. شما وقتی کافر می شوید که آیات قرآن و پیامبران را تکذیب کنید.

هجرت که آنهم میراث فرهنگ اسلام است به ما آموخت که ازین به بعد حتی که تحقیر و توهین شویم و به ضرر ما باشد باید

حقایق را برای مردم بگوییم تا مردم روشن شوند. این نکته فوق العاده مهم است زیرا به خاطر بد نام نشدن یا موقف سیاسی خود را از دست ندادن و یا هر دلیل که است جامعه را به رکود فکری این گروه برابر کرده اند. جرات مردم سلب شده است. با اینکه اکثریت حقایق را میدانند و اما نه می خواهند آزادانه صحبت کنند. در مقابل حقایق خاموش هستند زیرا منافع خود را در خطر می بینند. و چون منافع خود را در خطر می بینند از خدا نه می ترسند از مردم می ترسند. حضرت رسول کریم (ص) درین مورد چنین گفته است: "از همه مردم پرهیزگار تر آنکس است که حق را بر نفع و ضرر خویش بگوید."

پیامبر اسلام موقف ما را برای حق و حقانیت روشن ساخته است. حتی که به ضرر ما تمام شود نباید حق را کتمان کنیم. حق تنها در حقانیت قرآن و آیات نیست که ما پنهان کنیم و از مردم بی دین بترسیم و بلرزیم. حقایق سیاسی و اجتماعی است که ما باید بگوییم و بنویسیم.

شما وقتی استثمار می شوید که از خود بترسید و از مردم بترسید.

جمعه مبارک

دوم اپریل ۲۰۲۱

حدیث شماره ۲۳

جمعه مبارک

سلام عزیزان

ماه مبارک رمضان مبارکباد. طاعات و عبادات شما عزیزان قبول. خداوند به همه استعداد دهد که این ماه را مکمل روزه گیرند زیرا روزه با اینکه فرض است و اما برای کسانی است که مریض نباشند، در سفر نباشند و یا کدام دشواری دیگر که مانع روزه گرفتن می شود نداشته باشند طوّر مثال کار شاقه و یا شغل های که امکانات روزه گرفتن قطعاً مساعد نیست مانند خلبان هواپیما که هر روز در سفر است و باید فدیّه دهد و یا دکتوران که جراحی می کنند که یا باید بعد از رمضان روزه گیرند و یا فدیّه دهند. اگر کسی ادعای اسلامیت می کند و هم روزه نمیگیرد و هم فدیّه نه می دهد به قرآن اعتقاد ندارد. روزه شرایط دارد و شرایط روزه نظر به شرایط زمان و مکان تفاوت می کند. همه نه می توانند روزه بگیرند. یا دانشجویان که امتحان دارند و طوّر مثال در لابراتوار هستند و یا مواد کیمیای خطرناک سر و کار دارند که باعث انفلاق می شود و یا باعث دیگر مشکلات می شود نه می توانند روزه بگیرند. دوازده سیزده ساله بودم یک روز برای بار اول چشم من مستقیم به چشم پدرم خورد. تا آنوقت به چشمان پدرم به آن دقت ندیده بودم. متوجه شدم که یک چشم پدرم کمی آبی رنگ است و یکی میشی رنگ. سوال کردم که شما چشم تان چرا دو رنگه است. گفت حالا متوجه شدی؟ گفتم بلی! گفت زمانیکه در فرانسه دانشجوی کیمیا بود در لابراتوار روی یک گاز کار میکردند. چشم پدرم عرق کرد و عینک لابراتوار را کمی شور داد و دفعا گاز به چشم او رفت و یک چشم کور نشد اما عیبی شد. این است که در اسلام عبادات فرض هم باشد شرایط دارد و خداوند برای آسانی مردم همین شرایط را وضع کرده تا مردم به زحمت نباشند. روزه فضائل زیاد دارد در صورتیکه روزه دار که روزه دارد متوجه اعمال و کردار خود باشد. حضرت رسول

کریم (ص) فرموده است که ”پنج کار است که روزه را باطل می کند و وضو را می شکند: دروغ، غیبت، سخن چینی، نظر شهوت و قسم دروغ.“ همچنان فرموده است که ”دعای روزه دار رد نمیشود.“ یکی از فوائل روزه صحت و سلامتی است چنانچه فرموده است: ”روزه دارید تا تندرست شوید.“ همچنان فرموده است که: ”روزه سپر عذاب خداست“ و یا فرموده است: ”روزه سپر آتش است و هر که روزه گرفت آنروز سبکسری نکند.“ اینها همه برای این است که انسان یک موجود سرکش، ناسپاس، مغرور و نادان است. روزه انسان را به مقام انسانیت می رساند و به او همان کرامت که شایسته ای اوست میدهد. انسان باید از طریق روزه دسپلین شود تا بتواند به حیث خلیفه خدا در زمین رسالت خودش را به تکامل برساند و اما این رسالت بدون توانایی علم ناممکن است. مسلمان که در رمضان سبکسری می کند، دروغ می گوید، غیبت می کند، عصبی می شود، پرخوری می کند برای این است که علم روزه را نه می داند و فقط دهن بسته است و بس.

چو شمع از پی علم باید کد اخت
که بی علم توان خدا را شناخت

جمعه مبارک

رمضان مبارک

دهم ماه اپریل ۲۰۲۱

حدیث شماره ۲۴

جمعه مبارک

سلام عزیزان

قرآن مجید به مثابه بزرگترین کتاب علم و حکمت، به آموختن علم بسیار تاکید می کند. نتیجه تأکید قرآن مجید این بود که مسلمانان بین قرون نهم و دوازدهم سردمدار علم و معرفت شدند و در عرصه مختلف ساینس و علوم باعث پیشرفت های شگرف گردیدند. متأسفانه زمان رسید که مسلمانان به جای علم و ساینس پشت فقه را که خودشان زیادتر طرح کردند، گرفتند و افکار مردم را به مسائل فقهی معطوف داشتند و این شدید باعث پسمانی مسلمانان شد. زیادتر مردم را به مسائل مصروف کردند که مردم نه زیادتر مسلمان شدند نه کمتر. طور مثال اگر پشت گردن تو در وضو خوب تر نشده، وضوی تو کامل نیست. طور مثال اگر محمد (ص) سرش را خاریده بود سر خاریدن را سنت گفتند و اگر دو بار خاریده بود، سر خاریدن را سنت موکد گفتند. جوانان را به از بر کردن قرآن تشویق کردند بدون اینکه مسائل عمده ساینس و آیات که در رابطه به علم است بدانند. نتیجه اینکه مسلمانان شدید به عقب افتادند و امروز هر چه که ساینس و تکنالوژی است به دست غیر مسلمانان است.

درین بخش صفات یک عالم واقعی اسلام را تشریح می کنیم.

اول عالم واقعی استقلال فکری می داشته باشد و از دیگران کاپی نه می کند. وقتی یک شخص از ایمان، بدون در نظر داشت زمان و مکان کاپی می کند معلوم است که عقل خودش را مصالحه کرده است و از خود چیزی ندارد بگوید. یکی از دلایل پسمانی مسلمانان همین است که محقق دین به جای تعمق و تعقل و تفکر بسیار آسان از گذشتگان نقل قول میکند. در حالیکه گذشتگان مسائل را که ما امروز روبرو هستیم در عهد شان نبود.

عالم واقعی تحقیق میکند و چون قرآن برای همه اعصار نازل شده پس باید چیزهای نو را از قرآن جستجو کند و برای مردم بگوید. عدم توجه به ساینس و تکنالوژی توسط فقها، باعث شد که در اثر به وجود آمدن انقلاب صنعتی و عصر ساینس و تکنالوژی جوانان مسلمان از دین دوری کنند زیرا فکر میکردند که این اسلام است که باعث پسمانی شده است. دانشجوی مسلمان در رشته های مختلف تحصیل کرد بدون اینکه قادر باشد تا رشته اش را به قرآن ربط دهد. چنانچه در یک کنفرانس در کشور اسپانیه شرکت کرده بودم، یک جوان را که رئیس یک دانشگاه در کابل بود و اما فوق العاده نادان یافتم، ملاقات کردم. ضمن صحبت گفت که به جامعه شناسی علاقمند است. من گفتم بسیار جالب پس باید کتاب من را زیر عنوان اساسات جامعه شناسی اسلامی مطالعه کنی. در جواب من گفت که دین را به جامعه شناسی ربطی نیست! بیچاره خبر نداشت که ابن خلدون بزرگترین جامعه شناس اسلام بود.

عالم واقعی مسلمان به اساس فرهنگ اسلام زندگی می کند. لباس او از لباس مردم تفاوت نه می داشته باشد.

عالم مسائل روز و پیشامد های علمی را از دید قرآن می بیند زیرا قرآن می گوید که در این کتاب هیچ چیز فرو گذاشت نشده است. مثلاً در رشته اقتصاد تیوری سود را از نگاه اقتصادی مورد مطالعه قرار میدهد. یا نبات شناس مانند برادر بزرگوار من پروفیسور شفیق یونس نباتات را در رابطه به قرآن تشریح می کند.

عالم امروز در مسائل سیاسی بیطرف باید باشد زیرا کار او رهنمایی توده هاست نه در گیر شدن با مسائل سیاسی. از همین سبب است که محمد(ص) رفتن علما را نزد پادشاهان و حکام نهی کرده است و علمای اسلام حضور علما را نزد سرداران قدرت سخت تقبیح کرده است.

عالم امروز باید در یک رشته تحصیل کرده باشد و از آن طریق مصدر خدمت شود زیرا از طریق تدریس دین خود را اعاشه کردن

در اسلام مجاز نیست و این هم نهی شده است. رسول اکرم(ص) فرموده است: ”هر چیزی اساسی دارد و اساس این دین دانش است و یک دانشمند برای شیطان از هزار عابد بد تر است.“ در حدیث دیگر می فرماید: ”دانش بیاموزید و با دانش وقار و آرامش آموزید و نسبت به آموزگار خویش فروتن باشید.“ همچنان فرموده است: ”بهترین امت من دانشمندان اند.“

هدف این همه احادیث که تعداد آن زیاد تر از صد حدیث در مورد علم است، این نیست که همه قرآن را از بر کند و نام خود را عالم دین ماند. هدف دانشمندان در همه علوم است چنانچه در گذشته های دور داشتیم.

عالم سر منبر مردم را توهین و تحقیر نه می کند و یا به کفر نمیگیرد. عالم تعصب نمیداشته باشد، بردبار می باشد، به نعل و به میخ نه می زند. اگر در کار خود مسلط است خوب و در غیر آن عالم نیست. زبان مادری را خوب باید باشد، زبان قرآن را خوب بلد باشد نه زبان عربی بازار را تا باقلی را سبزی ترجمه نکند. و یا صبغه الله را رنگ خدا ترجمه نکند زیرا خدا جسم نیست که رنگ داشته باشد. دانشمندان علوم سیاسی باید سیر الملوک غزالی را بخوانند تا بتوانند عدالت اجتماعی را در جامعه مسلمان مطرح کنند. دانشمند مسلمان قومی و قبائلی نه می باشد. به همین ترتیب در همه علوم ما باید دسترسی پیدا کنیم و این ایجاب یک انقلاب فرهنگی را میکند چنانچه در چین و در ایران به وقوع پیوست.

جمعه مبارک

شانزدهم اپریل ۲۰۲۱

۴ رمضان المبارک ۱۴۴۲

رمضان کریم

حدیث شماره ۲۵

جمعه مبارک

به مناسبت روز حفاظت زمین

سلام عزیزان

امروز، ۲۲ اپریل روز زمین است. یا در فارسی بهتر است بگوییم روز حفاظت زمین است. زمین نه تنها یک تحفه خداوند به بندگان است زیرا بنده در آن زندگی می کند در عین زمان، زمین یک امانت خداست نزد بنده. قرآن مجید می گوید که هیچ چیز را در کتاب (قرآن) فرو گذاشت نکرده است. یکی از وظائف بزرگ ما پاسداری و حفاظت زمین است که نزد ما امانت است که چگونه کوشش کنیم تا این کره خاکی را نگهداری کنیم. از آلودگی هوا جلوگیری کنیم. از انداختن کثافات در روی جاده جلوگیری کنیم. آب دریا را آلوده نسازیم. ظروف پلاستیکی را در بیئر پلاستیک اندازیم. سوخته سگرت را در روی خیابان و یا آب دریا و طبیعت نیندازیم. در فرهنگ ما می گویند، قطره قطره دریا می شود. اقدامات بسیار خورد و ریزه ما در حفاظت زمین و محیط زیست ما بسیار کمک می کند. و این وظیفه هر فرد با ایمان است که باید دقت کند ما باید از ایام کودکی به اطفال خود بیاموزانیم که چطور نظافت خود و نظافت شهر را مراعات کنند. ما باید بیاموزیم که روغن و چربی را در مجرای آب دستشویی آشپزخانه نیندازیم. حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که: "حرمت زمین را بدارید که به منزله مادر شماسست و هر که روی زمین کار بد یا خوبی کند، از آن خبر میدهد." پس می بینیم که ما در مقابل حفاظت زمین و محیط زیست در آخرت مسؤل هستیم. ما باید در سرسبزی و آبادی زمین کوشا باشیم تا خداوند بر ما رحم کند زیرا امانت او را به وجه احسن نگهداری کرده می باشیم. بزرگترین امانت نزد یک مؤمن، امانت خداست.

جمعه مبارک

حدیث شماره ۲۶

جمعه مبارک

سلام عزیزان

یکی از آداب اجتماعی در اسلام برای به وجود آوردن محبت و از بین بردن دلخوری‌ها و حتی از بردن عداوت‌ها تحفه دادن است. تحفه دادن در اسلام اساساً یک موضوع مادی نیست بلکه یک ادب اجتماعی معنوی است. یک یادگار است حتی اگر از نگاه مادی بسیار کوچک باشد و یا هیچ مادی نباشد. متأسفانه مردم به تحفه از دید مادی می‌نگرند و این خلاف هدف و مرام تحفه در اسلام است. به هر حال بعضی نزاکت‌های دیگر است که مردم مراعات نه می‌کنند و می‌تواند در تحفه دادن رسوا کننده باشد. به یاد دارم دو سه سال قبل پیراهن‌های که عزیزان برای من بعد از عقد نکاح تحفه داده بودند در الماری لباس من زیاد شده بود. تقریباً همه‌ای آنها از یک مغازه مشهور آمریکایی بود. در حدود شصت پیراهن. اکثر آن به اندازه گردن من برابر نبود و یا به ذوق من نبود و باید مسترد می‌کردم. وقتی آنها را مسترد می‌کردم، یکی آن را نگرفتند و کارمند مغازه به من گفت، این یک از آن مغازه نیست. تعجب کردم. در نزدیک همان مغازه یک مغازه دیگر است که لباس‌های ارزان قیمت را می‌فروشند. در فکرم خطور کرد که بیا همین را آنجا می‌برم. وقتی آنجا رفتم گفتند بلی از آنهاست و قیمت آن هفت دالر بود! تحفه دهنده چه کرده بود تحفه ارزان قیمت را برای من در جعبه یک مغازه لوکس گذاشته بود!

این کم زدن مردم است. یا بعضی وقت یک تحفه که یکی دو بار استفاده کرده‌اند و اما جعبه‌ای آن موجود است به یک کسی تحفه میدهند. در حالیکه جعبه کهنه شده و از شکل و وضع آن پیداست. اینها همه فریب کاری است و به جای که شما داخل

ثواب شوید داخل گناه می شوید.

نزاکت های دیگر در تحفه دادن است که باید مراعات کنید. سویه فرهنگی و اجتماعی شخص مهم است. که چه نوع تحفه برای کی داده شود. ضرور نیست تحفه قیمتی باشد. تحفه باید کار آمد باشد و باید توجه کرد که همین تحفه به درد خور است یا نی. شما یک تحفه دارید و برای اینکه خودتان استفاده نه می کنید آنرا برای کسی دیگر میدهید که قطعاً به درد او نه میخورد. بعضی اوقات کسی به یک کس دیگر تحفه داده و آنرا باز نکرده است و وقتی خودش جایی می رفته همان تحفه ای باز نشده را برای دوست خود می برد غافل ازینکه در داخل آن یک نوت برای خودش نوشته شده است!

شما تحفه میدهید که محبت و إخلاص و دوستی تانرا نشان دهید نه اینکه زیاد تر با یک عمل فریبکارانه دلچرکی و دلخوری را زیاد تر کنید. در متون دینی می خوانیم که در دادن تحفه تکلف نکنید. خود را به زحمت نسازید. چه خاصه که مرتکب ریا کاری و فریبکاری شوید. ضرور نیست که تحفه دهید. اما اگر تحفه دادید باید نزاکت ها را مراعات کنید زیرا فکر نکنید که مردم احمق هستند و نمیدانند. در متون دینی ما میخوانیم که هدیه از هدایت گرفته شده است یعنی وقتی هدیه می دهید باید هم شما به خوبی هدایت شوید یعنی داخل ثواب شوید و طرف مقابل هدایت شود نه اینکه با هدیه ای شما جگرخون شود و یا بیراه شود. همچنان اگر شما کسی را به راه نیک هدایت می کنید به او هدیه داده اید. این است که هدیه یا تحفه قسمیکه گفتیم تنها مادی نیست. درین مورد حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که: "بهترین دوست تو کسی است که عیب های تو را بر تو هدیه کند." یعنی تو را به راه خیر و فلاح و سعادت رهنمایی کند. هدیه صله رحم و عشق و محبت را تقویه می کند.

حضرت رسول کریم (ص) فرموده است: "هدیه دهید که عشق و محبت را زیاد می کند."

در دنیای غرب در زمان عید کرسمس به کودکان تحفه میدهند، شما هم، چون عید سعید فطر نزدیک است به کودکان عیدی دهید که هیچ وقت تصور نکنند که در دین اسلام تحفه نیست و یک دین خشک و بی محبت است.

جمعه مبارک

رمضان کریم

۳۰ اپریل ۲۰۲۱ مطابق

۱۸ رمضان المبارک ۱۴۴۲ ه.ق

حدیث شماره ۲۷

جمعه مبارک و رمضان کریم

سلام عزیزان

یک هفته دیگر از عمر ما گذشت و نوبت حدیث هفته رسید. حدیث بسیار آموزنده و حیرت انگیز برای شما از حضرت محمد (ص) نقل قول می‌کنم. آموزنده برای اینکه نظافت و سلیقه را تدریس می‌کند و حیرت انگیز برای اینکه چهارده صد سال قبل میکروب به شیطان تشبیه شده است. واژه میکروب یک واژه دنیای معاصر است و اما رسول اکرم (ص) مسلمانان را از میکروب زیر عنوان نام شیطان هشدار میدهد. من که این حدیث را یافتم باور کنید به حیرت رفتم. حدیث چنین است:

”ریشهای خود را شانه کنید و ناخن‌های خود را کوتاه کنید زیرا شیطان میان گوشت و ناخن روانست.“

براستی که میکروب زیر ناخن‌ها جا میگیرد و باعث مرض میشود.

قرآن و سنت مسلمانان را شدید به داشتن نظافت تشویق می‌کند. و حدیث دیگری داریم از محمد (ص) که فرموده است: ”نظافت نصف ایمان است.“ یک تعداد افغانستانی‌ها شنیده اند که جز ایمان است که غلط است.

ان شاء الله هفته آینده شاید پنجشنبه عید است و صدقه فطر روزه را فراموش نکنید.

جمعه مبارک

رمضان کریم

۲۰۲۱ م

حدیث شماره ۲۸

جمعه مبارک / عید سعید فطر مبارک

سلام عزیزان

شرایط اخیر و کشتار کودکان توسط طالبان در دشت برچی که به جز وحشت و دهشت چیزی نیاموخته اند و خوارج قرن بیست و یکم هستند هر انسان با احساس را دردمند ساخته است. جالب این است که هم کشتار میکنند و هم دروغ می گویند در حالیکه درین بیست سال گذشته کودکان چند بار هدف قرار گرفته است. طالبان، مشاورین که برای شان در مورد تمدن اسلامی، اصول مبارزه سیاسی و اینکه کشتار مردم بیگناه، زنان و مو سپیدان و کودکان در اسلام مجاز نیست، ندارند. دین را با دید قومی و قبائلی و قریه یی می بینند. از طرف دیگر کشتار کودکان توسط صهیونیست ها در غزه و فلسطین اشغالی جگر انسان پاره می کند. از رهبران مسلمان یگانه کسی که صدای خود را اصولی بلند کرد اردغان ترکیه بود. مطبوعات غرب تنها به طرفداری اسرائیل سخن می گوید. ۶۴ سال است که فلسطین اشغال شده است و ۶۴ سال است که این مردم از میهن شان فراری شده اند. جالب این است که یهودان میخواهند یک کشور و دولت یهودی داشته باشند و اما وقتی مسلمانان بخواهند یک دولت اسلامی داشته باشند غرب به مخالفت آن سر بلند می کند و اما از اسرائیل جانبداری می کنند. به هر حال این همه ظلم سر مخلوق خدا جواب دادن دارد و لاجواب نخواهد ماند. مردم درد می کشند. این درد جهان شمول است و هر کس که احساس صله رحم دارد، احساس انسانیت دارد و احساس عدالت دارد شدید رنج می برد. حضرت رسول کریم (ص) فرموده است: "مؤمنان در دوستی و مهربانی یک دیگر، چون اعضای یک پیکرند که چون عضوی بدرد آید اعضای دیگر آرام نگیرند."

از رویت این حدیث پیامبر، سعدی علیه الرحمه، یک شعر زیبا

دارد که اکثر اهل علم و معرفت میدانند:

بنی آدم اعضای یکدیگرند
 که در آفرینش زیبا کوهزند
 چو عضوی ببرد آورد روزگار
 دگر عضوها نماند قرار
 تو که ز محنت دیگران بی غمی
 نشاید که نامت نهند آدمی

مطلب را که اکثریت نمیدانند این است که خبر ندارند این شعر از روایت حدیث پیامبر (ص) گفته شده است. در غم خانواده های شریف دشت برچی و غزه فلسطین شریک هستیم.

۱۴ ماه مه ۲۰۲۱

حدیث شماره ۲۹

جمعه مبارک

سلام عزیزان

شرایط کشور اشغالی فلسطین که از ۶۴ سال است که اشغال شده است و قدرت های بزرگ ازین اشغال بیشرمانه حمایه و پشتیبانی می کنند و کشور های مسلمان هم خاموش هستند زیرا فروخته شده اند و هر روز کودکان و بانوان کشته می شوند دل هر انسان که صله رحم دارد به جوش می آورد.

اول چیزیکه درین قضیه باید بدانید که "اسرائیل" (بین ناخنک می نویسم زیرا من این کشور را به رسمیت نه می شناسم)، مردمان منطقه را تحریک می کند که بعد به نسل کشی و پاکسازی مردمی درین قسمت فلسطینی ها پردازد. تقریباً همه فلسطین را اشغال کرده اند و تنها غزه مانده است که میخواهند شرایطی را به بار بیاورند تا آنها هم کوچ کنند. ما یک گفته در کابل داشتیم که "گل خشک به دیوار نه می چسپد." ۶۴ سال مبارزه دوام کرده و بلاخره حق به حقداد خواهد رسید. مطمئن باشید. ظلم صهیونیست های "اسرائیل" نا بخشودنی است و انتقام را خدا خواهد گرفت. از زمان که به کمک انگلیس و آمریکا این کشور خود ساخته به وجود آمد که با دهشت و وحشت مردم را از سرزمین شان بیرون راندند، خانه آباد کردند و هر روز زمین غصب کردند این به خاطر است که این مردم صله رحم ندارند. جالب این است که ظلم که هیتلر به سر یهود کرد امروز اینها سر دیگران میکنند.

هستند یهودان که شدید مخالف دولت و ایده صهیونیزم هستند و آنها برای حقوق حقه مردم فلسطین دفاع می کنند و اما صهیونیست که نه دین دارند و نه صله رحم امروز دنیا را برای منافع شخصی خود دربدر کرده اند و جالب تر اینکه خسته را

همیشه به پای آمریکا می شکنانند و چون لابی یهود در پوست و گوشت و خون دولتمردان آمریکایی داخل شده است اینها مطلق مهار شده اند و دست شان درین جنایات متأسفانه شریک است. در حالیکه اکثر تام آمریکایی های عادی خبر ندارد که این صهیونیست ها هستند که پای آمریکا را برای منافع شان در هر قضیه بین المللی داخل میکنند و از پشت سر نظاره کننده هستند. ما اعتقاد داریم که بالاخره این ظلم متوقف ساخته می شود. زیاد هستند مردمان که هنوز هم صله رحم دارند. همین حالا چند تن در کانگرس آمریکا ازین حالت به ستوه آمده اند. فضای جهانی همه به طرفداری فلسطین است. کسانی ازین قضیه دفاع میکنند که صله رحم دارند. هم از سرزمین شان رانده شدند و هم هر روز کشته می شوند. غذا ندارند، آب ندارند، کار ندارند و دولت صهیونیستی این شرایط را قصداً به بار آورده تا کوچ کنند و میدان را برای اشغالگران باز گذارند.

ظلم جواب دارد. شاید وقت را بگیرد و زمانگیر باشد و اما بالاخره ختم می شود زیرا آنانیکه صله رحم ندارند منفور خدا هستند. حضرت رسول کریم (ص) فرموده است:

” در زمین رحم کنید تا خدا سر شما رحم کند.“

داستان امروز، قصه غصب زمین و مهاجر ساختن و ظلم تنها نیست. داستان امروز مسله صله رحم است و آنانیکه درین محشر خاموش هستند برای این است که صله رحم ندارند و اگر داشتند با قرار داد های که با آمریکا کرده اند، خشکیده است به شمول آنانیکه در خدمت مستقیم کشور های استعماری و امپریالیستی و صهیونیستی که همه از یک چشمه آب میخورد، هستند.

جمعه مبارک

۲۱ ماه مه ۲۰۲۱

حدیث شماره ۳۰

جمعه مبارک

سلام عزیزان

آیا زنان با عاطفه تر اند؟

یک ویدیو را از آقای ظاهر داعی به من فرستادند که در مورد اینکه زنان ناقص العقل نیستند صحبت می کند و می گوید که عقل زن و مرد یکی است و بعضی اوقات زنان از مردان دانشمند تر می توانند باشند که این سخن درست است و علاوه می کند اما چون خداوند زنان را با عاطفه تر از مردان خلق کرده است عاطفه زیاد باعث میشود که زنان تصامیم درست نگیرند؟

آقای داعی از یک طرف می گوید زنان می توانند دانشمند تر باشند و از طرف دیگر می گوید که عاطفه بالای شان غلبه میکند و تصامیم درست نه می گیرند. عجب! هم دانشمند باشد و هم تصامیم غلط بگیرد. این خود یک سخن ضد و نقیض است. دانشمند یعنی کسی که به دانش تکیه میکند. در اسلام کسی که به دانش قرآن تکیه کند، زن باشد و یا مرد باشد هرگز اشتباه نه می کند برای اینکه حق از باطل تفکیک شده است. اما انسان چون جایز الخطاء است می تواند گناه کند. یک تفاوت است میان اشتباه و گناه. انسان از نادانی گناه می کند و اما از عدم سنجش دقیق در مسائل اشتباه می کند.

این گفتار که زنان با عاطفه تر اند از دید قرآن مطلق غلط است. اول اینکه زن و مرد را خداوند از نفس واحد آفریده است. (سوره نساء آیه اول) وقتی زن و مرد را از نفس واحد آفریده است چطور امکان دارد که یکی کمتر عاطفه داشته باشد و یکی زیادتر؟؟ عرب قوم پرست برای اینکه زنان را از صحنه سیاست و اجتماع به دور سازند همین تبلیغات را به استناد حدیث پیامبر (ص) که بهشت زیر پای مادران است و چون زن مادر است عاطفه زیاد تر دارد و جای او خانه است، به راه انداختند و این طرز اندیشه به کشور

های ما سرایت کرد که این مخالف قرآن و یگانگی راز، خلقت انسان و توحید است. قرآن زن و مرد را در موارد مختلف یکجا خطاب می کند. مؤمنین و مؤمنات.

زنان بعضی اوقات نظر به آیه قرآن مجید مانند مردان قسی القلب هستند. در سوره ممتحنه آیه دوازدهم قرآن می گوید (معنی): ای پیامبر چون زنان با ایمان نزد تو آیند که به تو بیعت کنند [به شرط که] چیزی را با خدا شریک نساژند، و دزدی نکنند، و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند، و بچه های حرامزاده ای را که پس انداخته اند با [بهتان و حيله] به شوهر نبندند و در کار نیک از تو نافرمانی نکنند، با آنان بیعت کن.

در آیه بالا می بینیم که زنان مانند مردان زنا می کنند، گناه می کنند، دزدی میکنند و حتی اولاد خود را می کشند پس اینکه زنان با عاطفه تر است قرآن رد می کند.

زن همان مسئولیت را در مقابل خداوند، جامعه و خانواده دارد که مرد دارد. طور مثال اولین دانشگاه در اسلام به تشبث یک زن در تونس بنا شد. یا منبر مسجد در زمان حیات پیامبر (ص) به پیشنهاد یک زن به وجود آمد. در حریم خانواده، قرآن در سوره بقره می گوید که زن لباس مرد است و مرد لباس زن است. این آیه می رساند که نه تنها که زن و مرد مکمل همدیگر هستند در خانواده مسئولیت مشترک دارند و همچنان در همه گناه و ثواب می توانند شریک باشند. یگانه تفاوت در مغز وجود دارد و آن این است که مغز زن از نگاه حجم کمی خوردتر است. در آیه آمده است که مردان یک درجه بلندتراند. تفاسیر غلط، درجه را چنین تعبیر کرده اند که یعنی مردان در همه امور بلند تراند و زیادتر برای اینکه نفقه میدهند. در حالیکه زن هم می تواند نفقه آورنده باشد. زمانی که کمونیستان مردان بیگناه کشور را راه زندان و مرگ کردند، زنان با شهامت افغانستان همه نفقه آورنده شدند. گل سخن درین است که مفسرین فراموش کردند که "درجه" یک انگاشت ریاضی است نه اقتصادی و معنوی و اخلاقی و سیاسی و غیره.

چون جسم زن برای تکامل کوچک تر است مغز او هم از نگاه حجم خوردتر است. این به این معنی نیست که در عقل، دانایی اخلاق و قوه درک و شعور از مردها کمتر است و یا با عاطفه تر است. من شخصاً شوهران را می شناسم که هزار مرتبه از همسر خود با عاطفه تراند. عاطفه از نگاه سوسیوسایکولوژی یعنی رابطه جامعه شناسی به روانشناسی مربوط است که ما چه قسم کلان شدیم. شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگ پوسیده یک انسان را چه زن باشد چه مرد باشد بی عاطفه می سازد نه اینکه زن از نگاه خلقت با عاطفه تر خلق شده باشد. یک کودک که در کودکی با او بد رفتاری شده باشد دختر باشد و یا پسر باشد در کلانی با عقده ها بار می آید و عاطفه او را صدمه می زند.

زن و مرد از نگاه عاطفه هیچ کمی و کمبودی از همدیگر ندارد هر دو از نفس واحد خلق شده است و اما این خانواده و اجتماع و اقتصاد و سیاست های غیر مردمی رویه های غیر انسانی و غیر عادلانه است که روح و روان ما را شکل میدهد.

جمعه مبارک

۲۸ مه ۲۰۲۱

حدیث شماره ۳۱

جمعه مبارک

سلام عزیزان

درین هفته یک سخن زیبای پیشوای اسلام محمد مصطفی (ص) را برای شما نقل قول می کنم که فوق العاده آموزنده است. این حدیث جواب دندان شکن به وهابی هاست و آنانیکه عقل مردم را کنترل می کنند و یا در تلویزیون ها می گویند کسی از خود چیزی گفته نه می تواند. این طبقه که اسلام را به رکود مواجه ساختند و خواستند دین را به نفع خود انحصار کنند و مردم هم گوسفند وار از ایشان تعقیب کنند.

قرآن مجید مردم را به تعقل و تفکر دعوت می کند و می گوید أفلأ تعقلون، و یتفکرون یعنی تعقل نه می کنید و تفکر نه می کنید. به اساس همین آیات است که امام غزالی علیه الرحمه گفته است عقل جوهر انسانیت است. حضرت رسول کریم (ص) درین مورد فرموده است:

” دین مرد عقل اوست و هر که عقل ندارد دین ندارد.“

در دیوان گلستان سعدی میخوانیم

تا مرد سخن نگفته باشد

عیب و نمرش نهفته باشد

عزیزان من: اسلام برای اولین چیزی که مبارزه کرد برای آزادی عقل و فکر از اسارت بود. زیرا این فکر و عقل است که به تشبث خود کلمه طیبه را به قلب قبول می کند. تا عقل و تفکر شما عقیده را قبول نکند و به دل نچسپد ایمان حصول نمیشود.

هر وقت عقل شما را به نام حزب، ایدولوژی، و دین و سنت کنترل کنند، شما راه استثمار را به روی خود باز می کنید.

جوانان عزیز من:

هرگز عقل تانرا مصالحه نکنید زیرا مصالحه عقل شما را به زنجیر های اسارت می کشد.

جمعه مبارک

چهارم جون ۲۰۲۱

حدیث شماره ۳۲

جمعه مبارک

سلام عزیزان

امروز پنجشنبه دهم ماه جون ۲۰۲۱ از جنوب کالیفورنیا یک تیلفون داشتم که برای یک خانواده گفته شده که اگر میت را به زودی دفن نکنند گنهکار می شوند.

این سخن به رویت حدیث حضرت رسول کریم (ص) که پسان تشریح می کنیم بدون اینکه

الف: گوینده دانسته باشد که حدیث مقید به زمان و مکان است.

ب: سنت، فرض نیست که با انجام ندادن آن مردم گنهکار شوند.

ج: احکام نظر به شرایط زمان و مکان می تواند تغییر کند، برای خانواده گفته شده است.

در گذشته چندین بار گفتیم که سنت، حدیث نیست که دنیایی باشد و مقید به زمان و مکان است. بعضی سنت ها است که امروز قابل تطبیق نیست. طور مثال در گذشته گفتیم که مسواک کردن سنت است و اما ما در آمریکا به مسواک دسترسی نداریم و برس و کریم می کنیم.

علمای قدیم گفته اند که اختلاف الأحکام بالاختلاف زمان یعنی احکام نظر به شرایط زمان و مکان تغییر می کند. طور مثال حضرت عمر (رض) حد جزای دزدی را در زمان قحطی تغییر داد. و بلاخره در انجام ندادن فرض، مسلمان گنهکار می شود نه سنت. اینطور نیست که فرض که حکم خداست و سنت که روش زندگی پیامبر خداست یک وزن داشته باشد و یا مساوی باشد. در انجام ندادن سنت کسی مرتکب گناه نمیشود مخصوصاً که علما نظرات مختلف در مورد نه تنها عملکرد فرض دارند در عملکرد سنت و حدیث هم دارند. تعبیر و تفسیر و تأویل مسائل در مذاهب تفاوت دارد. طور مثال نماز عشاء (خفتن) نزد امام ابو حنیفه علیه الرحمه تا سحر رواست و اما نزد امام شافعی علیه الرحمه تا دوازده شب است نه پیشتر از آن.

امروز ما در غرب زندگی می کنیم و درین کشور ها قوانین مختلف است تا میت به خانه ای ابدی نقل مکان می کند. تصدیق دکتور طب که فوت را رسمی تصدیق می کند. ترتیب و تنظیم تصدیقنامه فوت، آمادگی قبرستان و غیره همه و همه مراتب اداری دارد که زمانگیر است که باید قانونا انجام شود. همچنان ما که مهاجر شدیم خویشاوندان، اقارب و دوستان از شهر های دور و نزدیک حتی از کشور های دیگر می خواهند به مراسم تشییع جنازه شرکت کنند. لذا خانواده متوفی مجبور است همه مسائل را قانونی مد نظر بگیرد تا پسان محکوم به شکستادن قانون نشود. حدیث رسول کریم (ص) در مورد دفن میت چنین است:

در پنج چیز تاخیر نکنید:

توبه، نماز، طعام دادن مهمان، نکاح دختر و دفن میت.

هر پنج ماده شروط دارد. یک کس باید گناه او ثبوت شود که توبه کند مگر اینکه شخص از یک کار پشیمان شود و خودش خود را محکمه کند و توبه کند. یا یک دختر باید به سن قانونی برسد و یا دخترتصمیم میگیرد که اول تحصیل کند بعد ازدواج میکند. زیرا آموختن علم فرض است و نکاح سنت است. در آمریکا دفن میت در روز های شنبه و یکشنبه که تعطیل است قیمت تر است و بسیاری خانواده ها همین قوت اقتصادی را ندارند و یا خانواده ها مجبوراند تا اقارب نزدیک برسند چنانچه وقتی مادر من فوت کرد باید فرانسه می رفتم. در زمان رسول خدا سرد خانه نبود. میت نسبت گرمی زیاد بو میگرفت و گنده می شد. پس باید زود دفن می شد تا ازین مسائل جلوگیری شود. تصدیق دکتور بیمارستان و اجازه رسمی دفن نبود. اینجاست که ما باید بدانیم که همه احکام فرضی و سنت نظر به شرایط زمان و مکان تغییر می کند و نباید فوراً مردم را به گناه محکوم کرد. بعد ازینکه من جواب دادم خانواده احساس آرامش کردند و ابراز سپاسگزاری نمودند.

جمعه مبارک

۱۱ جون ۲۰۲۱

حدیث شماره ۳۳

جمعه مبارک

سلام عزیزان

چهارشنبه شانزدهم ماه جون ۲۰۲۱ در برنامه انترنتی "سیاست افغانستان" به گرداندگی برادر بزرگوار و فرهنگی ام حامد جان ضرابی در کنار یک عده دانشمندان دعوت شده بودم تا در مورد اتحاد شیعه و سنی سخن گویم.

زمانیکه در سال ۱۹۹۳ به دعوت دوست و برادر گرانقدرم خلیل جان راغب هنرمند محبوب و خوش آواز و برنامه ساز موفق تلویزیون، در تلویزیون صدا و سیمای افغانستان راه یافتم و یک برنامه زیر عنوان "ما و دین ما" داشتم که تا سال ۲۰۰۷ دوام کرد، کوشش کردم تا در مورد نطاقی و برنامه سازی در تلویزیون چند کتابی بخوانم تا برنامه ها دلچسپ باشد زیرا گویندگی تلویزیون و نطاقی در تلویزیون یک مسلک از علوم انسانی است و فقط باید در مورد آن مطالعه کرد. مطالب که از کتاب های ژورنالیزم در بخش تلویزیون آموختم این بود که در برنامه باید خودت باشی. افکار خودت باشد. طرز و اسلوب خودت باشد حتی لباس هایت باید تقلیدی نباشد. اصطلاحات خودت باشد و حتی در محضر عام که صحبت می کنی باید خودت باشی و مهمترین موضوع را که آموختم که چون تلویزیون یک رسانه گفتاری است باید برای مردم چنان صحبت کنی که همه تو را درک کنند و از صحبت ها لذت ببرند. لغات و واژه های را باید استفاده کنی که مردم فکر کنند که تو در خانه ایشان هستی و با ایشان صحبت می کنی و فکر نکنی که مردم همه واژه ها و اصطلاحات علمی و ثقیل و لغات که مروج نیست، آشنایی دارند. پس باید به سطح مردم عادی صحبت کنی. در همان سال یعنی ۲۸ سال قبل من احادیث حضرت رسول کریم (ص) را جمع آوری میکردم تا برای هم میهنان به چاپ برسانم که این آرزو هم همان سال برآورده شد. حدیث جالب را یافتم که

مطلق به مطالب که در کتب ژورنالیزم خوانده بودم مطابقت کامل داشت. حدیث حضرت رسول کریم (ص) این است:

”ما پیامبران به اندازه ی عقل و فهم و (دانش) مردم سخن می گوئیم.“

من چون برای مردم فارسی زبان و با فرهنگ کابلی صحبت میکردم اسلوب خود را ساختم. طور مثال به جای مادرم یا والده ام، بوبویم میگفتم، مطلق عامیانه صحبت میکردم و هنوز هم همین طرز و اسلوب دوام دارد و این اسلوب در کنار مطالب که می گفتم من را در مدیای بیرون مرزی مشهور ساخت. طور مثال کلمه ای دموکراس بی ناموس ده دوازده سال قبل یک غوغا بر پا کرد. همچنان من تصمیم گرفتم که از محافظه کاری کار نگیرم و سخنان زننده و پوست کنده باشد تا مردم دکه بخورند. بعضی مطالب خانوادگی را که می گفتم خانواده ها فکر میکردند که قصه خانه آنها را می کنم. زیرا داستان ها هماهنگی داشت و هر کس به اصطلاح به خود میخورد.

در برنامه ”سیاست افغانستان“ در مورد اتحاد شیعه و سنی شکل صحبت من بازهم مستقیم، انتقادی بر علیه هر دو مذهب و عامیانه بود. یک ملا به نام نور الله کوثر که یک اندازه لافوک معلوم می شد و من را درست نه می شناخت به طرز صحبت من انتقاد کرد و من را مریض خواند. من هم فوراً جواب اش را با لحن شدید دادم و او را زیر حمله گرفتم. اکثر افغانستانی ها چون زندگی مدنی ندارند رویه متواضع به درد نمیخورد. ما باید با مردم مودب و مدنی از بردباری و تواضع و حتی خاموشی کار بگیریم و اما مردم قومی و قبائلی این نزاکت ها را نیاموخته اند و اگر شما جدی رویه نکنید باز یک لاف دیگر هم می زند که دیدی چطور حق او را دادم. و وقت من هم پوره شده بود و از برنامه خارج شدم. پسان خبر شدم که آن مردک را دیگران انتقاد کرده اند به شمول آقای حامد ضرابی برایش گفت که کار خوب نکرد که من را انتقاد کرد. نور الله کوثر نادانی خودش را ثابت کرد زیرا نمیدانست که سخن گفتن به زبان عامیانه مردم، سنت رسول

کریم (ص) است. نه تنها که من را نمی شناخت از حدیث پیامبر خبر نداشت که من به اساس حدیث عامیانه صحبت می کنم. این حدیث در مجالس علمی و کنفرانس های دانشگاهی تطبیق نمیشود و در آن مجالس باید با اصطلاحات علمی صحبت کرد. نکته قابل تعمق این است که یک عده هستند برای اینکه دانش خود را به رخ دیگران بکشند از واژه های نامانوس و لغات عربی استفاده می کنند به جای اینکه عام فهم صحبت کنند تا همه مستفید شوند.

جمعه مبارک

۱۸ جون ۲۰۲۱

حدیث شماره ۳۴

جمعه مبارک

سلام عزیزان

معذرت خواهی از برادر بسیار گرانقدر و دانشمند جناب قاری طه حمید معذرت خواستن یکی از صفات یک مؤمن متواضع است که خودخواهی و کبر و غرور ندارد. بعضی اوقات شاید شما مقصر نه می باشید و اما باز هم برای اینکه صلح باشد و دل ها پاک شود از روی تواضع معذرت میخواهید که این بزرگترین نشانه ای بزرگواری است و صفت خالصانه یک مؤمن است.

هفته گذشته جناب طه حمید دوست گرامی ام به منطقه ما سفر میکرد و قرار بود شنبه عصر در دیار ما باشد. روز یکشنبه از دوستان دعوت کرده بود که اگر مایل باشند او را ببینند در یک رستوران از ساعت یک الی چهار.

من یکشنبه مصروف بودم و برایش تکست کردم که چطور است روز دوشنبه ساعت دوازده ظهر ببینیم و موافقه صورت گرفت و من خواهش کردم که نشانی مهمانخانه که بود و باش دارد به من ارسال کند. این هم موافقه شد.

روز شنبه احوال نیامد. روز یکشنبه احوال نیامد. روز دوشنبه من ساعت هفت و نیم صبح تکست کردم که از تو احوال نشد. باز هم احوال نیامد. من فکر کردم که مصروف شده و وقت ندارد لذا ساعت ده و نیم برنامه خود را تغییر دادم و از وعده منصرف شدم زیرا احوال نیامد. ساعت ۱۱:۱۵ روز بود که زنگ زد که منتظر من ساعت دوازده است. من گفتم که تا حال احوال ندادی و من برنامه خود را تغییر داده ام. او گفت که ساعت دوازده وعده داشتیم که درست بود و اما تا ساعت ۱۱:۱۵ با من به تماس نشده بود و من راه یک کار دیگر شدم. از محل بود و باش من تا مهمانخانه محل اقامت قاری صاحب یک ساعت به موتر فاصله بود. باید سر ساعت یازده به من زنگ می زد که من دوازده آنجا می بودم. همه دوستان میدانند که من در وعده و پیمان خود شدید دقت

می‌کنم زیرا وعده خلافی خلاف سنت اسلام است و از علامات منافقین است.

من بدین وسیله از جناب قاری صاحب طه حمید جدا معذرت می‌خواهم و امید وارم من را عفو کنند. حدیث از حضرت رسول کریم (ص) داریم که فرموده است: "هر که عذر معتذری را راست باشد یا دروغ نپذیرد از شفاعت من بهره ور نشود" (حدیث شماره ۲۷۵۷ نهج الفصاحه).

بعضی اوقات ما فکر می‌کنیم که حق به جانب هستیم و طرف مقابل هم فکر میکند که حق از جانب اوست. درین حالت خوبتر است که در معذرت خواهی و عفو پیش قدم شد که ثواب زیاد دارد.

چرا این داستان را نوشتیم اول اینکه از قاری صاحب طه معذرت خواسته باشم که صفت یک مؤمن است. دوم باید تذکر دهم که در مسله نظم و نسق وقت یک موضوع دیگر هم نهفته است و آن نظم و نسق کار هاست یعنی Time management + Organization. اگر قاری صاحب به من وقتر تماس می‌گرفت این غلط فهمی از طرف من رخ نمیداد. سوم ما انسان‌ها اشتباه می‌کنیم و وقتی عرض معذرت می‌کنیم دیگر موضوع ختم می‌شود و طرف عفو می‌کند و موضوع خاتمه پیدا می‌کند. موضوع دیگر نه مستقیم و نه غیر مستقیم مانند طعنه و کنایه یاد نمیشود و اخوت و برادری پا بر جا می‌ماند. ما باید یک فهرست کار های که انجام می‌دهیم برای روز، هفته و ماه داشته باشیم که در زندگی امروزی مشهور است به To do list که چه کار ها باید اول صورت گیرد. من شخصا عادت دارم که نه تنها کار های روز را می‌نویسم کار های که در طول ماه باید انجام شود فهرست می‌کنم. قاری صاحب من را عفو کنند اگر من باعث بی‌نظمی در امور شان شده باشم. ایجاب می‌کرد تا من رسماً معذرت بخواهم زیرا اسلام برای من یک فرهنگ بالا است.

جمعه مبارک

۲۵ جون ۲۰۲۱

حدیث شماره ۳۵

جمعه مبارک

سلام عزیزان

واژه "تکرار احسن" دانشمندان از قرآن استخراج کرده اند برای اینکه آیات در کلام الله مجید است که تکراری است و علما آنرا تکرار احسن گویند. در فرهنگ عامیانه هم یک سخن خوب می تواند دو بار و سه بار تکرار گفته شود.

درین هفته یک حدیث را به شما می نویسم و تشریح می کنم که تکرار احسن است زیرا شرایط ما ایجاب می کند که بعضی موضوعات را تکراری پیشکش شما کنیم. مطالب ذیل را من سال گذشته نوشته بودم و حالا تصمیم گرفتم که دو باره خدمت شما تقدیم کنم.

نوبت حدیث هفته رسید که برای شما از پیامبر اکرم (ص) نقل قول کنم.

"از حسد بپرهیزید زیرا حسد کار های نیک را می خورد چنانکه آتش هیزم را می خورد."

حدیث فوق از حضرت محمد مصطفی (ص) از نگاه علم روانشناسی حایز اهمیت است.

یکی از مشکلات روحی انسان حسادت است. از نگاه روانشناسی کسانی حسود هستند که عزت نفس پایین دارند. چون ضعیف النفس هستند نه می توانند تا دیگران را که از ایشان بهتر است ببینند. این عده تنها این نیست که به خوشی شما خوش نه می شوند بلکه یک روحیه منفی دارند که میخواهند به مردم آزار رسانند. مشکل بزرگ شان این است که خود را میخورند و این روحیه شان اطرافیان را شدید اذیت می کند. اطرافیان آنان هستند که حسود با ایشان زندگی میکند. حسود دو رویه است.

در مقابل شما یک رنگ است و در پشت سر شما یک رنگ دیگر.
چطور می توان حسود را شناخت.

در خوشی شما خوش نه می شوند.

کوشش میکند که شما را به نحوه از انحا نیش بزند. ازین لذت
می برند.

حسود مرموز است زیرا دو رویه است.

حسود شما را کم می زند.

حسود بی وفا است.

حسود پله بین است.

حسود چنان غرق تکلیف روحی خود است که نه می تواند قبول
کند که انسان ها سرنوشت جداگانه دارند.

حسود تخریب کار است

در قرآن کریم، ”و من شر حاسداً إذا حسد“ یعنی و از شر هر
حسود که حسد می ورزد (نجات بده) دعای عمده محسوب می
شود. حدیث فوق تفسیر همین آیه قرآن است که شخص حسود
همه اعمالش در صورت حسادت تباه می شود. چون حسود نیت
خراب دارد و خداوند حق المبین است و هر عمل ما را می بیند و
می شنود، هیچ کاری از او ساخته نیست.

جمعه دوم جولای ۲۰۲۱

حدیث شماره ۳۶

جمعه مبارک

سلام عزیزان

شرایط امروز افغانستان زیاد تر تبلیغات سوء و هدفمند از طرف طالبان است تا اذهان عامه چنان به نفع خود چرخ دهند تا مردم بدون مبارزه تسلیم شوند.

پنجشنبه مؤرخ هشتم جولای ۲۰۲۱، در رادیوی KPFA که در شمال کالیفرنیا پخش می شود، برنامه Democracy Now که یکی از برنامه های بسیار مشهور این رادیوست، گزارش در مورد افغانستان داشت. این برنامه را می توانید از طریق آنلاین در آدرس KPFA.org استماع فرمایید. این رادیو که به رادیوی چپی ها مشهور است واقعیت های را بر ملا می سازد که حکومت آمریکا و میدیای عمومی پنهان می کند. چپی در آمریکا کمونیست معنی نمیدهد. چپی یعنی مخالف روش های دولت معنی میدهد.

از گزارشات و مصاحبات برنامه به وضاحت می توان نتیجه گرفت که تا امروز طالبان برنده نیستند. سی در صد افغانستان را در تصرف خود دارند و ولسوالی ها را قدرت ندارند تا دیر هنگام زیر تسلط خود داشته باشند. خیزش های مردمی مخصوصاً در شمال و شمال غرب کشور. ستراتیژی جنگی طالبان را ضعیف ساخته و طالبان زیاد تر با استفاده از رسانه های اجتماعی میخواهد روحیات مردم را برعلیه نظام جمهوریت تضعیف بخشد. آلمان های نازی در جنگ عمومی دوم یک واژه را اختراع کردند به نام ” پروپاگند.“ هدف پروپاگند فقط و فقط ضعیف ساختن روحیه مردم از طریق دروغ پردازی بود. طالبان از تکتیک پروپاگند کار می گیرند که تا اندازه ای موثر بوده و اما نه صد در صد زیرا مردم افغانستان از نیت شوم طالبان آگاهی دارند. مهمتر اینکه طالبان با اینکه خود را مسلمان می گویند برای به هدف رسیدن دروغ پردازی میکنند که این رویه حتی در ایام جنگ ناروا است. حضرت رسول کریم

(ص) فرموده است که: ”بهترین جهادها در پیش خدا سخن حق است.“ طالبان به مردم سخن حق را نه می گویند و این باعث شرمساری و سرنگونی شان خواهد شد.

دروغ پردازی، خیانت به مردم و سخن ناحق گفتن در هر حالت که باشد در اسلام حرام است. دروغ پردازی حتی در جنگ از دید اسلام نتیجه برعکس دارد. حدیث دیگری را نقل قول می کنیم که ”هر که در دنیا دو زبان باشد برای وی در روز قیامت دو زبان از آتش نهند.“

جنگ های اسلام در عهد پیامبر (ص) ثابت ساخت که وقتی مسلمانان برای خدا جهاد میکردند حتی با لشکر کوچک برنده می شدند و وقتی دو رویه و دو زبانه بودند و دل های شان برای خدا نبود شکست می خوردند.

با نقل قول احادیث فوق چون طالبان با خدا و خلق خدا راست نیستند، برنده هم نیستند.

جمعه مبارک

نهم جولای ۲۰۲۱

حدیث شماره ۳۷

جمعه مبارک

سلام عزیزان

سقراط فیلسوف یونانی گفت که انسان یک موجود " هایلو مورفیک " است. Hylo یعنی روح و Morphic یعنی به شکل جسم. به عبارت دیگر انسان از جسم و روح ساخته شده است. تا امروز کسی دقیق درباره روح نه می داند. علما و دانشمندان در مورد روح بسیار کار کردند و اما ندانستند که روح راز خلقت آدمی است و هیچ کس دسترسی به آن ندارد. یکی دو مثال در مورد روح موضوع را حل میکند که انسان نه می تواند ثبوت کند. طور مثال، بسیار ساده، و به گفته آمریکایی ها راکت ساینس نیست اینکه وقتی شما به بستر خواب می روید نمیدانید که چه خواب می بینید. وقتی بیدار می شوید هم نمی دانید که دقیق چرا صحنه ها را که هرگز فکرش را نمیکردید خواب دیده اید. خوب بعضی مسائل را از روی تجارب که در طول روز تجربه کرده اید استدلال می کنند و اما دقیق نمیدانند زیرا تعبیر خواب هم یکی از دانستن های عالم روح است. همچنان همسر شما در کنار شما نشسته است و اما شما قادر نیستید بدانید که او به چه فکر می کند. اینها همه به روح و روان آدمی ارتباط دارد. چطور می توان روح را سالم نگهداشت. جسم، به شمول مغز انسان که بخش از جسم است با انرژی غذایی درست و ورزش می توان جسم خوب داشت و اما روح چطور؟

خداوند به پیامبر (ص) می گوید که از تو از روح می پرسند. بگو روح از عالم پروردگار است و شما را اندکی علم داده است. اما این را می توان گفت که روح با ذکر خداوند و نماز و دعا می تواند سالم ماند. موضوع که ماتریالیست ها قطعاً درک آنرا ندارند. نه برای روح جواب دارند و نه راه حل.

قرآن می گوید ”و تطمین قلوبهم بذكر الله“. یعنی قلب های شان با ذکر خداوند آرامش می یابد. همچنان خداوند می گوید که دعا را مستجاب می کند. پس دعا برای آرامش روحی ما حتمی و ضروری است. درین شرایط مرض کرونا که دوباره پخش شده است و اعلان کردند که باید پوزبند بسته کرد؛ در کنار احتیاط لازم ما همه به دعا نیازمند هستیم تا روح و روان سالم داشته باشیم. اول اینکه رسول اکرم (ص) فرموده است که: ”دعا مغز عبادت است“ پس باید به دعا توصل کرد. همچنان رسول اکرم (ص) فرموده است که: ”خدا را بخوانید و با اجابت دعای خود یقین داشته باشید و بدانید که خداوند دعا را از قلب غافل بیخبر نه می پذیرد.“

حدیث سوم را خدمت شما از پیشوای اسلام نقل قول می کنم که فرموده است: ”بسیار دعا کن که دعا قضا را دفع می کند.“ این حدیث نهایت ارزنده است زیرا هر نوع ناامیدی و یأس را نابود می کند. وصل با خداوند مانند این است که شما برق منزل تانرا روشن کنید. با وصل به خالق جهان هستی شما نور ایمان را در قلب تان روشن می کنید و به آرامش روحی و روانی می رسید. اما این آرامش و این روشنایی در قلب شما وقتی حاصل می شود که از عالم غفلت که قرآن (غافلون) گفته است خود را نجات دهید و به عالم حقیقت برسید.

برای مطالعات زیاد تر روانشناسی در اسلام لطفاً به کتاب من زیر عنوان Principles of Islamic Psychology که از تحقیقات علمی من در رابطه با ساینس روانشناسی است و در سال ۲۰۱۷ به زبان انگلیسی به چاپ رسید مراجعه کنید.

جمعه ۱۶ جولای ۲۰۲۱

حدیث شماره ۳۸

جمعه مبارک

سلام عزیزان

اسلام دین تعاون یعنی همکاری است. مسلمانان معتقد به قرآن و ارشادات حضرت محمد (ص) باید در بخش های مختلف که توان آن را دارند همکاری کنند. وقتی شما با نیت نیک همکاری می کنید نه تنها در آبادی کشور و یا یک موسسه مصدر خدمت می شوید خداوند چون از نیت شما آگاه است به شما پاداش بزرگ میدهد. در جامعه ما به جای حسن نیت و همکاری تخریب است، حسادت است، و همین درک را مردم ندارند که خداوند حق المبین است و بندگان خود را دوست دارد و وقتی مؤمن به خداوند توکل کند، خداوند یار و یاور او می باشد. چون این نوشتار در ایام عید سعید اضحی خدمت شما پیشکش می شود بهترین مثال حضرت ابراهیم است که خداوند ناظر و حامی و پشتیبان او بود.

حس همکاری، بنیاد یک خانواده، جامعه، و بلاخره یک کشور را محکم می کند و اتحاد و همدلی را به بار می آورد. حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که: "مؤمن نسبت به مؤمن بناست که قسمتی از آن قسمت دیگر را محکم میکند." در حدیث دیگر می فرماید که: "مؤمن آینه مؤمن است. از پشت سر مراقب اوست."

یکی از دلایل که ما هرگز پیشرفت نه می کنیم این است که حس همکاری نیست و بر عکس هم چشمی، تخریب، به خاطر مادیات، مقام و کرسی و یا اینکه حسادت می ورزیم حقوق دیگران را پایمال کردن و گمان بد کردن است. این حالت وقتی به ما شدید صدمه می زند که ما خدا را در امور خود حاضر نه می بینیم. مهمتر اینکه وقتی ما یک مسلمان را تخریب می کنیم چون ایمان قوی نداریم فراموش می کنیم که خداوند شاهد نیت ما و اعمال ما بوده است. فکر می کنیم در پشت سر هر کس هر

چیز گفتیم و کردیم خدا بی خبر است و نه روز جزای وجود دارد و نه پاداشی. من عقیده دارم که هم چشمی، حسادت و تخریب مردم و یا تهمت بستن یک تکلیف روحی و روانی است و یگانه راه علاج آن ایمان به ذات پاک الهی است. اشخاص حسادت می کنند، مسلمانان را تخریب می کنند و از پشت خنجر می زنند که فراموش می کنند که آن موجود خدایی دارد که حامی و پشتیبان اوست. گل سخن درین است که با تخریب و حسادت و بد بینی خود را صدمه می زنند و شخص که هدف قرار دارند چون او به کار خود صادقانه روان است و توجه نه می کند که کی چه می گوید و چه می کند عزت اش در جامعه بلند تر میشود و کمتر نی. خداوند از دلهای شما و اعمال شما آگاه است و اگر در زندگی شما یک مصیبت دچار می شوید قبل ازینکه آن مصیبت را به نصیب و قسمت حواله کنید پیش خود فکر کنید که به کی بدی کردید. غیبت او را کردید. و یا تهمت بستید و هر عمل نارورای دیگر.

جمعه مبارک

۲۲ جولای ۲۰۲۱

حدیث شماره ۳۹

جمعه مبارک

سلام عزیزان

نوبت حدیث هفته رسیده. دو حدیث بسیار مهم از حضرت محمد (ص) برای شما نقل قول می‌کنم که در مورد نماز است.

اول نماز نور مؤمن است.

دوم نماز ستون دین است.

یکی از بدبختی‌های عمده فرد مسلمان و خانواده مسلمان، آمر مسلمان، پدر و مادر مسلمان، استاد مسلمان و تحصیل یافته مسلمان (اویکه خود را مسلمان می‌گوید) نخواندن نماز است. اساساً خداوند به نماز ما احتیاج ندارد و ما برای خود نماز می‌خوانیم تا قلب خود را از همه آلودگی‌ها صیقل کنیم، روحیات خود را قوی‌سازیم و مهمتر اینکه روح و روان خود را توازن بخشیم زیرا انسان از جسم و روح خلق شده است. آذوقه غذای جسم است و نماز غذای روح انسان است. یک دلیل عمده که در زندگی مسلمانان برکت نیست، بین مردم حیا نیست، اعتماد نیست، نفاق است و خانواده‌ها همه سردرگم و راه‌گم و بی‌تفاوت شده‌اند برای این است که نماز در آن خانه نیست. وقتی پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید که نماز ستون دین است بدین معنی است که نخواندن نماز همه زندگی انسانی را متلاشی می‌سازد. زیرا دین تنها یک عقیده به خداوند نیست بلکه روش زندگی مکمل است که در عرش عظیم برای سعادت روحی و معنوی و اجتماعی و اقتصادی بشر طرح شده است. منتقدین اسلام همیشه به رخ مسلمانان می‌کشند ببینید نماز می‌خوانند و مانند طالبان انسان کشی می‌کنند و یا غارت می‌کنند و یا زن ستیز هستند. این حرف‌ها همه درست است و اما این را نه می‌گویند که آن شخص حکمت نماز را نادانسته و نفهمیده و درک ناکرده نماز

میخواند و این نماز جزئی ترین سود ندارد. قرآن می گوید که نماز شما را از بدی ها بدور می کند. و این وقتی است که شما هدف نماز خواندن را دانسته باشید.

چرا نماز می خوانیم با اینکه می دانیم که خدا به نماز ما احتیاجی ندارد. ما نماز میخوانیم تا انسان های بهتری باشیم. یک جهت و هدف داشته باشیم. تکیه گاه داشته باشیم و مهمتر اینکه چون جز همین خلقت هستیم از دایره خلقت بیرون نشویم زیرا در آنصورت عجیب سراسیمه می شویم. جز خلقت گفتیم متوجه شده اید که قرآن مجید می گوید ” و النجم و الشجر یسجدان.“ یعنی ستاره ها و درختان سجده می کنند. اما انسان مغرور و سرکش سجده نه می کند. عجب است که نه خدا را می بینیم نه او با ما سخن می گوید و نه ما او را لمس کرده می توانیم و اما بازهم برای اینکه او را دوست داریم نماز میخوانیم زیرا از غفوری و رحیمی که به بندگان دارد، مرد و زن را خلیفه خودش و یا نماینده اش در زمین گماشته است تا مانند خودش مظهر عشق و زندگی و امید و عفو و بخشش و عدالت باشیم. خدا برای انسان عشق است و انسان نماینده عشق است پس همانطوریکه ما به خدا عشق می ورزیم به او یک در زمین دوستش داریم عشق می ورزیم. اما این عشق عاری از هوس و شهوت است. این عشق فقط وصل است با موجودی که به ما به نام خدا انرژی زندگی کردن را میدهد. همچنان کسی که شما را بدون مطلب دوست دارد به شما انرژی میدهد، جهت میدهد، امید می دهد. زندگی بدون عشق سیاه و تاریک است زیرا ما به دست خود منبع نور زندگی و انرژی و نور الهی را با نماز نخواندن قطع می کنیم. ما یک انسان را دوست داریم و حتی پرستش می کنیم زیرا در نهاد ما پرستش نهادینه شده است. پرستش یک انسان گویند روا نیست و اما انسان که مانند خدا به شما انرژی دهد، امید دهد نور زندگی دهد برای این نیست که او خداست برای این است که او به حیث خلیفه خدا نقش بازی می کند تا تو بهترین ها باشی. در فرهنگ تصوف، ما مرشد داریم که یک رهنماست. در

زبان انگلیسی Mentor گویند. بعضی اوقات انسان ها خود شان نه می دانند و یا نه میخواهند بدانند که مرشد یک دیگری شده اند. اگر همچو انسان در زندگی شما است که توانسته باشد شما را بدون اینکه به شما گفته باشد و یا خودش از نقش خودش آگاهی داشته باشد و زندگی شما به نحوه مثبت تغییر کرده است او مرشد شماست و باید دوستش داشت و برایش از صدق دل دعا کرد با اینکه او را نه می بینی و تماس نداری.

جمعه مبارک

۲۹ جولای ۲۰۲۱

حدیث شماره ۴۰

جمعه مبارک

سلام عزیزان

از الله متعال سپاسگزارم که بعد از یک ماه تعطیلات در خدمت خواهران و برادران عزیز قرار دارم و نیشته های هفته وار دوباره آغاز می باید.

در گذشته برای شما گفته ام که احادیث حضرت رسول کریم (ص) فرهنگ دهنده است. قرآن کتاب علم و حکمت و هدایت و عدالت است و اما فرهنگ دهنده نیست و ما فرهنگ اسلامی داریم برای اینکه از گفتار ثقه پیامبر (ص) پیروی می کنیم. این را هم گفتیم که در فرهنگ اسلام حدیث و سنت و عرف است که از همدیگر تفاوت دارد. حدیث گفتار پیامبر (ص) است. سنت روش زندگی رسول خداست و عرف همان روش آن زمان است که نباید با حدیث و سنت مغالطه کرد. حدیث آن است که مطابقت با قرآن داشته باشد چنانچه پیامبر (ص) فرموده است که :

”ای مردم هر چه از من برای شما نقل کردند و موافق قرآن است من گفته ام و هر چه برای شما نقل کردند و مخالف قرآن است، من نگفته ام.“ (حدیث شماره ۱۰۴۷ نهج الفصاحه)

سنت روش پیامبر (ص) است و مقید به زمان و مکان است. بسیاری از سنت ها است که در زندگی امروز تطابق نه می کند و در حال و احوال همان زمان بوده است. مثلاً در گذشته گفتیم مسواک دندان سنت است و اما این سنت در دسترس ما نیست و جای آنرا برس و کریم دندان گرفته است. عرف رسم و رواج همان زمان است و عرف نه سنت نیست و نه روش زندگی خصوصی پیامبر. برای دانستن اینکه ما احادیث ثقه را بدانیم باید قرآن مطالعه کنیم و بعد بدانیم حدیث که در دسترس ما قرار دارد مطابقت به قرآن دارد یا خیر. پس ما نه می توانیم یک حدیث را درست بفهمیم تا قرآن را مطالعه نکرده باشیم.

عزیزان!

یک عده فکر می کنند که دین تنها برای علماست. دین برای

همه نازل شده است و در انحصار هیچ کس نیست. هر کس حق دارد دین را مطالعه کند و خودش را برساند. قرآن کتاب مردم است و دین از مردم است و برای هیچ کس اختصاص داده نشده است و زیبایی آن درین است که هر کس نظر به استعداد خود می آموزد نه کمتر و نه زیاد تر. دین مانند سایر علوم به دسترس شماست. منتظر کسی نباشید و یا سوال تانرا به کسی راجع سازید. علما برای رهنمایی هستند و وقتی شما به عالم رجوع می کنید که اول خود مطالعات خود را تکمیل کنید و وقتی در یک موضوع بر می خورید که فهم آن برای شما مشکل است دو گزینه دارید. اول زیاد تر زحمت می کشید تا جواب سوال خود را دریابید و گزینه دوم این است که از اهل علم سوال کنید. عالم دین که این گفته بین مردم زیاد رواج دارد اصلاً وجود ندارد زیرا همه جهان هستی دین است. چطور امکان دارد که یک شخص همه علم جهان هستی را داشته باشد؟؟ پس وقتی شما به یک موضوع در قرآن سر می خورید باید ببینید که کی جواب گفته می تواند باید به همان شخص رجوع کنید. مثلاً ملاها چون ساینس تحصیل نکرده اند قادر نیستند تا یک سوال که مربوط ساینس در قرآن است جواب گویند پس باید از ساینست سوال کرد نه ملا. امروز همه جهان هستی ماهیت علمی دارد و کسیکه تنها قرآن و حدیث را از بر کرده نه می تواند مسائل را جواب گوید. نکته اینکه عالم دین که شما هزار بار شنیده اید اصلاً وجود ندارد زیرا انسان قادر نیست همه جهان هستی را تحصیل کند و بداند. وقتی قرآن می گوید وقل رب زدنی علما یعنی و بگو الهها بر علم من بیفزای هدف آن این است که من را قادر بساز تا علوم جهان هستی را بیاموزم با اینکه میدانم که همه را توان ندارم. در اسلام هیچ چیز از همدیگر جدا نیست و همه جهان هستی با هم یک بافت دارد و یکی است و توحید همین است. کوشش کنید تا قرآن و ارشادات محمد (ص) را در قبال ساینس و مطالعات امروزی بیاموزید تا برای شما پر مفهوم تر باشد.

جمعه مبارک

سوم سپتامبر ۲۰۲۱

حدیث شماره ۴۱

جمعه مبارک

سلام عزیزان

یکی از اساسات عمده ایمان داری تواضع است.

تواضع در زبان شیرین فارسی فروتنی، افتادگی و شکسته نفسی معنی میدهد. تواضع این نیست که شما عقاید خود را ابراز نکنید و یا اجازه دهید دیگران شما را استثمار کنند. و یا برای عدالت قیام نکنید. تواضع آن است که شما خود را از دیگران بلند تر ندانید و به خاطر مال و ثروت و نام و نشان و نام جد و پدرکلان و مقام اجتماعی و سیاسی و شهرت و یا تحصیلات عالی تصور کنید از دیگران بهتر و بلند تر هستید. حضرت محمد مصطفی (ص) فرموده است: "بهتر از همه مردم کسی است که در حال رفعت، فروتنی کند و در عین ثروت زاهد باشد و در عین قوت انصاف کند و در حال قدرت بردباری کند."

از نگاه سوسیو-سیکولوژی یعنی رابطه جامعه شناسی با روانشناسی حدیث فوق حایز اهمیت فراوان است زیرا در جامعه شخصیت شخص با تواضع و یا غیر آن تثبیت می شود. همچنان، تواضع انتی تز کبر و غرور و خودخواهی است و قرآن مجید کبر و غرور و خودخواهی را محکوم میکند و می گوید "ان الله لا یحب المتکبرین" (سوره نمل، آیه ۲۲). یعنی خداوند متکبران را دوست ندارد.

علامات اشخاص که تواضع ندارند یعنی متکبر هستند زیاد است که از چند آن نام می بریم. اول به مردم سلام نمیدهند و منتظر هستند که مردم به ایشان سلام دهد. در موفقیت و خوشی شما سهم نمیگیرد که این بعد حسادتش را هم نشان میدهد. اکثراً اشخاص متکبر شدید محافظه کار هستند و برای اینکه یک گروه نادان آزرده نشود حقایق را با اینکه خوب میدانند پنهان می کنند. اشخاص که تواضع ندارد فکر میکنند تنها خودشان یک

مسئله را می دانند و دیگران نمیدانند. دوست ندارند سر حرف شان کسی چیزی بگوید. اشخاص که تواضع ندارند عاشق القاب هستند و دوست دارند که با القاب یاد شوند و برای شناسایی مقام خود مبارزه می کنند به جای اینکه اجازه دهند دیگران او را به رسمیت بشناسند. اشخاص که تواضع ندارند در ضمن صحبت می گویند که فلان شخص در نظرم نه می آید در حالیکه خداوند مردم را اول به تقوی و بعد به دانش می شناسد و اما دانش که توام با تقوی باشد نه دانش تنها.

مردم که تواضع ندارند اگر اشتباه کنند معذرت نه می خواهند زیرا معذرت خواستن را کسر شان میدانند و نمیدانند که با معذرت خواستن پایه های اجتماعی و سیاسی خود را محکم تر میکنند. مردمان که تواضع ندارند وقتی به یک مقام می رسند از خود کرده پایین تران را به جای تشویق، تکذیب می کنند و اکثراً جوانان و کارهای جوانان در نظر شان نه می آید. اشخاص که تواضع ندارند خوش ندارند که یک جوان یک کار را انجام دهد و از او مشوره نگیرد. در حالیکه جوانان با عصر که زندگی میکنند تشبثات نیک دارند و باید تشویق شوند نه اینکه توسط به جای رسیده کوبیده شود.

اشخاص که تواضع ندارد خوش دارند که در مجالس از ایشان دعوت شود که در صدر مجلس بنشینند. اشخاص که تواضع ندارد با فقیر و بی بضاعت داد و معامله ندارد و تنها با کسان معاشرت می کند که منافع اقتصادی و اجتماعی و سیاسی اش مطرح است. خداوند! ما را همیشه متواضع داشته باش و از کبر و غرور و خود خواهی نجات بده.

جمعه مبارک

۱۷ سپتامبر ۲۰۲۱

حدیث شماره ۴۲

جمعه مبارک

سلام عزیزان

نوبت حدیث هفته رسیده. امیدوارم همه ای شما عزیزان از گزند روزگار کرونا به دور باشید و در امان خداوند باشید. احتیاط را از دست ندهید و در اجتماعات و گردهمایی های بزرگ شرکت نکنید که جان ننگه کردن فرض هر مؤمن است. کسانی که از ۶۵ بالا است باید واکسین سوم را که مشهور به Booster است به زودی عرضه می شود بگیرند. پیشوای اسلام فرموده است: ” مؤمن هوشیار و دقیق و محتاط است.“ (حدیث شماره ۳۰۸۹)

حدیث این جمعه در باره نیت است که یک مؤمن باید نیت خوب داشته باشد تا خداوند به او رحم کند و یا امور محوله او بر وفق مراد به پیش برود.

کسانی که ایمان ضعیف دارند تصور می کنند که خداوند از دل‌های شان نمیداند و یا فکر میکنند که تنها هستند و کسی اوشان را نه می بیند و یا تبصره ای که میکنند یا غیبت که میکنند، خداوند نه می شنود. در حالیکه خداوند از دل‌های ما آگاهی دارد و هر عمل که انجام میدهیم می بیند زیرا بصیر است و هر سخن که می گوییم می شنود زیرا سمیع است.

اساس دین ما عقل است و اما ایمان یک موضوع دل است، ظاهری نیست که شما عبا و قبا به تن کنید و فکر کنید که دیندار تر هستید. سعدی زیبا گفته است:

تن آدمی شریف است به جان آدمیت
نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

خداوند در قرآن کریم می گوید که خداوند از دل‌های شما آگاهی

دارد. معنی این آیه این است که از نیت شما اطلاع دارد و نظر به نیت خوب و بد شما مورد پاداش یا عذاب قرار می‌گیرد. در مورد نیت دو حدیث از حضرت محمد مصطفی (ص) برای شما نقل قول می‌کنم.

حدیث اول، پیشوای اسلام می‌فرماید: ”روز رستاخیز مردم را بکیفیت نیت های شان بر انگیزند.“ (حدیث شماره ۳۲۰۷)

حدیث دوم بسیار جالب است که یک مقایسه بین مؤمن و منافق است و چنین می‌گوید: ”نیت مؤمن از عمل او بهتر است و عمل منافق از نیت او بهتر است و هر کدام بر نیت خود کار میکند و چون مؤمن عملی انجام دهد در قلب او نوری روشن می‌شود.“ (حدیث شماره ۳۱۴۲)

عزیزان

هیچ وقت مردم قریبی نکنید و فکر نکنید که مورد مؤاخذه قرار نمی‌گیرید. در مقابل مردم نیت پاک و دل پر صیقل داشته باشید. از حسادت و کبر و غرور پرهیز کنید زیرا در همین دنیا تباهی دارد. اینها امراض است که شما را از درون به تباهی می‌کشاند. نیت شما تجلی قلب شماست و همان است که نزد پروردگار مقبول است و شما در امور محوله به معراج کمال می‌رسید فقط به خاطر قلب پاک و بی‌آلایش که تنها برای خدا می‌تپد.

جمعه مبارک

۲۴ ماه سپتامبر ۲۰۲۱

مآخذ احادیث کتاب نهج الفصاحه

مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم (ص)

با ترجمه فارسی

بانتظام فهرست موضوعی

مترجم و فراهم آورنده ابوالفاسم پاینده

تهران

حدیث شماره ۴۳

جمعه مبارک

سلام عزیزان

امروز در کشور ما طالبان مرتکب تبعیض بین افراد جامعه شده اند. دختران از درس و تحصیل باز مانده اند. بانوان دست شان از کار گرفته شده است. این موضوع باعث انزجار، بد بینی و مخصوصاً بد نامی دین اسلام شده است. انتی تز عدل، ظلم است. قرآن ظالم را شدید محکوم می کند و ظلم به مثابه شرک است. طالبان ظلم میکنند و هم درین دنیا و هم در آن دنیا جواب دادنی هستند. احادیث مشهور حضرت رسول کریم (ص) در مورد علم و معرفت است که این طبقه ظالم نادیده میگیرند و هر روز می شنویم که در مورد آموزش دختران تصمیم گرفته می شود. این مردم عقب مانده کوهی و صحرائی و متحجر میدانند که برای آموزش و پرورش خداوند وقت و زمان تعیین نکرده است و مردم زن و مرد باید به آموزش و پرورش تشویق شوند نه اینکه در خانه قید شوند و یا برای شان تصمیم گرفته شود. رسول اکرم (ص) فرموده است که: "آموختن علم برای مرد و زن مسلمان فرض است." حدیث دیگری داریم که "از گهواره تا گور دانش آموز." یعنی آموختن هرگز ایستادگی ندارد. همچنان فرموده است که: "در جستجوی علم باش حتی در چین." یعنی آموختن سرحد ندارد و در هر نقطه دنیا که شما علم بیاموزید نباید غفلت کنید. امروز در افغانستان ظلم شدید که مردم را از حق تعلیم محروم کرده اند جریان دارد و گناه بزرگ و نا بخشودنی است. احادیث فوق برای زن و مرد گفته شده است نه تنها مردان. راه نجات ازین بربریت قیام های غیر مسلحانه عمومی توسط مردم است تا مردم از ظلم نجات پیدا کنند.

جمعه مبارک

جمعه اول اکتوبر ۲۰۲۱

حدیث شماره ۴۴

جمعه مبارک

سلام عزیزان

درین یکسال که گذشت زیاد تر از پنجاه حدیث حضرت رسول کریم (ص) که با نص قرآن مجید مطابقت دارد خدمت شما با تشریحات و توضیحات تقدیم کردیم. و این سلسله تا یکسال دیگر دوام خواهد کرد (اگر حیات باقی باشد) ان شاء الله. دلیل آن این است که با شناخت و تطبیق حدیث است که ما می توانیم فرهنگ اسلامی داشته باشیم. برای همین منظور، من کتاب اندرز های پیامبر را در شروع سال جاری (۲۰۲۱) به زبان انگلیسی که شامل صد حدیث پیشوای اسلام است زیر عنوان Maxims of the Prophet به نشر سپردم. این کار را برای جوانان کردم تا از فرهنگ والای اسلام به دور نمانند. کتاب اندرزهای پیامبر در سایت آمازون به دسترس است.

یکی از مشکلات روحی و روانی مردم ما که منجر به بد اخلاقی توجیه می شود تهمت کردن است که سر مردم و حتی سر خود تهمت می کنند که تهمت به خود توجیه به دروغ و لاف زدن می شود. اول باید بدانیم که چرا مردم تهمت می کنند. کسانی تهمت می کنند که اعتماد به نفس ندارند. کسانی که اعتماد به نفس ندارند چند نزاکت وجود دارد. اول به خود باور ندارد. طور مثال به چیزیکه می گوید سر خود حاکم نیست. پسان موضوع که گفته است انکار می کند. این اساساً یک موضوع روحی است و اما ما زیاد تر آنرا از جنبه اخلاقی می بینیم. به یاد دارم در ایام تحصیل یک استاد آمریکایی برای ما گفته بود که اگر سر خود حاکم نیستید در یک کنفرانس و یا محفل علمی شرکت نکنید. هر وقت دانستید که سر خود حاکم شدید و می دانستید استدلال کرده می توانید، شرکت کنید.

دوم مردم تهمت می کنند تا خود را نجات داده باشند و یا از عقده

تهمت می کنند و یا از حسادت تهمت می کنند که اینها همه کمی و کمبودی روحی و روانی است. در دین اسلام تهمت کردن حرام است که یک کسی که یک کار را نکرده و یا نگفته به او تهمت بسته شود و شخصیت او تخریب شود که این را Character Assassination در علم روانشناسی گویند. اما تهمت گر چون هوشیار نیست متوجه نمیشود که با تهمت کردن که امکان دارد غلط ثابت شود شخصیت خود را هم می کشد. به همین اساس است که حضرت رسول خدا محمد مصطفی (ص) فرموده است که: "هر که با متهمان آمیزش کند بیشتر از همه مردم سزاوار تهمت است."

اینجاست که این حدیث به ما می آموزاند که باید در تهمت بسته شود. موضوع فوراً ثابت شود و تهمت گر باید حد اقلاً معذرت بخواهد در غیر آن جامعه به فساد اخلاق کشانده می شود زیرا اشخاص با آبرو عزت شان مصالحه می شود.

بعضی مردم، زن و مرد سر خود تهمت می کنند. این به خاطر عقده حقارت است. یک شخص یک کاری را نکرده برای اینکه خود را مهم نشان داده به خود تهمت می زند. یا در یک جایی نرفته است وقتی صحبت می شود می گوید بلی او آن جا را سفر کرده است.

بعضی مرد های نامرد چون دست شان به یک زن نمی رسد به آن زن تهمت می بندند تا شخصیت او را تخریب کنند و به اصطلاح نام زده کنند.

تهمت گرچه زیاد تر توجیه شده است که از عدم اخلاق سالم سر می زند اما اساساً یک تکلیف روحی و روانی است که از طریق ایمان قوی به خدا علاج پذیر است.

جمعه مبارک

پنجشنبه هفتم اکتوبر ۲۰۲۱

حدیث شماره ۴۵

جمعه مبارک

سلام عزیزان

سخن چینی چیست؟

حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که: "سخن چینی آن است که یک کس سخن مردم را به یک کسی دیگر می برد و آنها را به نفاق می اندازد." کسی که نفاق تولید می کند در آن دنیا که ما مسلمانان سخت به آخرت ایمان داریم، عذاب می بیند. این عملی شنیع در اسلام حرام است و گناه کبیره به شمار می رود. اکثراً این عمل زشت و بد را دوستان به نام "دوست" انجام میدهند. کسی که سخن یک کس را به کسی دیگر می برد فاسد و فاسق است و دوستی با او مجاز نیست. دوست خوب هرگز (از روی دوستی) مرتکب همچو زشت کاری نه می شود. کسی که سخن کسی دیگر را به شما می آورد و شما فکر می کنید از روی دوستی این کار را کرده سخت اشتباه می کنید. اصلاً او دشمن شماست نه دوست. مطمئن باشید که او سخن شما را به کسی دیگر می برد. این اعمال را کسانی انجام میدهند که ایمان به خدا و روز آخرت ندارند و از بزرگترین منافقین هستند و تظاهر به ایمان می کنند. حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که: "روزه و وضو سخن چین در اثر سخن باطل می شود." به همین اساس سوء ظن یا حدس و گمان که قرآن مردم را جدا منع کرده است و آن هم از گناهان کبیره به شمار می رود. حدس و گمان آن است که:

الف- شما یک موضوع را بدون تحقیق قبول کنید مانند مسائل علمی

ب- مردم یک سخن را به شما بگویند و شما فوراً قبول کنید

یک مسلمان که به خداوند و کلام او عقیده دارد هرگز سخن منفی

کسی را در مورد یک شخص قبول نه می کند مشروط بر اینکه چهار شاهد وجود داشته باشد و شهادت داده باشند. و یا در دنیای امروز سخن غلط و یا منفی او در رسانه ها ثبت شده باشد که راه انکار را مسدود می کند. تا خود شما حتی که از طرف دوست شما باشد یک موضوع را به گوش خود نه شنیده اید و یا به چشم نه دیده اید قبول نکنید. هستند مردمان که از روی عقده، حسادت و یا اینکه خود شان به مرام خود نرسیده اند به نام دوست شما (که بین من و تو باشد) یک کسی که از جان خود خبر ندارد تخریب می کند و شخص مورد نظر را در نظر دیگران بد می سازد. بسیار دوستی ها به هم خورده است به خاطریکه یک شخص فاسد بدی یک کس را گفته است در حالیکه آن شخص مطلق بیگناه است. بسیاری مردان و زنان هستند که وقتی دست شان به زن مورد نظر و یا به مرد مورد نظر نه می رسد او را بد نام می کنند و تخریب می کنند و این اعمال همه زیر نام دوستی جامه عمل می پوشد. دوست که به شما از کسی احوال می آورد، دوست که غیبت کسی را به شما می کند و دوست که کسی را در نظر شما بد معرفی می کند و می گوید " احتیاط کن که فلان شخص چطور است و چکار است، " او دوست شما نیست بلکه دشمن شماست زیرا شما را قصداً و عمداً داخل گناه می سازد. دوستان از هم بریده اند، خانواده ها با هم قطع رابطه کرده اند حتی خواهر و برادر به خاطر همین اشخاص منافق و فاسد زندگی های شان به هم خورده است و از خود خبر ندارند.

هیچ سخن منفی را حتی که از طرف دوست شما باشد قبول نکنید و هرگز به حدس و گمان زندگی نکنید تا خود در یک مورد یقین حاصل نکنید. یک موضوع را که باید خوب توجه کنید این است که ما انسان ها به دل و مغز مردم حتی دوست خود راه و دسترسی نداریم و نمیدانیم که حتی نیت دوست ما چه است و برای اینکه ازین عمل زشت جلوگیری به عمل آید این است که سخن هیچ کس مورد اعتماد نیست وقتی شما می دانید که غیبت و سخن چینی می کند. اقلاً همین مطلب را می توانید

تشخیص دهید. سوال مطرح می شود که سخن کی را می توان قبول کرد؟ تنها شخص که عالم است زیرا تنها علما از خدا می ترسند (سوره فاطر آیه ۲۸). و به غلط نه می روند. درین جا عالم واقعی مطرح است نه ملاها یا داکتران نادان که به نام عالم دین و دانشمند عرض اندام کرده اند که از راه دین بدور هستند و حتی نمیدانند که دین خدا نزد بنده یک امانت است. زیرا آنانیکه در راه دین نیستند نه تنها غیبت می کنند حتی به نام ملا و داکتر صاحب دین را تخریب می کنند که شما خبر دارید.

جمعه مبارک

پنجشنبه ۱۴ اکتوبر ۲۰۲۱

حدیث شماره ۴۶

جمعه مبارک

سلام عزیزان

دو ماه می شود که مردم افغانستان توسط طالبان به گروگان گرفته شده اند. زنان و دختران از سکتور اقتصادی کشیده شده اند و هیچ کس به داد شان نه می رسد. سازمان های حقوق زن تقریباً خاموش هستند. یک گروپ میخواهند با این گروپ که از همه معیار های اسلامی و جهانی به دور هستند همکاری کنند و یک عده دیگر شنیده شد که باید به طالبان وقت داد زیرا طالبان به کودک دو ماهه می ماند و باید برای شان وقت داد. این گروپ روزی جزیی ترین علاقمندی به اسلام نداشتند و اما امروز از طالبان جانب داری می کنند.

بعضی اشخاص شاید توقع دارند که یک مقام بگیرند و خود را خاموش گرفتند و در مقابل ظلم خاموش هستند. یعنی در گذشته های دور از والدین خود شنیده بودیم که مرد و نامرد در روز بد معلوم می شود. برادران و خواهران شیعه ما در هراس و سراسیمگی به سر می برند زیرا تا حال درین دو ماه مساجد اهل تشیع مورد حمله قرار گرفته است. کابل برق ندارد گرچه ازبکستان وعده کرد که افغانستان را درین زمستان تنها نه می ماند. پول های افغانستان منجمد ساخته شده است زیرا طالبان یک وجب از روش های تبعیضی و زن ستیزی خود شور نخورده اند. مردم بیعت نکرده اند و همه علمای کرام قدیم اسلام گفته اند که یک نظام سیاسی مشروعیت ندارد تا اینکه مورد تایید مردم نباشد. امروز آبروی مسلمانان افغانستان مصالحه شده است و هنوز هم خون شان می ریزد و هیچ کس در فکر مردم نیست و وقتی ما در فکر آبروی مردم نباشیم به بدترین حالت قرار داریم. حضرت محمد (ص) فرموده است که: "همه چیز مسلمان خون و آبرو و مال او بر مسلمان حرام است."

مسلمانان در افغانستان کشته می شوند؛ خانه ها تلاشی می شود؛ خواهر و برادر شیعه به خون می غلتد؛ جوانان از کشور فرار می کنند. بیمارستان ها فاقد دوا است. مردم افغانستان با یک گروه ظالم طرف هستند مثلیکه آلمان ها در زمان آلمان نازی مواجه شده بودند. حضرت رسول کریم در مورد مصیبت گفته است که: ”هر چه مؤمن از آن بدش آید مصیبت است.“ مردم افغانستان به مصیبت گرفتار شده اند. الهی این کشور را از شر مردم ظالم و این مصیبت نجات بده.

جمعه مبارک

پنجشنبه ۲۱ اکتوبر ۲۰۲۱

حدیث شماره ۴۷

جمعه مبارک

سلام عزیزان

زنان در تمدن اسلامی نقش بارز ایفا کردند. منبر مسجد به پیشنهاد یک زن ساخته شد. حضرت بی بی عایشه (رض) به حیث یک فقهی عرض اندام کرد. در جنگ های اسلام زنان از برادران زخمی شان پرستاری میکردند. بی بی زینب اولین مکتب نسوان را بنیاد گذاشت. بی بی فاطمه زهرا (رض) از زنان دانشمند اسلام بود چنانچه بی بی عایشه صدیقه (رض) گفت: در زنان از فاطمه دانشمند تر ندیده ام. اولین پولیس جامعه اسلامی برای حفظ امنیت مردم یک زن بود. زنان با مردان یکجا از مکه به مدینه هجرت کردند.

اما امروز می بینیم که یک گروه متحجر را مثلث گناه یعنی ایالات متحده آمریکا، عربستان سعودی و پاکستان به قدرت رساند تا نه تنها منافع خود را حمایه کرده باشند اسلام را در سطح جهانی بد نام کنند. طالبان به اساس ایدیولوژی "دوق" یعنی خمیر از دیوبند و هابی و قومی، امروز افغانستان را به لجن کشانده اند که نه از اسلام خبری است، نه انسانیت و نه مدنیت. از عبدالله فیروز الدلامی یکی از صحابه کرام روایت شده است که حضرت رسول کریم (ص) فرموده است: "با کودکان تان در بخش توزیع حقوق عادل باشید. و اگر من در توزیع حقوق کسی را ترجیح میدادم، زنان را زیاد تر ترجیح میدادم تا حقوق زیاد تر داشته باشند."

امروز می بینیم که زنان از حقوق کار و تحصیل دو مسله که اسلام هیچگونه تبعیض نکرده زن مسلمان به نام دین و سنت محروم شده است. آنانکه از طالبان دفاع میکنند و یا همکاری میکنند اینها خود از آنان هستند که زن ستیز هستند و روحیه قومی و قبائلی دارند. مردم افغانستان با گفتار و قلم باید بر علیه این تبعیض که خدا حرام کرده مبارزه کنند. زنان نصف کلی جامعه مسلمان است

و نبودن ایشان در اجتماع، جامعه را به رکود مواجه می کند. قرآن مجید و محمد (ص) هیچگونه تبعیض بر علیه زن روا نداشته است و اما این مغز های گنده ملا و آخوند است که برای منافع خود زن را از حقوق که خدا برای زن داده است محروم کرده اند.

جمعه مبارک

۲۹ اکتوبر ۲۰۲۱

حدیث شماره ۴۸

جمعه مبارک

سلام عزیزان

اساس دین اسلام که این موضوع را چند بار خاطر نشان کرده ام علم و دانش است. یکی از دلایل پسمانی مسلمانان دوری از علم است و این بی علمی باعث شده است که آنانیکه مانند طالبان در قدرت هستند مردم را به نام دین و سنت استثمار کنند. دو دلیل عمده از نگاه انتروپولوژی فرهنگی وجود دارد که یک شخص و یا یک ملت استثمار می شود. وقتی که دین و تاریخ خود را درست نداند. امروز طالبان به نام دین مردم را استثمار می کنند و چون اکثر مردم دین را نه می دانند هر چه آنها می گویند باید مردم قبول کنند. یعنی بی دانشی مردم که خداوند ایشان را آزاد آفریده و کسی حق ندارد که مردم را از حق آزادی محروم کند و مردم تنها به خداوند مسؤل هستند نه یک ارگان به نام دولت بی خبر اند. یا اینکه دین تحمیل نمیشود و یا موسیقی حرام نیست و یا حجاب از پنج بنای مسلمانی و یا ارکان ایمان نیست؛ ازین موضوعات مردم بی خبر اند. چون مردم هرگز به این مسائل فکر نه می کنند و هر چه برای شان گفته می شود همان را قبول میکنند و راه استثمار و استعمار خود را، خود باز می کنند. توجه داشته باشید که مردمان جهان بسیار وقت به خاطر بی دانشی از دین و تاریخ کشور و تاریخ دین باعث بدبختی خود شده اند و افغانستان در زمره همان کشور هاست.

جالب این است که بعضی اوقات بعضی اشخاص که از دین و تاریخ خود خبر ندارند و برنامه ساز او را به نام پروفیسور معرفی می کند در یک تلویزیون یا برنامه ظاهر می شوند و جفنگ می گویند و برنامه ساز هم چون از دین بی خبر است یا خاموش است و یا به نام آزادی فکر و بیان از پروفیسور صاحب جانبداری می کند. در یکی از برنامه ها که من ویدیوی آن برنامه را دارم یک

آغا به نام پروفیسور آمد و بحث روی فضیلت رمضان بود و همین که شروع کرد گفت از روزه گرفتن کرده نه گرفتن آن بهتر است. در حالیکه قرآن بعد ازینکه شرایط را در نگرفتن بیان می کند می گوید روزه گرفتن به شما بهتر است. حالا وقتی مردم ازین نوع پروفیسورها این همه نادانی را می شنوند و خاموش می مانند برای این است که مردم بی دانش است.

و این حالت جامعه را شدید به رکود مواجه می سازد. ورنه ما از دیگران چه کمبودی داریم؟ عقل نداریم؟ استعداد نداریم؟ شعور نداریم؟ ذکاوت نداریم؟ همه چیز را داریم و اما دانش نداریم. باز جالب این است که یک تعداد زیاد مردم مانند طالبان نماز می خوانند و روزه می گیرند و در حالیکه ما نه نماز را برای خدا می خوانیم و نه روزه را برای خدا می گیریم زیرا خدا به روزه و نماز ما اصلا احتیاج نیست. با اینکه برای اینکه مردم را تشویق به نماز و روزه کرده باشد برای نماز گزاران و روزه گرفتگان پاداش میدهد و می گوید روزه از من است و پاداشش را میدهم. اما دقیق باید بدانیم که این عبادات برای خوبی و شادابی و صحتمندی و طراوت و مهمتر از همه آزادی خود ما از استثمار است. و اگر ما روزه میگیریم و یا نماز میخوانیم و اما عبادت را بدون علم می کنیم مطلق بی نتیجه است. حضرت رسول کریم (ص) می فرماید: "کسی که بی دانش عبادت کند چون الاغ آسیاست."

وقتی ما عبادت می کنیم و هنوز هم قوم پرست و شخصیت پرست و مادی پرست و گوساله پرست هستیم ما به خر آسیا می مانیم. و علم تنها در دانشگاه نیست. دانشگاهی را دیدیم و شنیدیم که جفنگ می گوید. علم واقعی در فهم قرآن است و هر وقت شما به این علم چنگ زدید بدانید که اصل آزادی و کرامت انسانی را دریافته اید. هیچ وقت به شعر و شاعری و القاب دانشگاهی و غیره فریب نخورید زیرا اینها بسیار می تواند فریب دهنده باشد.

جمعه مبارک

چهارم نوامبر ۲۰۲۱

نوت: این نوشته کوتاه را به روح پدرم، مرحوم استاد محمد یونس مشهور به متخصص کیمیا هدیه می کنم زیرا امروز ۴ نوامبر سال وفات اوست. روحش شاد و بهشت برین جایش باد.

حدیث شماره ۴۹

جمعه مبارک

سلام عزیزان

زندگی در غرب فشار های خود را دارد. مردم به اندازه مصروف هستند که حتی خود را فراموش کردند. مردم، زن و مرد در یک دوان دوان است. طبیعت نظام های دموکراسی لیبرال غربی در همین است که آنقدر مردم را با مسائل حق و ناحق مصروف ساخته که فکر نمیکنند و حتی به یادش نه می آید که استثمار شده است. بسیار مردم حتی دو کار می کنند تا مخارج خود را پوره کنند. یکی ازین استثمار بدون اینکه خود ما متوجه شویم این است که ما، خود را به دست خود استثمار می کنیم و به خود ظلم می کنیم. متوجه صحت خود نیستیم، متوجه اینکه چه می خوریم نیستیم و مهمترین استثمار خودی این است که ما نماز را فراموش کردیم.

حضرت محمد (ص) فرموده است که: ”نماز ستون دین است. اما باید بدانیم که دین چه است که نماز ستون آن است.“ دین تنها در مسائل فقهی و مذهبی که ساخته و بافته انسانهاست، نیست. اساساً چون همه جهان هستی مخلوق است پس همه نظام هستی دین است. در زبان عربی دین معانی مختلف دارد. اما مهمترین معنی آن این است که خود زندگی دین است. مخصوصاً که قرآن به وضاحت می گوید که جن و انس برای عبادت خلق شده است یعنی بندگی کردن.

از دید سقراط فیلسوف مشهور یونان انسان یک موجود ” هایلو مورفیک“ است. ” هایلو“ یعنی روحی و معنوی و ”مورفیک“ یعنی جسم. یعنی انسان از جسم و روح خلق شده است. وقتی این جسم و روح به توازن کلی می باشد که انسان عبادت کند. در همه ادیان رکن اول آن عبادت است تا همین توازن کلی روح و جسم به وجود بیاید و انسان به پیش برود. وقتی این توازن بر

هم خورد، جگر خونی ها بروز می کند. امروز مردم صد ها دالر را مصرف می کنند و کورس های یوگه را که اساساً تمرکز جسم و روح است می گیرند در حالیکه نماز خود برای همین فرض شده تا انسان مصروف، یک توازن جسم و روح داشته باشد در غیر آن خدا به نماز ما احتیاج ندارد که بخوانیم و یا و نخوانیم. اینکه نماز ما را از بدی ها به دور می کند اصلاً عدم تمرکز فکری را که بدترین بدی است، دور می کند. درست است که نماز فرض است و مسلمان باید ادا کند و اما این فرض به این گونه نیست که به عجله خوانده شود و یا بدون تمرکز فکری خوانده شود و یا بدون آداب خوانده شود. این فرض است تا انسان خودش را خوبتر بشناسد و با نماز استقرار فکری پیدا کند تا در زندگی موفق شود.

جمعه مبارک

شهر سان دیاگو

۱۲ نوامبر ۲۰۱۲

حدیث شماره ۵۰

جمعه مبارک

سلام عزیزان

با اینکه طالبان مشروعیت شرعی در افغانستان ندارند زیرا نه مردم به ایشان بیعت کرده است و نه تا حال جامعه بین المللی ایشان را به رسمیت شناخته است و اما در افغانستان قدرت سیاسی را به دست دارند.

طالبان که از ایدیولوژی "دوق" یعنی خمیر از دیوبندی استعماری هند برتانوی، وهابی سعودی و قومی است، پیروی می کنند هر روز در مطبوعات و رسانه ها دروغ می گویند. به وعده های که به مردم و جامعه مدنی و بین المللی داده اند سه ماه گذشت و اما وفا نکرده اند. فقر مردم و بیچارگی مردم برای شان معنی ندارد. ۹ میلیارد دالر افغانستان توسط آمریکا منجمد ساخته شده است به خاطر که طالبان به درخواست جامعه بین المللی وقتی نه می گذارند و مردم از فقر هلاک می شوند. جالب این است که درخواست جامعه بین المللی همه به موازین اسلام برابر است یعنی تساوی حقوق مدنی زنان با مردان، آزادی بیان و قلم که هر دو موضوع در قرآن ذکر شده است. افغانستان از یک فساد نظام تکنوکرات ها خلاص شد و به یک نظام که فاسد تر است داخل شد زیرا دیکتاتوری در دین نیست و طالبان به زور مردم را وادار به قبول دین می کنند که این خلاف قرآن و عدالت اسلامی است.

از حضرت رسول کریم (ص) علامات منافقین را پرسیدند، در جواب گفت که منافقین آنان هستند که وقتی سخن می گویند دروغ می گویند، امانت را خیانت می کنند و به وعده وفا نه می کنند. طالبان هر روز دروغ می گویند تا جامعه بین المللی را برای شناخت رسمی افغانستان فریب داده باشند و به وعده ها وفا نکرده اند. پس امروز افغانستان یک گروه منافق و دیکتاتور

بدون مشروعیت سیاسی ملی و بین المللی حکمرانی می کند که باید مقابله صورت گیرد و افغانستان خود را از یک استثمار بسیار خطرناک به نام دین و سنت نجات دهد.

جمعه مبارک

۱۹ نوامبر ۲۰۲۱

حدیث شماره ۵۱

جمعه مبارک

سلام عزیزان

روزی خواندم که صداقت کار انسان های با ارزش است. جمله بسیار پر معنی بدین مفهوم است که صداقت و راستی را کسانی دارند که ارزش اخلاقی و تربیوی و مدنی دارند.

مطلب مهم در جمله بالا این است که آیا ما اول صداقت داشته باشیم و یا انسان با ارزش باشیم. پس مهم است تا انسان با ارزش را بدانیم که بتوانیم صداقت را شناسایی کنیم.

ارزش که امروز ها یک واژه ای مهم روانشناسی انسانی است و حتی جامعه شناسان هم استفاده میکنند زیرا عنوان Valeur و اصلاً این واژه از زبان فرانسه در مطالعات انسانی شامل شده است نهایت ارزنده است. ارزش های انسانی صفات است که به انسان تعریف انسانیت را میدهد. از خود گذری و ایثار در راه مردم، مستقل بودن در افکار و گفتار، تقلید نکردن، با تقوی بودن، عشق ورزیدن و دوست داشتن، متکی بودن به خود، راست بودن با دیگران، تواضع داشتن، صبور بودن، افکار خود را مصالحه نکردن، و یکی از مهم ترین ارزش ها در زندگی مسلمان و غیر مسلمان همین ارزش ایمانی است و اساساً همین ارزش ایمانی است که وقتی مصالحه شد صداقت و راستی از بین می رود و این ارزش ایمانی است که به انسان متعهد ارزش انسانی و انسانیت میدهد. امام غزالی علیه الرحمه در کتاب احیاء علوم الدین از حضرت عیسی (ع) نقل قول میکند تا یک ارزش انسانی را به تمثیل کشیده باشد. من هم از عیسیویت نقل قول می کنم که به باور عیسیویت حضرت عیسی به خاطر ایثار به مردم به دار آویخته می شود و یا حضرت امام حسین (رض) به خاطر عدالت شهید می شود. این ارزش ها، ارزش های ایمانی است نه غیر آن. پس وقتی ارزش ها به حد اعلی برسد صداقت نوده می زند و به پایه کمال می رسد. صداقت

را نمی توان در انسان های بی ارزش سراغ کرد. انسان های که منافع سیاسی و شخصی شان بالا تر از منافع مردم و حقوق حقه مردم است. و یا احترام نگذاشتن به ارزش های مردم حتی که از نزدیکان باشد. عشق ها و دوستی ها می تواند به خاطر ارزش ها زیر پا نهاده شود تا به روز رستاخیز. حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که: "صداقت مایه آرامش است و دروغ مایه تشویش." صداقت نه تنها یک ارزش است، کار دل است. و برای ارزش ها باید صادق بود حتی که ما به هلاکت رسیم. محمد مصطفی (ص) فرموده است که: "صادق باشید اگر چه پندارید که مایه هلاک است." انسان های صادق به خاطر ارزش ها قربانی میدهند و این ارزش ها سرچشمه آن نه تنها در دین اسلام بلکه همه ادیان ایمان است و مثال ما مارتین لوتر کینگ فقید رهبر سیاه پوستان آمریکا است (عیسوی)، گاندی هند (هندو) و مالکم اکس رهبر سیاه پوست مسلمان آمریکایی (مسلمان).

انسان های بی ارزش هرگز قد اعلم نه می کنند حتی که بسیار تحصیلکرده باشند زیرا صداقت بنیاد کار شان نیست و اما انسان های با ارزش شاید رنج و محنت و زجر و شکنجه روحی و جسمی را تحمل کنند و اما بلاخره به هدف می رسند زیرا یک ارزش بزرگ انسانی امید به خداوند است.

جمعه مبارک

۲۶ نوامبر ۲۰۲۱

حدیث شماره ۵۲

جمعه مبارک

سلام عزیزان

هفته ای گذشته دعوت شده بودم تا نکاح یکی از عزیزان را عقد کنم.

یک دختر جوان بعد از عقد نکاح نزدیک من شد و گفت: "استاد چرا لباس دختران در وقت نکاح سبز است؟" این سوال از من قبلاً هم شده بود و من در یکی دو برنامه تلویزیون جواب گفته بودم. اینبار جواب را خواستم با شما هم شریک شوم که چرا دختران مخصوصاً از شهر کابل یعنی کابلیان در وقت عقد نکاح لباس سبز به بر می کنند.

لباس سبز در اسلام هم جنبه تاریخی دارد و هم روحی.

بسیار جالب است که امروز در روانشناسی رنگ ها یک مبحث بسیار عمده است و تاثیرات شگرف بالایی مغز دارد. مخصوصاً کسانی که مبتلا به تکالیف افسردگی و جگرخونی و فشار روحی هستند، طیبیان خوردن سبزیجات که رنگ سبز تیره داشته باشد و تماشای نباتات سبز را توصیه میکنند که اگر در حویلی ندارند باید در آپارتمان داشته باشند.

دلیل تاریخی رنگ سبز:

زمانیکه حضرت محمد مصطفی (ص) هجرت میکرد، در دهن دروازه خانه آن حضرت کفار بودند تا او را به قتل رسانند. قبل از برآمدن، پیامبر لباس سبز رنگ به تن داشت. لباس خود را به حضرت علی (رض) داماد اش داد تا به تن کند و در بستر پیامبر استراحت کند. پیامبر به علی (رض) گفت: این را به تن کن تا در امان خدا باشی. این کار جامه عمل پوشید و پیامبر اقامتگاه اش را ترک کرد و کفار حتی متوجه نشدند که او از منزل برآمده است. به اساس این روایت تاریخی، رنگ سبز، رنگ ظفر و کامیابی و پیروزی و

بخت خوب است. کشور های اسلامی، یک عده بیرق های شان سبز است. بیرق افغانستان هم یک تکه رنگ سبز دارد.

قبل ازینکه دانشمندان روانشناسی تاثیرات رنگ ها را در قرن بیستم مطالعه کنند رنگ سبز در اسلام مطرح بود و حضرت رسول کریم (ص) فرموده است: ” به سبزه نگریستن بینایی را فزون می کند.“ (حدیث شماره ۳۱۵۸، نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول کریم (ص) با ترجمه فارسی اثر ابوالقاسم پاینده.)

خالی از دلچسپی نیست که طبیعت که ما زندگی می کنیم رنگ سبز، رنگ عمده به شمار می رود. امروز میز پینگ پانگ را سبز رنگ می کنند. اکثر میدان های بازی تینس رنگ سبز دارد. شادابی و طراوت در سر سبزی است.

حدیث فوق ۱۴۰۰ سال قبل موضوع روانشناسی رنگ را مطرح ساخته است که شگفت انگیز است.

برای مطالعات روانشناسی اسلامی لطفاً کتاب این محقق را زیر عنوان مبانی روانشناسی اسلامی به زبان انگلیسی مطالعه کنید. درین کتاب، بنده، ساینس روانشناسی را به رویت قرآن و حدیث تشریح کرده ام.

جمعه مبارک

سوم دسامبر ۲۰۲۱

حدیث شماره ۵۳

جمعه مبارک

سلام عزیزان

از دید قرآن مجید انسان آزاد خلق شده است و خودش تصمیم میگیرد که ایمان داشته باشد یا نداشته باشد. انسان مسؤل گناه خود است. انسان از نگاه اسلام یک موجود خود مختار است.

طالبان نادان دین را سر مردم تحمیل می کنند در حالیکه دین تحمیل نمیشود. قرآن می گوید: "لا اکراه فی الدین" یعنی نگذار در راه دین اجبار باشد. مشکل کار در کجاست؟ مشکل درین است که تحمیل دین مردم را به دروغ و ریا تشویق می کند. و دروغ و ریا گناه کبیره است. اما مردم گنهگار نه می شوند برای اینکه کسی که بر او فشار آورده شود او گنهگار محسوب نمیشود زیرا اختیار مردم را با دیکتاتوری غصب می کنند و دین اسلام دیکتاتوری نیست. مثل اینکه در اسلام اعتراف جرم با فشار وجود ندارد. اما کسی که این فتوی های احمقانه را مانند وزارت نامنهاد طالبان، (نامنهاد برای اینکه نظر به شریعت اسلام و قوانین بین المللی مشروعیت سیاسی ندارند.)

تحمیل دین مردم را زیادتر حریص به خرابکاری میکند زیرا وقتی به مردم فشار آورده شود و حتی محروم شوند و منع شوند زیاد تر گناه میکنند. حضرت رسول کریم (ص) فرموده است: "آدمیزاد بر هر چیزیکه از آن منع شده سخت حریص است." (حدیث شماره ۵۷۱. نهج الفصاحه: کلمات قصار حضرت رسول کریم (ص) متن عربی و فارسی. مترجم و فراهم آورنده ابوالقاسم پاینده.) بنده از نهج الفصاحه نقل قول می کنم زیرا احادیث کوتاه پیشوای اسلام را پیشکش مسلمانان می کند.

حدیث فوق جنبه روحی و روانشناسی دارد که در شرایط امروز حایز اهمیت فراوان است. مهمترین اهمیت حدیث این است که

مردم از دین فرار می کنند وقتی از حق زندگی محروم شوند و خودشان برای خود تصمیم گرفته نتوانند. مخصوصاً جهان غرب به انسان امروزی زیر عنوان دموکراسی، آزادی های فردی را وعده میدهد. و چون قسمیکه در بالا تذکر دادیم از دید اسلام نیز، انسان آزاد خلق شده است و وقتی انسان از آزادی محروم شود تاثیر بالعکس دارد. دوم اسلام را بد نام می کنند زیرا جوانان و مردم که از مدنیت اسلام بیخبر هستند چنین تصور می کنند که دین اسلام دین اسارت است در حالیکه جنگ بدر در اسلام به خاطر آزادی فکری به پا خاست که مردم خودشان در مورد کفر و ایمان تصمیم بگیرند.

بدترین اسارت، اسارت دینی است که امروز مردم به نام دین و سنت به گروگان گرفته شده اند و چون اسلام دین آزادی است جهاد مسلحانه در مقابل طالبان فرض است.

جمعه مبارک

دهم دسامبر ۲۰۲۱

حدیث شماره ۵۴

جمعه مبارک

سلام عزیزان

دنیا، عجب دنیای است. انسان خودش را فراموش می کند. خدایش را فراموش می کند. به آنانیکه مسئولیت دارد فراموش می کند. مثلاً یک پدر مسئولیت اولاد را فراموش می کند و یک رئیس دولت مسئولیت رعیت را.

اساساً انسان یک موجود مسؤل خلق شده است و باید مسئولیت پذیر باشد. این مسئولیت های ماست که ما را انسان های متعهد به زندگی می سازد. مسئولیت های ماست که ما را در خانواده، اجتماع و حتی تاریخ یک کشور سر بلند و سرفراز و یا سرمشار می سازد. فرار از مسئولیت ها انسان را در دنیا و آخرت شرمسار می سازد و در دین ما گناه بزرگ شمرده می شود. رسول کریم (ص) فرموده است که: "اگر کسی امور و کار مسلمانان را بدست گیرد و در کار آنها مانند کار خودش دلسوزی نکند، بوی بهشت به او نخواهد رسید." اشرف غنی در امتحان خدا و تاریخ قرار گرفت. در امور مسلمان غفلت کرد. قوم پرستی او و خویش خوری های که حتی عموی هشتاد ساله اش را سفیر روسیه مقرر کرد مثل اینکه در کشور قحط الرجالی بوده باشد. واقعا در نظام دموکراسی بسیار مضحک است که شعار آن کرسی مردم، از طرف مردم برای مردم است و عموی رئیس جمهور سفیر شده بود. نظام بیست ساله افغانستان اتنوکراسی بود نه دموکراسی.

اشرف غنی با زیر دستان به نیرنگ و فریب رفتار کرد و جالب اینکه همیشه یک تسبیح در دست داشت تا مردم را فریب داده باشد که شخص با تقوی است. رسول کریم (ص) فرموده است "هر که با زیر دستان خود به نیرنگ رفتار کند اهل جهنم است." نظر به این احادیث و آنانیکه از دل به قرآن مجید و سخنان گهربار پیشوای اسلام اعتقاد دارند، اشرف غنی در آن دنیا

هم دم خوش نخواهد زد. خداوند حق خود را می بخشد و اما حق بندگان مظلوم که حقوق شان پایمال شده باشد نه می بخشد (حق الله و حق العبد). قوم پرستی، خویش خوری و نیرنگ همه یک سو و اینکه فرار کرد آبروی افغانستان را مصالحه کرد و کشور را تسلیم چند نفر نادان دو دسته به خاطر قوم گرایی تسلیم کرد و نه تنها افغانستان را بد نام کرد اسلام را بد نام کرد. به گفته ای یک دختر جوان و نازنین افغانستان که یک ویدیو کلپ جالب تهیه کرده است و به اشرف غنی گفته که طلا و لاجورد و مس افغانستان را دزدی میکردی و فرار میکردی و اما تو آبروی افغانستان دزدی کردی و فرار کردی. حضرت رسول کریم (ص) در حدیث دیگری که در رابطه به اشرف غنی فراری است چنین فرموده است: "سه گناه است که با وجود آن هیچ کار نیکی سودمند نیست: شریک دادن به خدا، ناخشنودی پدر و مادر و فرار از جنگ!"

جمعه مبارک

۱۷ دسامبر ۲۰۲۱

حدیث شماره ۵۵

جمعه مبارک

سلام عزیزان

اسلام ۱۴۰۰ سال قبل به علم ارزش نهایت زیاد قایل شد و قرآن از مسلمانان خواست که برای آموختن علم دعا کنند و چنین به مردم خطاب کرد "وقل رب زدنی علما" یعنی الهها بر علم من بیفزای. این علم تنها از بر کردن قرآن و چند حدیث نبوده و نیست. و مسائل فقهی قطعاً نیست زیرا مسائل فقهی تراوش های ذهنی دانشمندان است که کوشش کرده اند تا استدلال خود را داشته باشند. طور مثال امام ابوحنیفه علیه رحمه نماز خفتن را تا سحرگاه روا میدانند و اما امام شافعی علیه الرحمه نماز خفتن را بعد از دوازده شب روا نه می داند. یک کودک ده ساله هم این استعداد را دارد تا سی جز قرآن را از بر کند. نزدیک به صد حدیث از پیشوای اسلام حضرت محمد مصطفی (ص) در متون حدیث در باره علم، اهمیت علم، مسئولیت عالم و زوال عالم درج است.

مشکل عمده بین مسلمانان به شمول مذهبیهون این است که اول علم قرآن را جدا از دیگر علوم میدانند و مشکل تحصیل یافته این است که قادر نیست تا علم را که تحصیل کرده مثلاً بیالوژی این را به قرآن نسبت دهد.

وقتی ما توحید را مطالعه می کنیم هیچ چیز از هم جدا نیست. یعنی جهان هستی همه با هم ارتباط دارد و هیچ چیز نظر به نص قرآن به باطل آفریده نشده است و جالب اینکه قرآن می گوید همه چیز. اساس علمی دارد. پس همه جهان هستی علم است و دین از نگاه توحید یعنی همه جهان هستی. به این اساس عالم دین آن نیست که قرآن و حدیث را از بر کرده باشد. عالم دین اوست که در یک بخش از جهان هستی نه تنها مهارت فهم و درک و دانش حاصل کند، در کنار رشته تخصصی اش از طریق

قرآن بازگو کند. چنانچه همچو علما بین قرن نهم الی دوازدهم در اسلام عرض اندام کرد. طور مثال الکهل به حیث یک ماده و قایوی از کشفیات مسلمانان است یعنی شیخ رازی. الکهل مانند الجبر واژه عربی است نه اینکه لاتین باشد. مثلاً ما آیه "علقه" را در قرآن داریم. استاد بیالوژی باید این را تشریح کند. یا قرآن از تیوری سود و نظام اقتصادی سخن می گوید عالم اقتصاد باید سود را که منحصیث یک انگاشت اقتصادی در قرآن تذکر داده شده است از نگاه Microeconomic یعنی اقتصاد سطح کوچک و یا Macroeconomic یا اقتصاد سطح وسیع تشریح کند. عالم دین در اسلام آن است که مسائل را به اساس علم ارزیابی کند. با افتخار می توانم بنویسم که برادر من پروفیسور محمد شفیق یونس استاد فرمکولوژی و نباتات طبی در کشور فرانسه تا حال ده جلد کتاب در رابطه به اسلام و نباتات و ساینس نوشته است تا ثابت کرده باشد که نمی توان اسلام را و علم و ساینس را، از قرآن مجید به دور دانست. این همه تحقیقات از کتاب های که به فرانسوی نوشته شده است جداست. عالم دین در اسلام هیچ چیز را از دین جدا نه می داند و اگر این تصور خام را داشته باشد العیاذ بالله توحید را تکه تکه کرده است و متاسفانه این موضوع در جهان اسلام امروز اتفاق افتاده است که پروفیسور، دکتور و دانشمند قادر نیست تا رشته اختصاصی اش با دین توافق دهد و استدلال کند. لغزش عالم اسلامی در همین است که قادر نشده است ازین جهان هستی یکی بخش آنرا درست تحصیل کند و آنرا با قرآن تطابق دهد. حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که: "از لغزش عالم پرهیزید که لغزش او در آتش نگون سارش خواهد کرد" (حدیث شماره ۹۶ نهج الفصاحه: کلمات قصار حضرت رسول اکرم (ص) با ترجمه فارسی؛ مترجم و فراهم آورنده ابو القاسم پاینده).

لغزش یک عالم دین اعمال ضد اخلاقی تنها نیست بلکه دین است که قرآن را با علوم هستی تطابق داده نه می تواند و یا قادر نیست تا شرایط زمان و مکان را مد نظر گیرد و یا تفکیک درست علم کند. چنانچه در یک کنفرانس بین المللی در استرالیا دعوت

شده بودم و روز جمعه رفتم مسجد. امام جوان هی از حرام بودن الکهل صحبت میکرد بدون اینکه توجه کرده باشد که الکهل حرام نیست و هر روز در بیمارستان ها استفاده می شود و کاشف آن یک مسلمان بود و این خمر است که حرام است.

جمعه مبارک

۲۳ دسامبر ۲۰۲۱

حدیث شماره ۵۶

جمعه مبارک

سلام عزیزان

یکی از اساسات دین اسلام اعتقاد به پیامبران اولوالعزم مانند حضرت عیسی (ع) است. گاهشماری مسیحی یا تقویم میلادی در ۹۵ در صد کشور های جهان تطبیق می شود. این تقویم به اساس میلاد حضرت عیسی (ع) می باشد گرچه تاریخ دقیق تولد حضرت عیسی (ع) معلوم نیست. بیست و چهارم دسامبر یک تاریخ تخمینی و یا ساختگی است. به هر حال، بر مسلمانان واجب است تا ادیان دیگر را به رسمیت شناسند و دین شان را حرمت نهند.

منشور نامه حضرت رسول کریم محمد مصطفی (ص) به راهبان عیسوی صومعه ء سنت کاترین که در سال ۶۲۸ میلادی تقدیم شد برای ما مسلمانان حائز اهمیت است، مخصوصاً که نیت یک عده درین مقطع تاریخ جهان و اسلام به جز تکثیر تبعیض و تعصب چیزی دیگری نیست. در حالیکه تاریخ اسلام نه تنها غلو و تعصب را در دین مجاز نمی داند ادیان را محترم می شمارد. سه ماده ء ازین منشور را از کتاب تاریخ اسلام از ۵۷۰ الی ۱۹۵۰ عیسوی اثر دکتور اکرم ظهور نقل قول می کنیم:

”هیچکس حق ندارد عبادتگاه شانرا تخریب کند، صدمه برساند و یا اجناس آنها را به خانه های مسلمانان انتقال دهد.“

”شوهر [مسلمان] مانع شده نه می تواند که زن کلیسا نرود و یا عبادت نکند.“

”بر حق، که من، خدمتکاران دین، انصار و پیروان من از ایشان دفاع می کنیم برای اینکه عیسویان شهروندان من اند. به نام خداوند که من هر آنچه یکبارگی ایشان را ناراضی بسازد در مقابله خواهم بود.“

امروز که ما درین کشور ها زندگی می کنیم درست است که

کرسمس را تجلیل نه می کنیم زیرا ما مسلمان هستیم و اما در سال نو باید به همسایگان، دوستان و همکاران عیسوی تبریک گوییم و همیشه کوشش کنیم تا با همه با صلح و صفا که اصل تعریف اسلام است زندگی کنیم.

جمعه مبارک

۳۱ دسامبر ۲۰۲۱

حدیث شماره ۵۷

جمعه مبارک

سلام عزیزان

امروز که حدیث هفته را می نویسم روز ششم جنوری ۲۰۲۲ میلادی است و یک سال از هجوم وحشیانه یک گروه متعصب و تبعیض گرا برای اینکه در انتخابات آمریکا تقلب صورت گرفته است، بر کانگرس آمریکا سپری می شود.

از نگاه انتروبولوژی یا بشر شناسی فرهنگی مردم یک کشور همان قسم که هستند رئیس دولت شان هم است. شورشیان نشان دادند که میخواهند رئیس شان مانند خود شان قومی و متعصب و تندگرا باشد.

حکومت داری یکی از هنر های است که باید عادلانه باشد. با مردم به عدل رویه شود. حاکم یا رئیس جمهور عادل باشد و مردم را به یک نظر ببینند. متأسفانه در دموکراسی غربی مسله عدالت زعیماً قطعاً مطرح نیست و هر کس می تواند خودش را کاندید کند. خواه فاسد باشد خواه تبعیض گرا باشد و یا خواه متعصب باشد و یا زن ستیز باشد مهم نیست تا جایکه بتواند مردم را با سخنان چرب و نرم فریب دهد و مردم ساده دل به او رای میدهند. ترمپ مثال برجسته این صحنه انتخاباتی بود. هیتلر آلمانی به زور توپ و تفنگ به قدرت نرسید و اما انتخابات و رای حزب او که برنده شد و چون قسمیکه گفتیم در دموکراسی غربی اهلیت، عزت، لیاقت و اخلاق مطرح نیست و دیده شد که هیتلر نیم جهان را به آتش کشید. وقتی مردم به رئیس شان رای میدهند اصلاً خود را در او می بینند. آرزو های خود را در او می بینند و تصور میکنند که به بهترین شخص رای داده اند. در حالیکه میدانند که فریب خورده اند. در انتخاب رئیس دولت دکتورا و تحصیلات عالی پول و ثروت نباید نقش داشته باشد و اما عدالت مردمی.

در افغانستان هم دیدیم که مردم (گرچه که انتخابات قلابی بود) مردم به اشرف غنی و کرزی رای دادند و این دو نفر به کمک خلیل زاد کشور را به مانند هیتلر به منجلاب بدبختی کشاندند.

حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که: ”چنانکه هستی بر شما حکومت کنند“ (حدیث شماره ۲۱۸۲ ماخذ نهج الفصاحه). وقتی مردم طالبان را قبول کنند نظر به حدیث فوق همان اندیشه طالبانی دارند که ان شاء الله این آرمان بر آورده نخواهد شد.

در نظام مردمی چه اسلامی باشد و یا چه غربی باشد عدل مطرح است. خداوند در قرآن کریم سوره نساء آیه ۵۸ می فرماید ”و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل“، یعنی و چون میان مردم حکم کردید به عدل حکم کنید.

متأسفانه امروز در افغانستان هم به نام دین و سنت قدرت را بطور غیر مشروع گرفته اند (زیرا مردم به طالبان بیعت نکرده است و کسی به ایشان رای هم نداده است). حضرت علی (رض) در زمان خلافت اش گفته بود که تا مردم به او رای ندهند خلافت را قبول نه می کند. این بدین معنی است که در مردم سالاری اسلامی یا دموکراسی اسلامی نه تنها که زعیم به رای مردم انتخاب شود بلکه برای زعیم باید رای داد و زعیم باید عادل باشد. ترجمه اساسی دموکراسی مردم سالاری است و بهترین تعریف مردم سالاری یا دموکراسی را ابراهام لینکن شانزدهمین رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا به جامعه بشری پیشکش کرد که ”کرسی مردم از طرف مردم برای مردم.“

چرچیل صدراعظم انگلیس حتی صنف دوازدهم را خلاص نکرده بود و اما خلاف توقع از بزرگترین و مشهورترین صدراعظمان انگلیس به شمار می رود و اشرف غنی دکتورا داشت و شما مقایسه کنید وقتی یک زعیم برای ملت خود کار می کند و اویکه ملت را به یک گروه جاهل مصالحه می کند.

عدل در فرهنگ ما این باید باشد که زعیم تعصب قومی، زبانی و جنسیتی و مذهبی نداشته باشد و همه را به حیث شهروند کشور

بشناسد که این آرزو تا حال نه در دموکراسی غربی نهادینه شده است زیرا در دموکراسی غربی اکثریت و اقلیت است و این خود یک تبعیض است و دموکراسی اسلامی که تا حال وجود ندارد.

سابق استاد بشرشناسی فرهنگی خاور میانه و فلسفه اسلامی در دانشگاه ایالتی

کلیفورنیا و

مؤلف کتاب دموکراسی اسلامی

جمعه مبارک

۶ جنوری ۲۰۲۲

حدیث شماره ۵۸

جمعه مبارک

سلام عزیزان

امروز کشور به خاطر بی کفایتی و جهالت و نوکری طالبان به پاکستان و خیانت سران مجاهدین و تحصیل یافته های فروخته شده به فقر مواجه شده است و این فرض ماست که درین مقطع تاریخ افغانستان از هیچگونه کمک به مردم فقیر و مستمند کشور حتی که ده دالر می شود دریغ نه کنیم. در تاریخ اسلام میخوانیم که حضرت ابوبکر صدیق (رض) همه سرمایه اش را در راه اسلام و مردم به مصرف رسانید و داستان حضرت علی (رض) با همسر گرامی اش بی بی فاطمه (رض) زهرا بسیار آموزنده است در زمانیکه امروز همه به ثروت اندوزی مصروف هستند. صدقه فراموش شده است. فقیر فراموش شده است. زکات فراموش شده است زیرا دین درین بیست سال اخیر توسط سران مجاهدین طالبان و تحصیل یافتگان بی ارزش مصالحه شد و نتیجه اش فقر و بدبختی است.

در تاریخ می خوانیم که حضرات گرامی علی و فاطمه (رض) میخواستند غذا صرف کنند که دق الباب شد. در را باز کردند و فقیری کمک میخواست. غذای خود را به فقیر دادند. فردا باز همین داستان تکرار شد و پس فردا هم چنان. سه روز ایشان غذای خود را به فقرا دادند و خود شان روزه گرفتند. این داستان انسانیت را در اعلی علین نشان میدهد.

اما در افغانستان دیدیم که یکی بعد از جهاد ساعت ده هزار دالری بسته می کند. دومی دریشی های آخرین مود و بی انتها قیمتی به بر می کند و سومی که او را آمریکایی ها خریدند با صد نفر گروه محافظ در یک قصر زندگی می کند و به خاطر روحیه

قومی و قبائلی به طالبان اقتدا می کند و با کمال بیشرمی نماز ادا می کند و اویکه در ماه محرم به سینه می زند دیدیم که شهادت امام حسین (رض) را مصالحه می کند و به یک دستگاه فاسد به خاطر مقام و جاه و جلال بیعت می کند. اما مسلمانان به اساس خیانت های اینها که روزی در فهرست معاشات CIA بودند و یکی به قوت لابی یهود به قدرت رسید و دیگر به خاطر روحیه قومی و دست داشتن به یونیکال به قدرت رسید و مردم فراموش شدند.

فقر امروز ثمره بیست سال خیانت همه جوانب ذیدخل است که به جای همکاری و آبادی به انتحاری و نوکری پاکستانی و آمریکایی و سعودی پرداختند و امروز طالب نادان این بدبختی را با از دست گرفتن مردم از کار و بیوه را خانه نشین کردن و جوان را فراری دادن کشور را مواجه ساخت به شکست مطلق اقتصادی.

اینها خیانت کردند و اما الحمدالله احساس انسانی و دینی ما بیدار است و خداوند و پیامبر اکرم به ما راه صدقه را آموخته است که درین شرایط اگر آنها خیانت کردند و اما بازهم از راه صدقه باز است و ما باید دست به دست هم دهیم و صدقات را هر چه سخاوتمند تر به هموطنان کمک کنیم.

عزیزان از شمال تا جنوب و شرق تا غرب کمک کنید.

میدانم شما در مورد فواید صدقه زیاد شنیده اید. اما در فرهنگ ما که از اسلام به ما رسیده است، جوانمردی است. جوانمردی تنها برای مردان نیست بلکه زنان هم جوانمردی می کند. مقام جوانمرد زن باشد یا مرد باشد به پیش خداوند بسیار بلند است. ببینید که حضرت رسول کریم چه فرموده است:

” از لغزش جوانمردان بگذرید زیرا به خدای که جان من بدست اوست، جوانمرد می لغزد و دست او در دست خداست.“

در حدیث دیگر می فرماید: ” دین جز به جوانمردی قوام نمی گیرد.“

عزیزان

ما همه در مقابل نه تنها امتحان خدا بلکه امتحان تاریخ قرار گرفته ایم. اگر ما ملت و مردم بی بضاعت را کمک نکنیم و جوانمردی نشان ندهیم نرد خدا و تاریخ شرمسار خواهیم بود. فقط یک خانواده را کمک کنید و به خود ثابت کنید که جوانمرد هستید.

جمعه مبارک

کلیفورنیا

۱۴ جنوری ۲۰۲۲

حدیث شماره ۵۹

جمعه مبارک

سلام عزیزان

یکی از زیبایی های شگفت آور قرآن مجید و حدیث که مطابقت به قرآن یا علم امروزی و عدالت و یا شخصیت والای پیشوای اسلام دارد این است که نظر به زمان و مکان تفسیر و تحلیل می شود. در غیر آن در زندگانی امروز نه قرآن به درد میخورد و نه حدیث. و این موضوع را قرآن کریم تایید می کند که علم در پیشرفت است و ایستادگی ندارد (سوره لقمان آیه ۲۷).

اما ما چطور می توانیم بدانیم که قرآن مجید و احادیث ثقه پیشوای اسلام می تواند با شرایط زمان و زندگانی امروز مطابقت داشته باشد؟ از طریق آموختن علم امروزی. مسلمانان بسیار پسمان شدند و به عقب رفتند زیرا طبقه مذهبی به علم امروزی توجه نکرد و تصور کرد که چند آیه و حدیث را از بر کند همین دین است. و فراموش کرد که قرآن گفته است الهها بر دانش من بیفزای (سوره طه آیه ۱۱۴). مذهبی در رشته های ساینس و دیگر علوم تخصص ندارد و این باعث شد تا نتواند دین را به اساس ساینس و علوم امروزی پیشکش مردم کند. در عین زمان اوپیکه ساینس و علوم امروزی را تحصیل کرد چون از قرآن بیخبر بود و است نتوانست تا قرآن را درک کند و فکر کرد که دین به علوم ربطی ندارد. مذهبی بدون علم و تحصیل یافته بدون درک قرآن جامعه مسلمان را نه تنها به رکود مواجه ساخت به نفاق و قوم گرایی و تعصب و تبعیض سوق داد .

علم امور اداره و کار یکی از اساسات نظام اسلامی است که باید توجه کرد و درین رشته تحصیل کرد تا بتوان یک اداره را موفقانه به پیش برد. باید دور اندیش بود. و مسائل طوری سنجش شود تا یک اداره یا شرکت به معراج کمال رسد. روسای لایق و دانا دور اندیش می باشند تا ثمره کار خود را ببینند. امروز پروژه ها

باید دوام مدت باشد تا اقتصادی تمام شود و یا بارور باشد که در رشته اداره این را Sustainability یاد می کنند. یا پروژه های دوام دار را Long Term Project یاد می کنند که این پروژه ها مزایای اجتماعی و اقتصادی خود را دارند. رسول اکرم (ص) سید المرسلین، رحمت للعالمین در مورد پروژه های دوام دار و یا Sustainable Project فرموده است: ”محبوب ترین کار ها در پیش خدا کاریست که دوام آن بیشتر باشد اگرچه اندک باشد“ (حدیث شماره ۷۳، نهج الفصاحه).

امروز جامعه ای مسلمان به جوانان نیازمند است که قرآن و حدیث را به معیار علوم امروزی فرا گیرند تا بتوانند برای کشور شان مصدر خدمت شوند. یکی از بدبختی های کشور های عقب مانده که کشور های اسلامی هم شامل این عقب گرایی است تقلید از شرق و غرب است بدون اینکه دقت شود که تقلید کار ما را حل نمی کند. مولانا چه زیبا گفته است:

خلق را تقلیدشان بر باد داد

ای دو صد لغت برین تقلید باد!

ما که مسلمان هستیم. قرآن مجید و احادیث ثقه پیشوای اسلام برای ما بهترین مرجع است باید این دو را به اساسات علم امروزی مطالعه کنیم تا هم از تقلید به دور باشیم و هم از مسخ فرهنگی که از سالهاست ما با آن دست و پنجه نرم می کنیم و نتوانستیم خود را نجات دهیم در حالیکه قرآن و حدیث به پیش ماست.

باز هم از مولانا

آب در کوزه و ماشه لبان میگردیم

حدیث شماره ۶۰

جمعه مبارک

سلام عزیزان

حدیث در لغت یعنی سخن. درین هفته سخن هفته از پیامبر (ص) نیست بلکه به جای حدیث پیامبر اسلام یک موضوع مهم تاریخ اسلام را در رابطه به زندگی فلاکت بار که طالبان باعث شده اند نقل می کنیم.

امروز پنجشنبه ۲۷ جنوری رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا اعلان کرد که کاندید جدید در قوه قضائیه اعلای کشور یک زن خواهد بود و آنهم برای اولین بار در تاریخ آمریکا یک زن سیاه پوست. آمریکا خواست نشان دهد که نه تنها حقوق مدنی زنان با مردان یکی است در عین زمان تعصب در مقابل نژاد و رنگ و پوست نباید باشد.

در اسلام ۱۴۰۰ سال قبل بعد از رحلت حضرت رسول کریم (ص) هفت نفر فقهی یعنی قاضی در مدینه عرض اندام کرد که در بین این هفت نفر یک زن بود به نام بی بی عایشه صدیقه (رض) همسر محبوب پیامبر اسلام. حضرت بی بی عایشه (رض) مخصوصاً در مسائل فقه خانوادگی نقش بارز بازی کرد. از اعطا بن رباح روایت است که گفته است: "عایشه فقیه ترین و عالم ترین و نیکو ترین مردم در رای و نظر بود و مردم چیزی را که بعد از رحلت پیامبر (ص) نمیدانستند از عایشه سوال میکردند."

اسلام ۱۴۰۰ سال قبل به زن چه مقام شامخ داد و امروز طالبان نادان چه عمل می کنند. در فقه حنفی به استناد. تاریخ بی بی عایشه زنان می توانند قاضی شوند. امروز زن با شهامت افغانستان از همه حقوق که اسلام برایش داده است زیر عنوان دین و سنت محروم است و مردم خاموش هستند، جامعه بین المللی خاموش است. ملا مسجد خاموش است و این خاموشی خیانت به دین

است برای اینکه چند تن ظالم به زور انتحاری و معامله خارجی به قدرت رسیدند و مردم را از حقوق حقه انسانی شان محروم کرده اند.

مردم شریف افغانستان باید برای آزادی مبارزه کند. با زبان، با قلم و حتی با اسلحه در غیر آن افغانستان به نام دین و سنت قومی و طالبانی همانطور که آلمان های نازی آلمان را تباه کردند. طالبان با نوکری پاکستان، افغانستان را تباه خواهد کرد. درین مقطع تاریخ افغانستان ما هم باید افغانستان و مردم آنرا نجات دهیم و هم اسلام را نجات دهیم.

جمعه مبارک

۲۷ جنوری ۲۰۲۲

حدیث شماره ۶۱

جمعه مبارک

سلام عزیزان

شرایط افغانستان فوق العاده همراهی طالبان خراب است. شرایط بانوان کشور، فقر و بیچارگی و فرار مغزها از کشور، و صد بدبختی دیگر. سازمانها و گروههای مختلف پیشنهادات دارند به شمول خودم که این بار پیشنهادات خود را به انگلیسی نوشتم و تقدیم جامعه بین المللی کردم.

نه تنها افغانستان مشکلات دارد یک عده مردم که روحیه قومی و قبائلی دارند میخواهند به خاطر قوم پرستی همکاری کنند در حالیکه ما از دین آموختیم که به مردم ظالم بیعت روا نیست. با حکومت که مردم را از حق زندگی نا امید کرده است تفاهم نا رواست. اقتدا کردن در نماز به مردم ظالم و قومی و قبائلی که مدنیت اسلام را زیر پا کرده اند و بانوان را خانه نشین کردند و دست مردم را به نام دین و سنت از کار گرفتند مردم را فراری کردند و غیره روا نیست. امروز افغانستان بسیار به رنج زندگی می کند و اما ما الحمدلله مسلمان هستیم و امید به خداوند داریم که مردم آزاده کشور بلاخره از بند اسارت آزاد می شوند. حدیث از پیشوای اسلام سید المرسلین (ص) داریم که فرموده است: "گشایش همراهی رنج است و با هر سختی آسودگی به همراه است." به روایت این حدیث مشهور فردوسی شاعر بزرگ فارسی گفته است:

که اندر جهان سود بی رنج نیست
هم آنرا که کامل بود کنج نیست

بلی ما انشاءالله ازین تاریکی و ظلمت نجات پیدا خواهیم کرد

مشروط بر اینکه زن و مرد افغانستان آزادی و کرامت انسانی خود را
مصالحه نکنند و به آینده امیدوار باشند.

جمعه مبارک

سوم فیبرورک ۲۰۲۰

حدیث شماره ۶۲

جمعه مبارک

سلام عزیزان

از دید قرآن مجید ظلم برابر با شرک است. مردم عادی فکر می کنند که یک شخص بدون محکمه زندانی می شود ظلم است و یا کسی حق مردم را می خورد ظلم است که اینها و مثال های دیگر همه درست است. اما موضوع عمده را مردم متوجه نشده اند و این برای این است که برای شان هرگز گفته نشده است این است که بزرگترین ظلم بعد از شرک مردم را از حقوق زندگی محروم کردن است. امروز با کمال تأسف طالبان مردم را. زیر عنوان دین و سنت از حقوق زندگی محروم کرده اند. اما طالبان تنها نیست. در کشور های اسلامی وقتی یک گروه به نام اسلام به قدرت می رسند اولین عمل این گروه ستمکاری به نام دین و سنت در تسنن و امامت در شیعه است و مردم را از حقوق آزادی محروم می کنند. پس این مهم نیست که مسلمان هستند و یا نیستند. به مجردیکه برای مردم به نام دین و سنت تصمیم گرفته می شود و برای مردم دیکته می شود مغز شویی مردم مانند کمونیستان سر دست گرفته می شود و مردم استثمار می شود و از حق آزادی محروم می شوند. اگر به ذوق گروه سر اقتدار زندگی کنی مسلمان خوب هستی در غیر آن یاغی هستی و باید مجازات شوی. یعنی دین آمد که مردم آزاد زندگی کنند و خود شان در باره ایمان خود تصمیم گیرید. حضرات گرانقدر اسلام عمر و علی در تاریخ میخوانیم که گفته اند چرا انسان که آزاد خلق شده است برده می سازید. حضرات خبر نداشتند که روزی می رسد که مردم به نام دین و سنت و حزب برده ساخته می شود و این بزرگترین ظلم است. پس وقتی یک گروه با حزب به شما دیکته کند این ظلم است. شما دیگر برده خدا نیستید. شما برده یک نظام ظالمانه هستید که باید برای آزادی مبارزه کرد. مسلمان

باشد و یا کافر، باید مبارزه کرد. و این همین مطلب مهم سیاسی امروز است که اشخاص نادان از اسلام به طالب، داعش و حزب و غیره مردم را از حقوق آزادی محروم کرده اند. انتی تز عدل، ظلم است. حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که: ”بهترین مبارزه حق گویی در برابر ظالم است.“ در حدیث دیگر می فرماید: ”در راه حق مبارزه کنید تا شرف و بزرگی را برای فرزندانان به یادگار گذارید“ و در حدیث دیگر می فرماید که: ”حقیقت را بگو، هر چند تلخ و ناگوار باشد.“

امروز در کشور افغانستان مردم از حق زندگی کردن محروم هستند. روزنامه نگاران بیکار شده اند. بانوان در خانه نشسته اند. فقر مردم تحت صفر قرار گرفته است. به نام اینکه موسیقی حرام است آلات موسیقی را می شکنند. و هنرمندان که افتخار کشور هستند و یک جامعه بدون هنرمند یک جامعه غیر مدنی و مرده است فراری شدند و یا به فقر زندگی می کنند. و آن قوم پرستان که از طالبان دفاع می کنند و به ایشان در نماز اقتدا می کنند هنرمندان کشور را با تحقیر یاد میکنند به نام رقصنده و بازنگر و غیره. جالب این است که تحقیر و توهین از جانب کسانی صورت میگیرد که به اسلامیت خود افتخار می کنند و خود را از همه مسلمان تر می دانند.

برای آزادی باید مبارزه کرد. از استعمار روسیه شوروی خلاص شدیم و به استعمار جهادی افتیدیم و از آن خلاص شدیم به استعمار طالبی افتادیم و از استعمار طالب خلاص شدیم و به استعمار آمریکایی برابر شدیم و امروز دوباره به ظلم طالبانی. انسان که باید برده خدا باشد بنده یک گروه به نام اسلام است که سخت شرم آور است.

جمعه مبارک

دهم فیبرور ۲۰۲۲

حدیث شماره ۶۳

جمعه مبارک

سلام عزیزان

سوال همین است که چرا مردم افغانستان نه می توانند برای کشور و ملت خود یک کاری کنند. آیا ما تحصیل یافته نداریم؟ آیا ما استعداد نداریم؟ آیا شهادت نداریم؟

دانشمندان افغانستان در گردهمایی های گوناگون دور هم جمع می شوند اما بی نتیجه. برنامه های زوم دایر می شود اما بی نتیجه. نامه ها به اقامتگاه سفید آمریکا (در آمریکا از بدو تاسیس ارستوکراسی مانند اروپا نبوده است لذا واژه های کاخ و قصر. و غیره درین کشور موزون نیست. ترجمه White House بسیار ساده اقامتگاه سفید است)، فرستاده می شود بی نتیجه. مشکل در کجاست؟

مبارزه و آزادی ایجاب یک اندیشه را می کند که همه دور آن گرد هم آیند و لیبیک گویند. انقلابات و مبارزات جهانی به اساس اندیشه بوده است. اندیشه ای که اکثریت به آن لیبیک می گویند. در افغانستان نه تنها رهبر که همه به او لیبیک گوید وجود ندارد اندیشه ای سالم که همه یکجا شوند هم وجود ندارد. یک عده اسلام می گویند و اما تعریف ثابت ندارند که چه نوع اسلام. اسلام سنی، اسلام شیعه، اسلام وهابی، اسلام دیکتاتوری و قومی که امروز مروج است. همین می گویند که شریعت و اما شریعت برای قرن بیست و یکم و جهان امروز تعریف نشده است. حضرت رسول اکرم (ص) فرموده است: "نظام زندگی انسان بر اندیشه است." (مأخذ سخنان حضرت محمد (ص) به انتخاب و ترجمه ای غلام رضا امامی.) اما ما اندیشه نداریم.

توجه کنید به اندیشه های مردمی و جهانی. اینکه ما مخالف هستیم یا موافق هستیم نکته مورد بحث ما نیست. اسرائیل به اساس اندیشه صهیونیزم عرض اندام کرد. مهاتما گاندی هند را

با اندیشه خشونت پرهیزی آزاد کرد. خمینی ایران اندیشه ولایت فقهی را پیشکش کرد و ایران اسلامی را ساخت با اینکه در فقه شیعه دوازده امامی همچو چیزی به نام ولایت فقهی وجود نداشت. مبارزات مائوتسیوتنگ چین و لینن به اساس اندیشه کارل مارکس بود. اندیشه ما برای یک افغانستان آزاد چه است؟

یک عده دیگر دموکراسی و فدرالیزم می گویند و اما تعریف نکرده اند که چه نوع دموکراسی؟ دموکراسی سرمایه داری مانند آمریکا؟ سوسیال دموکرات مانند آلمان؟ دموکراسی پارلمانی مانند انگلستان؟ دموکراسی کمونیستی مانند چین؟ (در یک کنفرانس بین المللی در چین شرکت کرده بودم و در یک چهار راه بزرگ نوشته بودن دموکراسی، مردم و حاکمیت قانون.) آنها هم دموکراسی می گویند اما ما دموکراسی را برای افغانستان تعریف نه کرده ایم. این محقق، اقلاً دموکراسی اسلامی را نوشتم و برای افغانستان پیشکش کردم.

مشکل ما مشکل نداشتن اندیشه است. افغانستانیان فاقد اندیشه هستند و این یک کمبود بزرگ سیاسی است.

جمعه مبارک

۱۸ فیبرورک ۲۰۲۲

حدیث شماره ۶۴

جمعه مبارک

سلام عزیزان

یکی از نعمت های بزرگ خداوند بعد از توحید و خدانشناسی و علم و معرفت هجرت است.

تاریخ اسلام با نزول قرآن شروع نمیشود. تاریخ اسلام با تولد پیامبر (ص) شروع نمیشود. تاریخ اسلام با بعثت شروع نمی شود. تاریخ اسلام با هجرت آغاز می شود. وقتی به تاریخ تمدن نظر می اندازیم می بینیم که بزرگترین تمدن ها مانند تمدن مدرن امروز آمریکا در اثر هجرت به وجود آمده است. و وقتی ما هجرت را از نگاه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و روانشناسی مورد مطالعه قرار میدهیم متوجه می شویم که اگر هجرت نه می بود انسان به معراج کمال نه می رسید و مهم تر اینکه آزادی او غصب می شد. هجرت بسیار آموزنده است. هجرت بیدار کننده است. هجرت انسان را به اعلی علین می رساند زیرا فکر و عقل و ذهنیت او متمدن می شود. دین نه میخواهد که مردم به خاطر یک قطعه زمین به نام زادگاه در تنگنای فکری باقی ماند و هجرت را خداوند پیشکش می کند و در قرآن مجید می گوید مگر زمین خدا فراخ نبود که هجرت می کردید. با هجرت است که انسان به خواب رفته که فکر می کند همین خانه و زندگی که در زادگاه اش دارد و یا کاری که دارد از دستش بیرون شود بیچاره می شود و اما بر عکس هجرت او را بیدار می کند که آزادی تو، کرامت تو و عزت تو در هجرت است. انسان های که هجرت کرده اند از نگاه فکری بسیار پیشقدم هستند زیرا با تجارب هجرت است که ما نه تنها خود را می شناسیم خدا را می شناسیم و جهان خلقت را می شناسیم. هجرت بدون چالش ها، نا امیدیه ها نیست و اما همین چالش ها و نا امیدیه هاست که انسان را به پختگی می رساند، از خود و دیگران برای زنده ماندن می آموزد. زندگی را با یک

اندیشه نو از سر می سازد. مال و مکنّت دنیا برایش بی معنی می شود و متوجه می شود که این آزادی از ظلم و استبداد است که انسان، انسان واقعی می شود. کرامت انسان در آزادی اوست. می شود که در کشور زادگاه انسان یک زندگی مادی داشته باشد و اما اسیر ظلم و ستم. انسان آزاد خلق شده است و هجرت او را از بند هر گونه اسارت نجات می بخشد. حضرت رسول کریم (ص) در مورد هجرت فرموده است که: ”زمین، زمین خداست و بندگان، بندگان خدایند، هر جا نیکی به تو رسید اقامت کن.“ (حدیث شماره ۱۱۱۶ نهج الفصاحه).

ای عزیز من که امروز هجرت کردی. هجرت تو را تبریک می گویم زیرا تو امروز به آزادی رسیدی. تو امروز اسیر مادیات و خرافات نیستی. تو امروز خودت، خودت هستی. تو را خدا آزاد آفریده و بنده این حق را ندارد تا آزادی تو از تو که تحفه خدا به بنده است از تو بگیرد. با آزادی است که تو حق را از باطل در عالم هجرت تفکیک می کنی. هجرت یعنی زندگی نوین با اندیشه نوین و آزادی به خاطر کرامت انسانی.

جمعه مبارک

۲۴ فیبرورک ۲۰۲۲

حدیث شماره ۶۵

جمعه مبارک

سلام عزیزان

اسلام آمد تا هرگونه تعصب و تبعیض و تنگ نظری را ریشه کن کند. یثرب مدینه شد تا مردم شهری شوند و از قوم پرستی، زن ستیزی و خرافات پرهیز کنند. قرآن زنان و مردان را در دین خواهر و برادر خواند. زنان در کنار مردان آزادانه کار و تجارت میکردند. در مسجد در عقب مردان در نماز بودند و زن و مرد در ساختار تمدن اسلامی نقش بارز بازی کردند.

بعد از خلفای راشدین و قرائت های مختلف از دین و سنت زنان قشر دوم جامعه شدند و اولین چیزی را که از دست دادند حقوق اسلامی شان که با مردان همسان است. امروز زنان از مردان مطلق جدا شده اند در حالیکه قرآن مرد و زن را مکمل همدیگر دانسته است.

وقتی من عکس خود را با بانو هنگامه آواز خوان مشهور کشور در فیسبوک شریک شدم یکی گفت که موسیقی حرام است. دیگری گفت که شرم است که زنان با مردان یکجا باشد و حرام است.

در هیچ جای قرآن مجید گفته نشده است که زنان و مردان از هم جدا باشند. هیچ حدیث وجود ندارد که پیامبر گفته باشد تا زنان و مردان از هم جدا باشند. در اسلام زن و مرد مسؤل اعمال و گفتار و کردار خود هستند. هیچ کس مسؤل گناه کسی نیست. با کمال تأسف مساجد افغانستانی در آمریکا و اروپا زنان را از سالون مسجد بیرون کرده اند و در یک اتاق دیگر برای شان جا تخصیص داده شده است و این عمل یک عمل غیر اسلامی و غیر شرعی است. یا در یک مسجد برای اینکه خود را روشن تر نشان دهند یک شیشه مکدر بین نمازگزار مرد و زن وجود دارد. لطفاً حدیث این پرده ها و شیشه ها را در مسجد به من واضح سازید.

در اسلام تنها زنان پیامبر از پشت پرده با مردان که در داخل خانه پیامبر می آمدند سخن می گفتند و این اصول خاص برای زنان پیامبر در داخل خانه پیامبر بود نه دیگر زنان. زنان و مردان در اجتماع همه یکجا بودند. زنان پیامبر در بیرون خانه آزادانه با مردان سخن می گفتند.

زنان افغانستان باید از حقوق حقه اسلامی خود دفاع کنند و اول از مسجد شروع کنند زیرا مساجد با افکار وهابیت به پیش می رود و اشخاص که در راه دین درین کشورها کار می کنند هم به خاطر محافظه کاری و برای اینکه ملای نادان او را به کفر نگیرد، خود را خاموش گرفته است. حدیث از حضرت رسول کریم (ص) داریم که فرموده است: "دو گروه از امت من هستند که اگر صالح باشند همه امت صالح می باشند در غیر آن همه تباه می شود: اول علما و دوم حکماً."

امروز عالم دین از روی محافظه کاری و قوم پرستی و نادانی خودش مرتکب بدعت شده است. اینکه زنان را از مسجد جدا کرده اند بدعت است. خلاف حقوق بشر در اسلام است. مغایر قرآن است. اصول در مسجد این است که مردان در صف اول می باشند و زنان در صف اخیر. وقتی نماز تمام شد اول زنان از مسجد خارج می شوند و بعد مردان. مردان باید منتظر باشند تا آخرین زن از مسجد خارج شود بعد مردان اجازه دارند که از مسجد خارج شوند. همه مساجد ما خلاف اصول اسلام و سنت پیامبر رویه می کنند و این شرم آور است.

زن و مرد در اسلام مکمل همدیگر هستند و همه مردم آزاد است.

در مساجد روحیه قومی و قبائلی مروج است و مسجد محل قوم گرایی و تعصب و تبعیض نیست.

جمعه مبارک

سوم مارچ ۲۰۲۲

حدیث شماره ۶۶

جمعه مبارک

سلام عزیزان

در دموکراسی اسلامی ازینکه حضرت علی (رض) یکی از طرفداران تفسیر قرآن بود نوشتیم. چند روز بعد یک ویدیو کلیپ از یک آخوند ایرانی را یک دوست برای من فرستاد که این آخوند تفسیر قرآن را با لحن شدید و لعنت کردن به معاویه (رض) رد میکرد.

شما عزیزان باید بدانید که به همان اندازه که در بین سنی ها مانند وهابی های نادان و خائن ما مردم متعصب داریم به همان اندازه در بین شیعه ها مردم متعصب و خائن داریم و همین ها هستند که اتحاد سنی و شیعه را که هر دو مذهب ساخته و بافته انسان هاست بر هم می زنند.

این شیعه نادان نمیدانست که در تفسیر نمونه که یکی از بزرگترین تفاسیر دانشمندان روشن ضمیر اهل تشیع ایران است در صفحات اول آن از ابن عباس (رض) نقل قول کرده است که القرآن یفسر الزمان، یعنی قرآن نظر به ایجابات عصر و زمان تفسیر می شود. وهابی های نادان و متعصب هم اعتقاد ندارند که قرآن باید تفسیر شود. همین گروه های سنی نادان و شیعه نادان هستند که جهان اسلام را یک محشر ساخته اند. چون امروز "سوشل میدیا" یا رسانه های اجتماعی به اوج آن رسیده است و مردم هم مطالعه ندارند هر کس یک کلیپ می سازد و پخش می کند.

همچنان لعنت کردن در اسلام روا نیست و نمایندگی از اخلاق و تربیه بسیار پایین شخص را می کند. این آخوند که حضرت معاویه (رض) را لعنت میکرد نمیداند که رسول خدا لعنت کردن را منع کرده است. از یک منبع شیعه برای شما نقل قول می کنم. پیامبر اسلام (ص) فرموده است: "سزاوار نیست که مرد صدیق لعنت گر باشد." (حدیث شماره ۲۵۵۶ نهج الفصاحه مجموعه

کلمات قصار حضرت حضرت رسول اکرم (ص) با ترجمه فارسی بانضمام فهرست موضوعی مترجم و فراهم آورنده ابوالقاسم پاینده چاپ دوم ۱۳۷۴ تهران)

اول اینکه نظر به نص قرآن لعنت کردن حق خدا و ملائک است و بعد از آن علمای واقعی اسلام که علما در دل لعنت می کنند نه علنی. زیرا لعنت کردن در متون شیعه و سنی شدید محکوم شده است. کی را لعنت می کنند؟ آنانیکه آیات خدا را تکذیب می کنند.

دوم اینکه مردان و زنان صدر اول اسلام همه شخصیت های کلیدی و مهره های تاریخ اسلام بودند و نقش خود را خواه خوب و خواه خراب بازی کردند و رفتند و جواب خود را به خداوند داده اند. آنها نه خدا بودند و نه پیامبر و نه فرشته. من حیث انسان همه شان جایزالخطا بودند و هم کار های خوب کردند و هم اشتباه کردند که ما امروز در اثر تحقیقات می خوانیم. درین حالت که هجوم دشمنان اسلام زیاد است دانشمندان و آنانیکه شیعه واقعی هستند و سنی واقعی هستند که هر دو از متون دقیق کتب شان استفاده می کنند و هر دو متون مذهبی مردم را به اخلاق، صلح، بردباری و صلح رحم و اتحاد دعوت می کند باید برای مردم نمونه شوند و جلو نفاق را در منبر مسجد بگیرند.

من اعتراف می کنم که حضرت معاویه (رض) اشتباهات خودش را داشت اما من من حیث یک مسلمان که اخلاق و تربیه را از محمد (ص) آموخته ام حق لعنت کردن صحابه را ندارم.

جمعه مبارک

جمعه یازدهم مارچ ۲۰۲۲

حدیث شماره ۶۷

جمعه مبارک

سلام عزیزان

مسلمانان متعهد به اسلام عزیز اسلام که به ما علم و اخلاق آموخت. اسلام که ما را هویت فرهنگی بخشید و اسلام که ادب زندگی کردن مدنی را آموخت، در ماه شعبان قرار داریم و ماه شعبان هم از ماه های مبارک است که درین ماه نظر به اعتقاد ما مسلمانان رزق و روزی ما تعیین می شود و ماه عبادت و استغفار است. ماه آمادگی برای رمضان است. در ماه شعبان، شب برات است. شب که عبادت خدا بسیار ثواب دارد و در پانزدهم ماه شعبان است. بسیار ثواب دارد که اگر بتوانید درین ماه شعبان روزه بگیرید. این ماه استغفار و توبه و ایجابت دعاست. در منابع سنی و شیعه، شعبان روایات زیادی از فضیلت این ماه و شب برات آمده است و ما را به خداوند نزدیک تر می سازد. این روز هایی است که ما باید به گذشتگان خود خاص دعا کنیم زیرا روز و شب مغفرت است. حدیث از حضرت رسول کریم (ص) داریم که فرموده است که: "شعبان از من است" و از عایشه (رض) روایت است که پیامبر (ص) در کنار رمضان، ماه را که زیادترین روزه را می گرفت شعبان بود.

بزرگان اسلام در مورد شب برات مانند ابو ریحان بیرونی گفته است که روز های سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم ماه شعبان روز های البیض یعنی روشنی نام دارد و شب پانزدهم شب بزرگ است. حافظ، شاعر توانای شعر و ادب فارسی در مورد شعبان گفته است:

ماه شعبان منزه از دست قرح کاین خورشید
از نظر ما شب عید رمضان خواهد شد

عزیزان من

از نگاه انتروپولوژی یا بشر شناسی فرهنگی، این روز و شب ها زیبایی های فرهنگ ماست و نادیده نگیرید. همین مسائل است که فرهنگ ما را دلچسپ می سازد. هیچ عیب ندارد که درین یکی دو روز به سر خاک مادر و پدرتان که شاید ماه ها نسبت مصروفیت نه رفته اید بروید و دعا کنید. چه عیب است که درین روز ها سوره یس را تلاوت کنیم. چه عیب است که درین روز ها به یک خواهر و برادر که به کمک و احتیاج دارند کمک کنیم حتی که ناچیز باشد.

جمعه مبارک

هفدهم ماه مارچ ۲۰۲۲

حدیث شماره ۶۸

جمعه مبارک

سلام عزیزان

بسیار جای تأسف است که طالبان مکاتب دختران را به خاطر که در جامعه فساد نباشد مسدود کردند. طالبان مرتکب نه تنها بدنامی اسلام بلکه ظلم شده اند زیرا بنای دین اسلام آموزش و پرورش است و طالبان طبقه نسوان را از حق شرعی شان محروم کرده اند و این نابخشودنی است. تعجب می کنم که یک عده گروه های سیاسی که خودشان اندیشه سالم اسلامی ندارند هنوز هم میخواهند با این گروه جاهل تفاهم کنند. خلاف شریعت اسلام است که یک گروه جاهل و ظالم به قدرت باشد و یا با ایشان تفاهم کرد. برعکس قرآن به ما دستور میدهد که از جاهل روی بگردان. علمای کرام گفته اند که با احمق داد و معامله نداشته باشید. اینها مطلق احمق هستند.

قرآن مجید می گوید "وقل رب زدنی علما" یعنی الهها بر علم من بیفزای. این آیه مبارک برای مرد و زن گفته شده است و حضرت رسول اکرم (ص) فرموده است که: آموختن علم برای مرد و زن مسلمان فرض است. در متون دینی خود میخوانیم که وقتی مردم سوال میداشتند به بی بی عایشه صدیقه (رض) رجوع میکردند زیرا بی بی عایشه (رض) یک فقهی بود. بی بی عایشه نه تنها که قرآن مجید را از بر داشت یک زن ادیب بود و شعر میگفت. از زبان بی بی عایشه روایت شده است که در بین زنان از بی بی فاطمه (رض) دانشمندتر ندیدم. بی بی زینب (رض) اولین مکتب نسوان را بنا کرد و اولین دانشگاه با لیلیه توسط یک بانوی مسلمان به نام فاطمه الفهری در سال ۸۴۱ میلادی بنا یافت و این محقق آن دانشگاه را در مملکت المغرب (مراکش) رفتم و دیدم. زنان در اسلام به معراج ولایت رسیده اند و ما زندگینامه رابعه عدویه را در کتاب مشهور تذکره الاولیا اثر بی همتای شیخ فرید

الدین عطار نیشاپوری میخوانیم. در مذهب امام ابوحنیفه چون بی بی عایشه صدیقه (رض) در مدینه یک فقهی بود، زنان حق دارند که قاضی القضاات شوند. دیگر فقها به شمول فقه جعفری این امتیاز به زنان نداده است و دلیل قانع کننده هم ندارند.

بی بی خدیجه کبرا همسر پیامبر اسلام یک تاجر پیشه بود. به هر حال، از مسائل قضاوت و تجارت و کار زن که همه مجاز است بگذریم آموزش و پرورش زن مسلمان حق مشروع بانوان است و تعدی این حق ظلم شمرده می شود. عملکرد طالبان مخالف شرع اسلام، مدنیت اسلام و عدالت اسلام است و این ظلم است و از دید و بینش قرآن ظلم برابر با شرک است.

مرد و زن از نفس واحد خلق شده است و در جامعه از نگاه مدنی حقوق مدنی دارند. مردان هم می توانند فساد تولید کنند و بدبختی افغانستان زیاد تر از بابت حماقت های مردان است نه زنان.

جمعه مبارک

۲۴ مارچ ۲۰۲۲

حدیث شماره ۶۹

جمعه مبارک

سلام عزیزان

هفته ای که گذشت جشنواره جوایز مشهور اوسکار Oscar که یکی از مشهور ترین جشنواره های هنرمندان آمریکایی است و در بخش های مختلف هنری از هنرمندان قدردانی صورت میگیرد، برگزار گردید.

یکی از گردندگان روی صحنه یا مهماندار روی ستیژ، امسال، Chris Rock کمیدین مشهور که سیاه پوست هم است حضور داشت.

خوب، کمیدین ها فکر می کنند که هر فکاهی که بگویند و یا مردم را نشانه گیری کنند و یک چیزی در مورد شان بگویند، درست است که این یک تصور غلط و باطل است.

آقای راک در مورد همسر یک هنرمند مشهور William Smith که او هم سیاه پوست است یک شوخی کرد. این شوخی سر ویلیام در مورد همسرش بد خورد و راسا روی ستیژ رفت و یک سیلی محکم به روی راک کوبید و برگشت به جای خود نشست و با عصبانیت به راک گفت که هرگز کوشش نکن که در مورد همسرش چیزی بگویی.

در اسلام سه نوع روابط است:

Theo-ethics

Psycho-ethics

Socio-ethics

یعنی رابطه ی اخلاقی شما با خدا چنانچه چند روز بعد رمضان است و این یک رابطه خصوصی شما با خداست. به کسی دیگر مربوط نیست که شما روزه میگیرید یا نمیگیرید.

رابطه ی اخلاقی شما با خودتان است. طور مثال نماز می خوانید یا نه می خوانید مربوط شما می شود. خدا به نماز شما احتیاج ندارد.

و رابطه ی اخلاقی شما با مردم که در جشنواره اوسکار اتفاق افتاد. درین بخش شما مسئولیت اخلاقی در مورد مردم دارید. ما این موضوع را از دید و بینش اسلامی خود مورد قضاوت قرار میدهیم. درین خبر سازی مشهور که امسال در اوسکار اتفاق افتاد رابطه با مردم مطرح شد و موسسات مربوط زیادتیر و بلیام را ملامت کردند زیرا برخاست و مردک را سیلی زد. از دید و بینش ما مسلمانان هر دو مقصر هستند و اول آقای راک مقصر بود زیرا با همسر او شوخی کرد. حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که: "مزاح مکن که رونقت بپرد و دروغ مگو که روشنیت برود."

در فرهنگ ما طنز و فکاهی و شوخی های که در چارچوب اخلاق باشد مجاز است و اساساً همین طنزها و فکاهی ها یک فرهنگ را بسیار غنی می سازد و اما در اسلام اجازه نیست که کسی یک شخص را مسخره کند و یا سخن گوید که احساسات شخص را جریحه دار سازد و یا سخن او توهین آمیز باشد. با دوستان نزدیک که می شناسید و سالها رابطه دارید یا اعضای خانواده شوخی درست است و اما نه با دیگران.

آقای و بلیام هم حوصله نکرد و به جای اینکه بعد از محفل به راک عرض حال کند در مقابل مردم او را سیلی محکم زد. رسول اکرم (ص) می فرماید که: "مؤمن آن است که مردم از دست و زبانش در امان باشد."

اینجا و بلیام هم از دید ما مسلمانان مقصر است.

از داستان اوسکار ۲۰۲۲ ما چند مطلب مهم را می آموزیم:

اول شوخی و مزاح با مردم بطور نشانی شده و هدفمند خلاف اخلاق است.

دوم اهانت مردم که و بلیام کرد خلاف اخلاق و فرهنگ اسلامی

ماست.

سوم که برای هنرمندان ما آموزنده است اخلاق هنری، پیشامد سالم و هر چیز که هنرمند می کند خواه کمیدین باشد خواه نوازنده باشد نباید او را سبک سازد.

همچنان یک چالش دانشمندان اسلامی همین است که چگونه مسائل روز را که اتفاق می افتد با قرآن و حدیث مطابقت دهند و برای مردم خود یک زندگی مدنی را بیاموزانند که متأسفانه این کار را در مساجد قطعاً نه می کنند. وقتی قرآن و حدیث و سنت در زندگی روزمره تحلیل و تفسیر نشود مردم فکر میکنند که قرآن و حدیث به زندگی روزمره ارتباطی ندارد و از اسلام دلسرد می شوند. اینکه امروز مسلمانان از اسلام فهم درست ندارند مشکل ملا امام و دانشمندان اسلامی است که تنویر درست را از نگاه مسلک آموزش و پرورش نیاموخته اند و قادر نیستند مردم را در سطح Socio-ethics رهنمایی کنند.

جمعه مبارک

پنجشنبه ۳۱ مارچ ۲۰۲۲

حدیث شماره ۷۰

جمعه مبارک

سلام عزیزان

الحمدلله در ماه مبارک رمضان هستیم. ماه که حق از باطل تفکیک شد و درین ماه روزه را برای آنانیکه به قرآن ایمان آورده اند مقرر کرد تا رستگار شوند. سبحان الله، این خود یک رحمت است که به ما ارزانی داشته است. یکی از رستگاری های بزرگ امانتداری است و بزرگترین امانت نزد اهل ایمان دین است. اما امانتداری در دین این نیست که شما نماز بخوانید یا روزه بگیرید و یا حج بروید. خداوند به نماز و روزه و حج من و تو احتیاج ندارد. روزه بگیری یا نگیری او از خدایی خلاص نمیشود. دین از طرف خدا برای مردم است. وقتی ما به مردم خیانت می کنیم اساساً به دین خیانت کرده ایم. کمونیستان و مارکسیست ها و ملحدین چرا منفور خدا و مردم هستند برای اینکه به دین خدا خیانت کردند. به یاد دارید که مردم بیگناه در زندان پلچرخی چه حال داشتند بعد از کودتا ننگین هفت ثور؟ خیانت به دین از بی ایمانی سر می زند. رسول اکرم (ص) فرموده است که: ” هر که امانت ندارد ایمان ندارد“ و قسمیکه گفتیم بزرگترین امانت نزد مردم دین است. وقتی مردم از حقوق حقه انسانی مثل آزادی، آموزش و پرورش که امروز طالبان برای دختران نقض کرده اند، آزادی بیان که کمونیستان و طالبان نقض کردند، آزادی سفر که کمونیستان و طالبان نقض کرده اند، همه خیانت به دین است. هرگاهی که چیزی را که خدا بر مردم روا دانسته و مردم محروم می شوند خیانت به دین رخ داده است. جالب است که کمونیست و طالب هر دو در بسیار نقاط وجه مشترک دارند زیرا اینها پیرو ایدئولوژی های خود ساخته هستند که مغایر طبیعت انسان و مغایر حقوق بشر اسلامی و بین المللی است. خیانت به دین کفر است و چرا کفر این همه نزد خدا در قرآن منفور است و محکوم

شده است و آتش جهنم برای کافر ملحد وعده داده شده است؟ برای اینکه کافر و ملحد به خلقت خدا خیانت می کند. همه جهان هستی از خدا و ملکیت خداست و اما ملحد چون خالق را نه می شناسد به ملکیت او خیانت می کند. چون از دید و بینش توحید همان جهان هستی دین است، به دین خیانت می کنند. لینن ملحد و پیرو خائن او استالین چند نفر را کشت؟ سه ملیون نفر! این خیانت به دین است. خیانت به دین آنست که مردم به مردم خیانت کنند چه مسلمان باشد مانند طالب و چه ملحد باشد مانند پرچمیان و خلقیان که یک عده شان امروز در کنار طالبان جای گرفته اند. مجاهدین که کابل را تکه تکه کردند اینها به دین خیانت کردند. خیانت به دین یعنی نقض حقوق بشر. درین ماه رمضان ما باید در دعای خود همیشه داشته باشیم که الهی از کفر و شرک و الحاد ما را به دور داشته باشی و ما را از ارتکاب خیانت به دین مصون داشته باشی زیرا خیانت به دین گناه نا بخشودنی است.

جمعه مبارک

پنجشنبه هفتم اپریل ۲۰۲۲

حدیث شماره ۷۱

جمعه مبارک

سلام عزیزان

ماه رمضان، ماه است که انسان عاقل به خود می آید و از موجودیت خود درین جهان هستی سوال می کند. نقش خودش را درین جهان بیکران که چرا آمده است و به کجا می رود، تثبیت می کند. این ماه، ماه خودشناسی است. ماه خود سازی است که این فرصت بزرگ مهیا شده است تا خود را اصلاح کنیم و یک انسان بهتر باشیم و مهمتر اینکه انسان موجودیت خود را درین جهان درک کنیم و یک موجود توحیدی باشیم. با کفر و الحاد از درون خود و با نفس خود مبارزه کنیم و نگذاریم افکار باطل و فاسد و فاسق در مغز ما جای گیرد. با اسارت فکری که مخالفین میخواهند ما لاله الا لله نگوییم، مبارزه کنیم و عقل و فکر و ذهن خود را از هرگونه اسارت نجات دهیم و تنها به فکر خالق خود باشیم. برای خود دعا کنیم زیرا بزرگترین دعا، دعای است که برای خود می کنیم. خداوند به روزه ما نیازمند نیست و اما ما روزه میگیریم که همه آلودگی های فکری و باطنی و ذهنی خود را پاک کنیم. این سی روز که ده اول آن ده رحمت است و ده دوم آن ده مغفرت و ده سوم آن هدایت است بدون دعا نه می توان کمایی کرد زیرا رسول اکرم (ص) فرموده است که: "دعا مغز عبادت است." دعای مؤمن در ماه رمضان از دعا های است که زندگی ساز است. حضرت رسول اکرم فرموده است که: "دعای روزه دار رد نمیشود" و اما روزه داری که از غیبت و سخن چینی و دروغ اجتناب کند در غیر آن نه دعا قبول می شود و نه روزه زیرا روزه در اثر غیبت و سخن دروغ گفتن و سخن چینی می شکند و قابل قبول نیست. ما در ده مغفرت قرار داریم و چه زیباست مغفرت الهی. بعد از مغفرت است که ما هدایت شده می باشیم. وقتی گناهان بخشیده شد و انسان از همه آلودگی ها پاک شد، در هدایت باز

میشود. این هدایت شناخت توحید و یگانگی خدا و جهان هستی است که تو در آن شناور هستی. با روزه تو، دوباره تولد می شوی زیرا تجدید حیات معنوی و روحی و عقلانی می کنی. به خود می آیی و خودت را می شناسی زیرا برای این روزه گرفتی که ایمان خود را به خود ثابت کنی. پس روزه به تو شناسایی و معرفت میدهد. چه معرفتی! که منحیث خلیفه خدا درین جهان بیکران حقیقت بزرگ را می شناسی که خدا یکی است، انسان یک انسان است، جهان هستی یک جهان بیکران است و علم یک علم است و همه به خدا می رسد و توحید همین است. بدون شناخت توحید معرفت حاصل نشود.

جمعه مبارک

پنجشنبه چهاردهم اپریل ۲۰۲۲

حدیث شماره ۷۲

جمعه مبارک

سلام عزیزان

یکی از مسائل دین تخنیکی که علما از خود کشیدند واژه "عقل و نقل" است. اصل معنی "عقل و نقل" بطور عام فهم بگوییم این است که مجتهد به اساس کتاب و سنت و در صورت لزوم عقل خود رای خود را می دهد. اما مردم عادی این موضوع را مطلق به اشتباه دانسته اند و چنین تصور می کنند که هیچ کس از خود چیزی گفته نه می تواند و مسائل همانطوریکه در قرآن و سنت است باید قبول کند. وهابی های خائن دین و سلفی های نادان که همراهی پطرو دالر جهان را به تباهی کشانده اند ازین واژه ساختگی انسانی شدید سوء استفاده کردند و مردم را چنان فهمانده اند که هیچ کس از خود چیزی گفته نه می تواند و همان مطالب که در قرآن و حدیث است باید قبول کرد در غیر آن مردم که از خود می نویسند و می گویند باید با ایشان مجادله کرد. چند سال قبل در یک تلویزیون افغانستانی هم یکی از مذهبیون که خودش تحقیق نه می کند و دین را کورکورانه قبول کرده است همین مطلب را گفت که هیچ کس از خود چیزی گفته نه می تواند. در حالیکه قرآن از خود تفسیر دارد. تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر قرآن به حدیث ثقه نه جعلی، تفسیر قرآن به روایت تاریخ و تفسیر قرآن به علم امروز. و یا امروز ثابت شده است که در مجموعه های احادیث شیعیه و سنی خرافات و احادیث جعلی زیاد است. شخص امی تعقل نه می کند و موضوعات را همانطوریکه برایش گفته اند قبول کرده است بدون اینکه عقل خود را به کار اندازد و این مسئله باعث پسمانی فکری و ذهنی مسلمانان شده است. جالب این است که تا عقل یک مطلب را درست قبول نکند قبول آن مطلق نادرست است زیرا دین بدون تعقل قبول نمیشود و قرآن می گوید "و افلا تعقلون" یعنی مگر تعقل نه می کنید. متأسفانه فهم غلط مسله "عقل و نقل" در اسلام باعث استثمار فکری شده است و این یک جنایت بشری است و دکانداران دین برای اینکه

مردم را استثمار کرده باشند دهن مردم را بسته اند که هیچ کس حق ندارد در مورد دین سخن گوید به جز خودشان. اصل موضوع اصلی ما درین جمعه اهمیت عقل در اسلام است که زیاد تر از پنجاه حدیث درین مورد گزارش داده شده است و علمای کرام و مفسرین بزرگوار اسلام درین مورد سخنان واقعاً افتخار آمیز دارند. اول از حضرت رسول اکرم (ص) برای اینکه شرعی شود سه حدیث را نقل قول می کنیم. آن حضرت (ص) فرموده است که: "خداوند مؤمن را که عقل ندارد، دشمن دارد" در یک فرموده دیگر آن حضرت (ص) میخوانیم که "همه خوبیها را به عقل می توان دریافت و هر که عقل ندارد دین ندارد" و در حدیث سومی که مشابهت به حدیث دومی که نقل قول کردیم دارد، فرمود که "دین مرد عقل اوست و کسی که عقل ندارد دین ندارد."

در متون شیعه میخوانیم که پیامبر (ص) به علی (رض) گفت: "ای علی! عقل چیزی است که با آن بهشت و خشنودی خداوند مهربان به دست می آید."

امام غزالی علیه الرحمه در کتاب احیاء علوم الدین هزار سال قبل نوشته است که "عقل جوهر انسانیت است." پیر طریقت خواجه عبدالله انصاری علیه الرحمه بسیار زیبا گفته است که: "الهی آنرا که عقل دادی چه ندادی و آنرا که عقل ندادی چه دادی؟"

امروز از چپ و راست میخواهند به نام دین و سنت و عقل و نقل مردم را استثمار کنند تا دین در انحصار خودشان باشد و شکم های سیر باشد و مردم مانند گوسفند ایشان را تعقیب کنند. عزیز من تو خودت مسؤل اعمال و گفتار و کردار خود هستی. پس هرگز نخواه که استثمار شوی زیرا دین آمد تا تو را از هرگونه اسارت مخصوصاً اسارت فکری نجات دهد و جنگ بدر به خاطر آزادی از اسارت فکری به پا خواست.

جمعه مبارک

پنجشنبه ۲۱ اپریل ۲۰۲۲

حدیث شماره ۷۳

جمعه مبارک

سلام عزیزان

با رویت مهتاب ماه نو آغاز می شود.

مسلمانان اولین مردم بودند که علم نجوم را بنیان گذاشتند و رصد خانه ها ساختند. متأسفانه بعد از قرن سیزدهم دنبال علم و معرفت را رها کردند و جهان اسلام به عقب‌گری سوق داده شد و جای علم و معرفت را خرافات، تعصب و تبعیض و تنگ نظری گرفت و تا امروز دوام دارد. قرآن مجید می گوید "قد احاط بكل شی علما" یعنی هر چیز احاطه علمی دارد. پس رویت ماه را باید در اخیر این هفته که عید آمدنی است بررسی کنیم.

سه نوع رویت مهتاب وجود دارد:

اول Universal یا جهانی - امروز تلیسکوپ های فوق العاده قوی وجود دارد که مهتاب را در یک کنج دنیا مشاهده می کند و می توان اعلان کرد که ماه نو شد.

دوم Regional یا منطقوی است- که مهتاب در یک بخش از جهان دیده می شود و ماه نو اعلان می شود.

سوم Local یا محلی است- که در یک شهر یا قریه مردم ماه نو را می بینند و به مردم اطلاع میدهند. در اسلام دو نفر اگر هلال ماه را در بخش محلی می بینند درست است.

از نگاه علم نجوم ماه نو یا New Moon یک تاوه مطلق سیاه است. برای اینکه هلال شود باید اقل ۲۴ ساعت سپری شود. امسال یعنی اپریل ۲۰۲۲، سی ام اپریل ماه نو است. حد اقل ۲۴ ساعت که سپری گردد می شود شام روز یکشنبه. یعنی شام روز یکشنبه از نگاه رویت جهانی ماه هلال می شود و باید عید سعید فطر امسال روز دوشنبه دوم ماه می ۲۰۲۲ باشد.

امسال، عید سعید فطر برابر به کسوف یا خورشید گرفتگی است. قبل از اسلام مردم از خسوف و کسوف شگون بد داشتند و مطالب غیر علمی می گفتند مثلاً اگر یک طفل در ایام خسوف و یا کسوف تولد می شد به فال نیک نه می گرفتند. اما اسلام با خرافات مبارزه کرد و پیامبر اکرم (ص) فرمود: "همه عقاید جاهلی و خرافی نابود شده و زیر پای من قرار گرفته است." (اسلام و حقوق بشر اثر زین العابدین قربانی صفحه ۲۴۸). و فرمود که ماه و خورشید از نشانه های الهی است و خسوف و کسوف هیچ ربطی به تولد ندارد و هرگاهی کسوف و خسوف را دیدید به نماز بشتابید.

طاعات و عبادات قبول درگاه حق باشد و عید سعید فطر را پیش از پیش به شما عزیزان تبریک عرض می کنم.

جمعه مبارک

پنجشنبه ۲۸ اپریل ۲۰۲۲

حدیث شماره ۷۴

جمعه مبارک

سلام عزیزان

یکی از شوق های من در زندگی نماز خواندن در مساجد کلاسیک جهان اسلام است. و چون قرآن می گوید قل سیروا فی الارض یعنی به زمین خدا سفر کنید من بعد از ادای حج سالها قبل تصمیم گرفتم تا در مساجد چندین ساله و کلاسیک جهان اسلام که قدامت چندین ساله داشته باشد در کشور های اسلامی سفر کنم و نماز بخوانم. مساجد قدیم بسیار با عظمت و اما نسبتا ساده بنا شده است و زیبایی های این مساجد مانند مسجد جامع دهلی که در عصر شاهان مغولی هند آباد شده و یا مسجد اقصی در فلسطین با عظمت است و اما ساده است. هدف این نوشتار در مقایسه آبدات اسلامی نیست بلکه از نگاه انتروپولوژی فرهنگی نه تنها که هنر معماری اسلامی یک عصر را نشان میدهد نمایانگر دیانت ذوق و سلیقه مردم و حتی گرویده بودن شان و تعهد شان به دین هم بوده است. طور مثال در کشور اسپانیه در بخش اسلامی آن که آندلس یاد می شود در یک رستوران قدیمی که در عصر مسلمانان بنا شده است یک شکل تزینی در مدخل خروجی رستوران ساخته شده است و در بالای آن معمار نوشته است یا علی! بسیار ساده و اما فوق العاده زیبا.

وقتی تاریخ امپراطوری های اسلامی را مطالعه می کنیم می بینیم که به همان اندازه که جنجال ها وجود داشته است به همان اندازه مردم به دین و دیانت خود بسیار قوی و با تعهد بودند و اما امروز مساجد جدید که ساخته می شود زینت آن بسیار زیاد است و اما مردم بسیار در مقابل اسلام بی تفاوت هستند. امروز ما دیگر یک امپراطوری بزرگ اسلامی نداریم. مردم مسلمان مساجد زینتی دارند و اما دیانت شان برابر به زینت مساجد شان نیست. فقر، بیسوادی، ظلم و بدبختی جهان اسلام را منحصیث یک مدنیت

به انقراض سوق داده است. حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که: "چون عمل گروهی بد شود مساجد خود را زینت کنند." راستی امروز مسجد ما بسیار پر زرق و برق است و اما بیرون از مسجد فقر و بدبختی داد می زند. ظلم طالبان را مشاهده کنید که از انسانیت و حقوق بشر اسلامی که در سال ۱۹۸۱ در پاریس توسط سران دول اسلامی به امضاء رسید قطعاً خبر ندارند. مساجد زیبا را در عربستان سعودی ببینید و در کنار آن جهالت آل سعود را ببینید. مسجد حسن الثانی را در مراکش ببینید و بدبختی مردم را در کنار آن تماشا کنید. ازین مثال ها در جهان اسلام زیاد است. وقت آن رسیده است که به جای مساجد زیبا ما دلسوزی به فقر و بیسوادی و بیماری و بیکاری و بی سرنوشتی در کشور های اسلامی پردازیم. امروز استثمار و استعمار و اشغال و همه فلاکت های روزگار گریبانگیر ما شده است. حدیث فوق بسیار بیدار کننده است اگر واقعاً ما دین خود را دوست داریم.

جمعه مبارک

پنجشنبه پنجم ماه می ۲۰۲۲

حدیث شماره ۷۵

جمعه مبارک

سلام عزیزان

افغانستان درین ۹ ماه اخیر صاحب یک حکومت غیر مشروع که نه از جانب‌داری مردم کشور و نه از جانب‌داری جامعہ بین‌المللی و نه از جانب‌داری کشور های مسلمان برخوردار است، قدرت را به نام اسلام غصب کرده است و کشور از حالت فساد، اختناق اداری و رشوه ستانی و قوم پرستی یک درجه دیگر پایین تر رفت و دیکتاتوری به نام دین هم اضافه شد که دین اسلام در سطح بین‌المللی بسیار بد نام گردید. مردم دنیا روز به روز پیشرفت می‌کنند و مردم افغانستان روز به روز پسرفت می‌کنند که این در عصر ساینس و تکنالوژی و حقوق مدنی مساوی بسیار مضحک و شرم آور است. مخصوصاً که یک عده پشتون‌ها مانند تلویزیون پیام افغان در آمریکا از این تحجر و عقب‌گرایی و آدم‌کشی طرفداری می‌کنند.

اخیراً طالبان یک عده مردم بی‌سلاح را تیر باران کردند. زنان را به زور می‌خواهند حجاب بی‌پوشند در حالیکه نظر به آیه لا اکره فی الدین، دین سر مردم تحمیل نمیشود. وقتی مسلمان مغایر دین رویه کند مرتکب ظلم می‌شود. امروز در افغانستان نه ناموس مردم نه خون مردم نه مال مردم نه عزت مردم هیچ چیز مصون نیست. جالب است که با این همه ظلم و ستم یک عده ازین نظام فاسد و ظالم دفاع میکنند در حالیکه می‌دانند مردم مصون نیست. فقر داد می‌زند. یک عده دیگر که از خود نه اندیشه اسلامی و نه سیاسی دارند می‌خواهند با طالبان مفاهمه کنند. دین اسلام تدریس می‌کند که به ظالم و جاهل تفاهم نکنید. آیا تفاهم با کردن با یک گروه متحجر که مردم بیگناه را تیر باران می‌کنند درست است؟ آیا تفاهم با مردم که دست زنان را از کار گرفته درست است؟ آیا مردم به فقر زندگی می‌

کند و رهبر طالبان می گوید ما برای نان دادن مردم نیامده ایم این مسئولیت پذیری سیاسی است؟ دختران از تحصیل محروم شده اند این کار درست است؟ زندگی مردم از هیچ نگاه مصون نیست. حضرت رسول اکرم (ص) فرموده است: "مؤمن آن است که مردم او را به جان و مال و خون خویش امین شمارند." امروز نه خون مردم مصون است نه جان مردم و نه مال مردم. در کابل یک گفته داشتیم که آفتاب به دو انگشت پنهان نمیشود. هر روز ویدیوی که پخش می شود چه فقر مردم است و چه ظلم است و چه بی عدالتی است جگر انسان پاره می شود و هنوز هم میخواهند تفاهم کنند و میخواهند در انسان کشی سهیم باشند.

من درین نوشتار از حق آزادی قلم و گفتار که برای من قانون این کشور ارزانی داشته واضح بیان می دارم آنهایکه با طالبان همکاری می کنند، تفاهم می کنند و آزادی مردم و کرامت مردم را مصالحه می کنند اینها برای گرفتن قدرت میخواهند سرمایه گذاری کنند نه آزادی افغانستان از چنگ یک گروه وحشی و جاهل.

جمعه مبارک

پنجشنبه دوازدهم ماه مه ۲۰۲۲

حدیث شماره ۷۶

جمعه مبارک

سلام عزیزان

حدیث مانند قرآن مجید تفسیر نمیشود زیرا حدیث سخن یک انسان است و اما قرآن به آیه است. آیه یعنی راز، سمبول و پدیده معنی میدهد. حدیث می تواند از یک زبان به یک زبان دیگر ترجمه شود و اما مانند قرآن تفسیر نمیشود. وجه مشترک قرآن مجید و حدیث این است که می تواند نظر به ایجابات عصر تفسیر شود مشروط بر اینکه مسلمان از دانش علوم امروزی برخوردار باشد. زیرا قرآن علم است و حدیث درست که مظهر قرآن است هم علم است. اما حدیث ثقه نه جعلی. حدیث گویای واقعی قرآن مجید و یا علم امروزی است. حدیث را اگر از ذهن خود تفسیر کنیم یک اشتباه بزرگ است زیرا ما نیت پیامبر اکرم (ص) را ندانسته در مورد سخن او ابراز نظر می کنیم. مثلاً حدیث پیامبر است که از گهواره تا گور دانش آموز. حالا ما نه می توانیم بگوییم که نیت پیامبر تنها علم قرآن بوده باشد. شاید همه علوم بوده باشد. یعنی ما در سخن پیامبر حدس زده نه می توانیم. اما قسمیکه گفتیم حدیث هم به اساس ساینس امروزی اگر دقت شود برای ما بسیاری مسائل را روشن می سازد.

در جامعه شناسی یک مبحث است زیر عنوان Functionalism این واژه را می توانیم کاربردی ترجمه کنیم. مثلاً یک بیمارستان بسیار مجهز ساخته شده است و اما اگر داکتران نباشد بیمارستان نمی تواند مصدر خدمت شود. یا همین بیمارستان مجهز اگر پرستار نباشد نمی تواند فعال باشد. یعنی از نگاه علم Functionalism همه نظام به همه یک بافت دارد و بدون یک دیگر نمی تواند فعال باشد و یا مصدر خدمت شود. پس در یک سیستم یا نظام باید همه دست به دست هم دهند تا جامعه به دوران کاری خود فعال شود. همه برای همه کار میکنند. در جامعه باید همه شغل ها در

کنار هم باشد که جامعه بطور بسیار آرام و اصولی فعال باشد. دکاندار، نجار، برقی، معلم، بانکدار، پولیس، داکتر طب و غیره همه در کنار هم خدمت می کنند و کار میکنند و نفقه آورنده هستند و به گفته لورتین کینگ فقید رهبر سیاهپوستان آمریکا، هر کار شریف است وقتی به نفع جامعه باشد. حضرت رسول کریم (ص) فرموده است:

”بگذارید خداوند بعضی مردم را بوسیله بعضی دیگر روزی دهد“ یعنی همه در کنار هم کار و فعالیت کنند. ما حدیث را درین جا تحلیل و تفسیر نکردیم بلکه اهمیت حدیث را در رابطه به علوم امروزی پیشکش کردیم. اما اگر یک حدیث تحلیل و تفسیر از ذهن یک انسان دیگر می شود در حالیکه نیت پیامبر را قسمیکه گفتیم ندانسته است درین جا ذهن شخص محدث مطرح می شود نه اینکه پیامبر (ص) گفته باشد. بگذار همه برای هم کار کنند و روزی بخورند گویای یک حقیقت علمی یا Functionalism است و تعجب آور است که چهارده صد سال قبل حضرت محمد (ص) به این موضوع علمی جامعه شناسی تماس گرفته است.

جمعه مبارک

پنجشنبه ۱۹ ماه مه ۲۰۲۲

حدیث شماره ۷۷

جمعه مبارک

سلام عزیزان

یکی از اساسات عمده ای زندگی مسلمانان همکاری و دست همدیگر را در امور خیر گرفتن است. آیه قرانی همکاری "تعاون" است.

۹ ماه از اسارت افغانستان میگذرد و هر روز تقبیح کردن است، در تلویزیون ها رفتن و مصاحبه کردن است و طالبان را محکوم کردن است و اما همکاری بین گروه های مخالف وجود ندارد. حزب و حزب بازی روحیه تعاون را بسیار ضعیف می سازد و از بین می برد چنانچه از بین برده است. یک دلیل که حزب و حزب بازی در جامعه اسلامی نفی شده است برای همین دلیل است که نفاق و عدم همکاری را دامن می زند. آیه احزاب، هدف آن حزب سیاسی نیست. بر عکس هدف آن رستگاری و خدا پرستی در راه خداست نه حزب سیاسی. حزب سیاسی که نام اسلام را میگیرد معنی آن این است که آنها از دیگران مسلمان تر هستند و این خود گناه است که یک شخص با گروه خود را بلند تر از دیگران بداند. حتی قرآن در رابطه به حزب، از حزب شیطان هشدار میدهد.

امروز در افغانستان گروه های سیاسی و مدنی زیاد هستند و اما چون حس همکاری مرده است هر کس دول خود را می زند که گروه آنها خوبتر معضله افغانستان را حل کرده می تواند و اما خوب که دقت کنی اگر به نام اسلام است، توقع دارند که سبک اسلام آنها را قبول کنی و اگر اسلام نیست خود شان سردرگم هستند که چه کنند. از زمان COVID-19 به اینسو **اقتلا** پنجاه کنفرانس و صد ها صحبت های تلویزیونی از طریق سیستم زوم صورت گرفته است و از وزیر گرفته تا نماینده و سفیر و غیره با القاب بزرگ دور هم جمع می شوند بدون اینکه اندیشه داشته باشند و یا راه حل را بدانند. محکوم میکنند که حالت موجوده درست نیست و اما راه حل را نمیدانند. آنها یک بستیگی های با

آمریکا دارند عار میدانند که نام اسلام را بگیرند زیرا اگر نام اسلام را بگیرند کمک‌ها برای نهاد‌های شان قطع می‌شود.

حضرت رسول کریم فرموده است: ”مردم همیشه در خیر خواهند بود تا وقتی که در نیکی و پرهیزگاری یکدیگر را یاری می‌رسانند.“ امروز ما به همدیگر یاری نه می‌کنیم. اسلام را نادیده می‌گیریم. خدا را در امور خود فراموش کردیم. تنها یاد داریم که ریش داشته باشیم و نماز بخوانیم (کسانیکه میخوانند)، اما نماز “روبات” و بدون هدف. اینکه چطور حل مسائل کنیم نمیدانند. یک عده بسیار بیشرمانه از طالبان دفاع می‌کنند و یک عده بدون اینکه یک نسخه برای نجات افغانستان داشته باشند میخواهند مفاهمه کنند. در حالیکه دین به ما می‌گوید که با جاهل و نادان نه جانب‌داری درست است و نه مفاهمه.

ما همه باید در مورد افغانستان آزاد و بدون استثمار همدست شویم و همکاری کنیم اگر میخواهیم که مردم از اسارت آزاد شوند.

جمعه مبارک

پنجشنبه ۲۶ ماه می ۲۰۲۲

حدیث شماره ۷۸

جمعه مبارک

سلام عزیزان

یکسال قبل یک جوان آمریکایی فوت کرد و یکی از دوستان او از من خواهش کرد تا یک متن به انگلیسی بنویسم و مرگ را در اسلام تشریح کنم. خوب، یک متن تهیه شد که فعلاً در سایت من است و می توانید مطالعه کنید.

امروز اطلاع یافتیم که یک جوان افغانستانی فوت کرده است و لازم دانستم تا به فارسی چند نکته بنویسم.

اول اینکه مرگ یکی از رازهای خداوند است که نه علم و نه ساینس ثبوت کرده می تواند که دقیقاً چه وقت یک انسان این جهان فانی را ترک می کند. ما نه می دانیم که چه زمان، در کجا، به کدام حالت چنانچه رهبر یک گروه مذهبی که خودش را مسلمان میگفت و از روی ادب اسلامی نام نمیگیرم در بیت الخلا فوت کرد! به کدام سن و سال این جهان را ترک می کنیم. مرگ پیر و جوان، ثروتمند و مستمند، زبان و نژاد و رنگ و پوست و ملیت نه می شناسد. همه میمیرند. کل نفس ذائقه الموت. هر کسی که درین دنیا آمده است ذایقه مرگ را می چشد. جالب این است که من حیث مسلمان می دانیم که از پیش خدا آمده ایم و پیش خدا می رویم یعنی انا لله و انا الیه راجعون و اما آمدن نوزاد را جشن میگیریم و رفتن او را ماتم می کنیم در حالیکه خوب میدانیم که ما همه درین جهان هستی برای یک دیگر یک امانت هستیم. اولاد به والدین یک امانت است. زن به شوهر و شوهر به زن. برادر به برادر و خواهر به خواهر. دوست به دوست، همه و همه امانت خدا هستیم و باید از همدیگر خوب غمخوریشی کنیم زیرا این امانات خدا روزی پیش ما نخواهد بود. ما می دانیم که مرگ سن و سال ندارد و اما چنین تصور می کنیم که باید جوان نمیرد و اگر پیر بمیرد وقتش بود در حالیکه وقت و زمان رفتن به

پیری و جوانی تعلق ندارد. اگر ما فکر کنیم که پیر خیر است که بمیرد و جوان نمیرد پس العیاذ بالله خدا فاشیست است! درست است که رفتن عزیزان سخت تمام می شود و مخصوصاً که کودک باشد و یا جوان باشد چنانچه قاسم پسر حضرت محمد (ص) دنیا را وداع کرد و محمد (ص) به آهستگی و بدون سر و صدا اشکش در رخسارش دیده شد. اگر ما ایمان قوی به خداوند، و حکمت خداوند داشته باشیم باید افکار باطل را از مغز خود به دور کنیم زیرا همه رفتنی هستیم و بعضی وقت می شود که مرگ یک نعمت خداست. راز رفتن را ما نه میدانیم که در چه است؟ زندگی هم یک تحفه خداست و اما امانت است و باید از بن تحفه به شکل و صورت که خدا از ما توقع دارد لذت ببریم.

عزیزان!

پیشوای اسلام (ص) فرموده است: که نه در خوشحالی بسیار خوشحالی کنید و نه در غم بسیار غم کنید و این تعادل روح و روان انسانی را استوار نگهه میدارد.

متأسفانه ما فکر می کنیم که مرگ یک هیولاست. در حالیکه مرگ از دید اسلام یک وصلت است به خداوند. ما مانند فیلسوف فرانسوی دکارت فکر نه می کنیم که گفت:

I think, Therefore, I am من فکر می کنم پس وجود دارم. در اسلام انسان مانند علف هرزه نیست که از جهان رفت، زندگی اش تمام شد. ما به خدا می پیوندیم. ما اعتقاد به حیات جاودانی داریم. ما اعتقاد داریم که از جهان فانی به جهان جاودانی پیوند حاصل می کنیم. وقتی یک عزیز ما به خدا وصل می شود ما باید از خاطرات خوب او تجلیل کنیم و حتی نیکی های او را الگو قرار دهیم نه اینکه ماتم کنیم. در اسلام ماتم نیست و اما سوک است که مدت آن فقط سه روز است که خانواده ها دوباره به زندگی نورمال و عادی برگردند. در وقت رفتن عزیزان، پیامبر (ص) فرمود که به سر و روی زدن، سر خود خاک پاشیدن، چیغ زدن همه از آثار دوره جاهلیت است. ما هرگز مرگ را نباید فراموش کنیم و به

فرزندان خود بگویم تا همه این آمادگی را داشته باشند. از نگاه روانشناسی یاد کردن مرگ یک آرامش خاطر به بار می آورد. حضرت رسول کریم (ص) فرموده است: که ”مرگ را بسیار به خاطر بیاور زیرا یاد مرگ تو را از رنج های دیگر تسلیت میدهد.“

پیامبر (ص) فرمود که دعا مغز عبادت است. چه خوب است که به گذشتگان و آنانیکه دیدار خداوند نصیب شان شده است و به وصل رسیده اند دعا کنیم و هر گز فراموش نکنیم که دین و دنیا برای ما یک امانت است و استفاده کنیم لذت ببریم و اما دلبنده به آن نیاشیم زیرا می تواند یک آزمایش بزرگ باشد چنانچه رب العزت فرمود.

انما اموالکم و اولادکم فتنه

جمعه مبارک

دوم جون ۲۰۲۲

حدیث شماره ۷۹

جمعه مبارک

سلام عزیزان

از نگاه جامعه شناسی، اسلام آمد تا اول مردم متمدن شوند، دوم با اخلاق زندگی کنند و سوم عادل باشند.

متأسفانه کشور های اسلامی بعد از انقراض امپراطوری اسلامی ترکیه عثمانی، زیر یوغ استعماری و استثماراری غرب رفت. اقلاً در گذشته با همه ناملایمات، کشمکش های سیاسی، جنجال های مذهبی و غیره مردم با یک فرهنگ سالم زندگی میکرد و مهم تر اینکه مردم بی اعتقاد نبودند، مرتد نبودند و بی فرهنگ نبودند. مردم با اعتماد به خداوند، ترس از روز آخرت، مردانگی (زن و مرد) شهامت و جوانمردی زندگی میکردند.

گویند "چیزی آرد تر و چیزی آسیا کند"، مسلمانان در یک خلای بزرگ فرهنگی قرار گرفتند. اگر حزب به نام اسلام عرض اندام کرد به مردم خیانت کرد، اگر به نام عالم مردم کسی را شناختند، دین خود را مصالحه کرد. و یا غلط معرفی کرد. هر قدر تحصیل یافته شد به همان اندازه بی دین شد. و از جانب دیگر. دست اندازی و تخریب و خیانت به دین و مردم توسط قوه های اجنبی ما را مطلق از مسیر انسانیت کشید. مردم مسلمان امروز با مدنیت زندگی نمی کنند، و از عدالت قطعاً خبری نیست. از اخلاق اسلامی اثری نیست. چند روز قبل یک نفر نادان که در صفحه فیسبوک او کلمه طیبه و آیات قرآن است متوجه شدم که همین شخص که داد از اسلام می زند یک بانوی محترم را چنان با الفاظ رکیک مورد حمله قرار داده است که انسان به حیرت می افتد که این شخص به کدام معیار خودش را مسلمان می گوید.

دیروز هشتم ماه جون ۲۰۲۲، سایت بین المللی سیاست افغانستان از یک طالب و یکی دو نفر دیگر دعوت کرده بود تا سر حقوق بانوان صحبت شود. طالب زنگ زد که پسان تر می آید. یک ساعت منتظر ماندند و نیامد در حالیکه وعده کرده بود. برنامه پخش نشد. چون طالبان مردمان قومی و قبائلی و قریه یی

هستند از مدنیت اسلام بوی نه می برند. حضرت رسول کریم (ص) فرموده است: "که منافق کسی است که دروغ می گوید؛ به وعده وفا نه می کند و امانت را خیانت می کند." در دور اول هم که این گروه نادان به قدرت رسیدند من با ایشان در خانه یکی از دوستان در شمال کلیفورنیا دیدار کردم. در آنوقت یک و نیم ساعت ناوقت آمدند. برای مردم ما ناوقت کردن و به وقت نبودن یک امر طبیعی است و اما برای کسانی که اداره یک کشور را به دست دارند و رهبران شان باید نمونه از اسلامیت باشد طبیعی نیست و این اعمال نشانه های منافقت ایشان است که مردم باید بدانند و آگاه شوند. به عبارت دیگر برای بار دوم کشور با یک گروه منافق سردچار شده است و اینکه به مردم چه خیانت ها را روا داشته اند و خائن دین هستند بحث جداگانه است و شما از کاروایی های شان بر علیه مردم به شمول کشتن مردم بیگناه اطلاع دارید. زیرا کسانی که به مردم به نام حزب زیر نام اسلام و گروه سیاسی و غیره خیانت کرده اند اصلاً اینها وقتی تفسیر امانات را در قرآن مجید می خوانیم به دین خیانت کرده اند. در اسلام بزرگترین خیانت، خیانت به دین است و اما با تأسف چون پیروان از اسلام بیخبر اند فریب این دلقک بازی ها را به نام حزب و اسلام خورده اند.

چرا ما راهیاب نه می شویم برای اینکه ما در اثر خیانت های زیر عنوان اسلام، دین و سنت، و حزب همه هویت فرهنگی که پدران ما داشت از دست داده ایم و این بی هویتی و بی فرهنگی علاج آن فوق العاده مشکل است و از همین سبب است که یک گروه نادان و جاهل به نام اسلام در قدرت است زیرا مردم را درین چند سال توسط کمونیست های خائن به دین، گروه های فروخته شده به پاکستان زیر عنوان حزب و اسلام و خائن به دین بی هویت ساخته شده اند. فکر می کنند که هویت در پیراهن و تنبان و نیم متر ریش است.

جمعه مبارک

پنجشنبه نهم ماه جون ۲۰۲۲

حدیث شماره ۸۰

جمعه مبارک

سلام عزیزان

غیرت افغانستانی میراث عرب جاهلی است.

وقتی ما انتروپولوژی عرب قبل از اسلام را مطالعه می کنیم می بینیم که بعضی از واژه ها و کردار ها به نام دین وارد متون دینی ما شده است که اساساً قبل از اسلام وجود داشته است و اما اسلام معنی و روحیه آنرا تغییر داد. چنانچه طواف در دور کعبه قبل از اسلام وجود داشت و اما اسلام محمد (ص) رو حیه طواف را تغییر داد ورنه قبل از اسلام کفار هم در دور کعبه طواف میکردند. یکی ازین واژه های جاهلیه که اسلام معنی و عملکرد آنرا تغییر داد غیرت است که ما مطلق در معنی آن به اشتباه رفتیم و یا توجه نکردیم. یکی دو حدیث که در باره غیرت آمده است معنی آن این نیست که مردم را، مخصوصاً بانوان را از حقوق حقه اسلامی شان محروم کنیم. یک معنی غیرت در زبان عربی شجاعت است. مردان و زنان غیور یعنی مردان و زنان شجاع. در اسلام، وقتی تاریخ را مطالعه می کنیم، شجاعت مرد و زن ندارد. اسلام غیرت های قومی و قبائلی را که امروز در جامعه ما منحیث یک اصل اجتماعی پذیرفته شده است منع می کند و اصل غیرت در دین است نه در مسائل اجتماعی و یا دفاع از زنان. وقتی پیامبر (ص) از واژه "غیره" سخن می گوید هدف اش پاسداری از دین است نه چیز دیگر. اما باید بدانیم که پاسداری از دین این نیست که همسر خود را کنترل کنیم که همراهی کی ها صحبت می کند و یا نمی کند. یا مانند طالبان نادان دختران را از حق آموزش و پرورش منع کنیم. غیرت آن است که چیزیکه خدا حرام کرده شما از آن جلوگیری می کنید. به این حدیث توجه کنید که از نهج الفصاحه که دانشمندان شیعه گردآوری کرده اند نقل قول می کنم. حدیث چنین است: ان الله تعالی یغار و ان المؤمن یغار و

غیره الله، إن یاتی المؤمن ما حرم الله علیه یعنی خداوند غیرت دارد و مؤمن غیرت دارد، غیرت خدا اینستکه [وقتی] مؤمن مرتکب کاری شود که خدا حرام کرده است. می بینید که اول غیرت خاص برای خدا و دین است یعنی خدا غیرت دارد و چون مؤمن خلیفه خدا در زمین است، او هم غیرت دارد اما در راه دین وقتیکه از حرام دوری می کند نه اینکه از مذهب خود دفاع کند یا از همسر خود دفاع کند و یا مردم را به نام غیرت از حق و حقوق شرعی منع کند. امروز اگر یک دختر همراهی یک مرد جوان سخن می گوید برادر دختر با مشت در دهن او می کوبد که چرا همراهی خواهرش سخن گفته است. زن یعنی همسر هم غیرت نیست. یک زن حق دارد طلاق بخواهد که این را خلع گویند و بعد از دوره عده با یک کسی دیگر ازدواج کند. غیرت چه شد؟ دختران حق دارند تا زوج خود را، خودشان انتخاب کنند. در کجای این برخورد اجتماعی غیرت است؟ خداوند هم نمی خواهد که از دین او به شکل وحشیانه دفاع کنید که اگر کسی کفر گفت فوراً او را سر ببرید. تنها در میدان جنگ اگر یک کافر به اسلام حمله می کند درینصورت کشته می شود چنانچه حضرت علی رض یک کافر را در میدان جنگ وقتی به اسلام حمله کرد کشت. یعنی علی (رض) وقتی به خودش توهین شد آن کافر را نکشت بلکه وقتی به اسلام حمله کرد او را کشت. یعنی علی (رض) غیرت دینی را تمثیل کرد. در حدیث دیگر حضرت رسول کریم (ص) میخوانیم اینکه إن الله تعالی یحب من عباده الغیور یعنی خداوند بارک و تعالی بندگان شجاع خود را دوست دارد. اینجا هدف از شجاعت پاسداری دین و مبارزه در راه دین است.

واژه غیرت در فرهنگ ما مطلق غلط فهمیده شده است. فهرست غیرت هایکه از فرهنگ قومی و قبائلی عرب رسیده است:

کسی طرف زن تان نگاه کرد باید. او را بکشید در حالیکه زن از خود شخصیت دارد و به من و تو نیاز ندارد که دفاع کنیم. خودش از خود دفاع می کند. غیرت افغانستانی ما این است که اولاد مسلمان بیسواد است و ما بیتفاوت هستیم یعنی از دین خود

پاسداری نکردیم. اولاد مسلمان با فقر دست و پا می زند و ما سیل بین هستیم در حالیکه کمک به فقرا و دست آنها را گرفتن غیرت دینی است چیزیکه ما نداریم. شیعه و سنی با طالبان میخوانند کنار بیایند در حالیکه با جاهل کنار آمدن گناه است و حتی امام جعفر صادق (علیه الرحمه) گفته است که با احمق دوست نباشید، غیرت ما چه شد؟

در تلویزیون ها دین اسلام را توهین می کنند و اشخاص نادان هر روز به مخالفت دین سخن می گوید غیرت ما چه شد؟؟ خلاصه کلام این است که غیرت در اسلام پاسداری از دین است نه موضوعات که به نام غیرت در کشور همدیگر را می کشیم. غیرت واژه ایست که قبل از اسلام در فرهنگ عرب وجود داشته است و ما همان شکل قومی و قبائلی آنرا در کشور تطبیق می کنیم نه آنکه تعریف که خدا از غیرت دارد.

به اساس تعریف کسانی که از دین دفاع نه میکنند بی غیرت هستند اما دفاع این نیست که مردم را سر بزن و یا توهین کن. دفاع آن است که با دلایل علمی و سخن نیکو و جدی از دین دفاع باید کرد و به آنانیکه به دین حمله می کنند جواب دندان شکن باید داد. خاموشی در مورد دین که مورد حمله قرار میگیرد بی غیرتی است. امروز مسلمان شیعه و سنی از دین دفاع نه می کند اوپکه متعصب قومی است از مذهب دفاع می کند، از زبان دفاع می کند، از قوم دفاع می کند. که همه ای اینها بی غیرتی است.

جمعه مبارک

پنجشنبه ۱۶ جون ۲۰۲۲

حدیث شماره ۸۱

جمعه مبارک

سلام عزیزان

یکی از مشکلات جوانان در غرب انتخاب همسر است و یک عده زیاد جوانان دختر و پسر به دلایل مختلف مجرد هستند که از نگاه اسلام درست نیست زیرا از دید و بینش اسلام زن و مرد مکمل همدیگر هستند و از همین سبب نکاح سنت مؤکد است. یک عده زیاد در افغانستان مجرد هستند به خاطر اقتصاد خراب و توقعات بیجای والدین و دختران از مردان که این هم خلاف اسلام است که پول را معیار اساسی نکاح قرار میدهند در حالیکه حضرت رسول کریم (ص) کمترین مهر را برای نکاح توصیه کرده است حتی اگر یک دانه خرما باشد. حضرت امام ابوحنیفه علیه الرحمه برای اینکه کار مردم را آسان کرده باشد سی درهم مهر را تعیین کرد تا جوانان را به نکاح کردن تشویق کند که مشهور است به نام سی درهم شرعی. اما این فقط نظر امام ابوحنیفه بود نه اینکه مهر سی درهم باشد.

در غرب روز به روز انتخاب همسر چه مرد باشد و چه زن باشد مشکل شده می رود زیرا از دید دختران، مردان متعهد به زندگی زناشویی نیستند، بعد از ازدواج دختران را کنترل می کنند، یک تعداد شان "بچه ننه" است و هر گپ را به جای اینکه با همسرش مشوره کند با مادرش می گوید. مردان، دختران را برابر به خود نه می دانند و فکر میکنند که دختران در عقل کم تر هستند. یک تعداد که در غرب به اسلام گرویده اند زیاد تر اسلام وهابی است و دختران حتی اجازه ندارند که دیدن والدین خود بدون اجازه شوهرش برود در حالیکه قرآن می گوید "والارحام" یعنی از خویشاوندان مبرید. هیچ کس حق ندارد یک زن را از دیدار خانواده اش محروم کند. مشکل در نوشته هایی غیر شرعی در حاشیه کتب مانند صحیح بخاری است که مترجم از شکم خود بعضی مطالب را

که خلاف شریعت است نوشته است. یک عده جوانان مرد اجازه میدهند که مادران و خواهران شان مخصوصاً در زندگی پسر شان مداخله کند که این سطح پایین فرهنگی خانواده را نشان میدهد. بنده از سی و پنج سال که به خانواده ها از نگاه اسلام مشوره میدهم و دفتر حل و فصل منازعات خانوادگی را در چارچوب اتحادیه افغانستانی ها به روی مردم مسلمان افغانستان گشودم، دریافتم که دلیل شماره یک منازعات خانوادگی مداخله خانواده ها در امور زن و شوهر است. حتی خانواده های که خود را چیز فهم می دانند و یا به اصالت خانوادگی خود افتخار می کنند در امور دختر شان و یا پسر شان مداخله می کنند در حالیکه قرآن مجید می گوید که "و لا تجسس" یعنی در امور دیگران تجسس نکنید و یا مداخله نکنید .

بعضی مرد ها که همسران شان کار نه می کند پول کافی در اختیار همسرش قرار نمیدهد و مصارف را چنان کنترل می کند که گویی زن خدمه منزل است و حق و حقوق اقتصادی ندارد. یک عده مردان اجازه نمیدهند تا همسر شان تحصیل کنند که نشود همسر شان در کالج چشم سفید نشود. مشروب نوشی جوانان یک معضله دیگر است که خانواده ها را تباه کرده است.

امروز اکثر دختران در غرب تحصیل کرده هستند و خود شان کار می کنند و نفقه آورنده هستند. یعنی احتیاج به شوهر که او را اعاشه کند ندارند. دختران به یک "پارتنر" یا رفیق زندگی نیازمند هستند نه اینکه او را اعاشه کند. نفقه در غرب بی معنی شده است. رویه نامناسب جوانان مرد باعث شده است تا دختران از جوانان افغانستانی دلسرد شوند و با غیر مسلمان نکاح کنند که این یک معضله خانوادگی دیگر را به بار آورده است. یک عده دختران با ایرانی و پاکستانی به نام اینکه مسلمان است نکاح کرده اند غافل ازینکه اکثر ایرانی ها و پاکستانی ها متعصب تر از مردم افغانستان است و این را هم به چشم خود دیده ام. یک عده دختران از افغانستان شوهر وارد کرده اند که ۹۵ در صد نتیجه خراب داده است زیرا دختر با فرهنگ آمریکایی بزرگ شده است و

پسر با فرهنگ افغانستانی که فکر می کند زن بدون قید و شرط نوکر مرد است. یک عده جوانان از افغانستان به خاطر آمریکا آمدن و یا اروپا آمدن ازدواج کرده اند و به مجردیکه ویزای اصولی اقامت را گرفته اند دختر را طلاق گفته اند که این یک مشکل دیگر را به بار آورده است.

شکایت یک عده جوانان مرد این است که دختران یاد ندارند که شوهر شانرا احترام کنند. مشوره را یاد ندارند. فکر می کنند که دموکراسی همین است که هر چه دلت خواست بکنی. دختران در غم به اصطلاح خانه ساختن نیستند. دختران اجازه میدهند تا مخصوصاً مادر شان در امور شان مداخله کند. لباس های جلف می پوشد بدون اینکه توجه داشته باشد که یک بانوی مسلمان است. در حضور دیگران شوهرش را کم می زند و حتی ریشخند می کند که این هم سطح پایین خانوادگی را نشان میدهد که یک زن، شوهرش را تحقیر و توهین کند و بنده این را به چشم دیده ام.

مشکل عمده ای جوانان درین است که نکاح می کنند بدون اینکه بدانند که چرا نکاح می کنند. حتی در وقت نکاح از عروس سوال کرده ام که مهر تو چه مبلغ است. برای من جواب داده است که "او چیست؟" پدران و مادران ناکام مانده اند که مسائل ابتدائی اسلام را برای اولاد شان تدریس کنند. نکاح کردن یک رواج و عنعنه است نه اینکه دختران و پسران متعهد به اسلام باشند. یک عده جوانان نکاح می کنند بدون اینکه به اسلام اعتقاد داشته باشند. مرد و زن مسئولیت های شانرا نه می دانند. نکاح برای مردم اهمیت ندارد زیرا اکثراً متکفل عقد نکاح، مجلس نکاح را بی اهمیت ساخته است. تشریح نه می کند که یک مجلس بسیار خجسته است چنانچه حضرت رسول کریم (ص) خودش نکاح دخترش بی بی فاطمه الزهرا (رض) را با حضرت علی (رض) عقد کرد. مردم متعصب قومی و قبائلی دختر را در عقد نکاح اجازه نمیدهند. به یاد دارم برای عقد نکاح از آمریکا به فرانسه دعوت شده بودم و دختر را اجازه ندادند که در عقد حضور به هم

رساند. در حالیکه بی بی فاطمه زهرا در عقد خود حضور داشت و بدون حضور دختر در مجلس نکاح درست نیست و شکستادن سنت رسول خداست.

امیدوارم جوانان ما به اساس معنویت خجسته اسلام که من هیچ روش زندگی را بهتر از اسلام محمد(ص) نیافتم این سنت را به جا کنند و زندگی های با عزت داشته باشند و به خاطر تکامل انسانی ازدواج کنند نه پول و نه ویژه آمریکا و نه تحصیلات بلند و نه نام خانوادگی.

جمعه مبارک

پنجشنبه ۲۳ جون ۲۰۲۲

حدیث شماره ۸۲

جمعه مبارک

سلام عزیزان

در ماه ذوالحجه قرار داریم و عید سعید اضحی یا قربان نزدیک است.

یکی از مبارزات بسیار قانع کننده و خطرناک مخالفین اسلام و آنانیکه ضد دین اسلام هستند، ضد قرآن مجید هستند و ضد محمد (ص) هستند تبلیغات جان دار بر علیه ادای حج است و بزرگترین استدلال شان این است که مردم در فقر زندگی می کنند و فلانی حج می رود. آنانیکه اعتقاد ضعیف دارند این استدلال برای شان بسیار قانع کننده است. به فکر فرو می روند که راستی حج بروند و یا نروند؟ فراموش می کنند که حج از پنج بنای مسلمانی است و رد عمدی آن کفر است و اوپیکه استعداد رفتن دارد و نه می رود گنهکار است، اگر به اصول دین خود پایند است.

این موضوع را به خاطر درین شماره انتخاب کردم که یک عزیز که معلوم می شد اعتقاد ضعیف به اسلام دارد چند روز قبل به من زنگ زد تا یک مضمون بنویسم که در کدام ژورنال آنلاین به نشر بسپارد و مردم را درین حالت فقر و بیچارگی از رفتن حج بر حذر کنم. برایش گفتم که عزیز من نه خود را مسخره بساز و نه کوشش کن که من را برای اهداف کفر آمیز خودت بازیچه سازی.

عزیزان،

همه اشخاص بی دین، اشخاص ضد قرآن مجید و محمد (ص) هستند باید بدانند ما که مسلمان هستیم و به حج و رفتن به حج سخت اعتقاد داریم و هرگز دین خود را مصالحه نه می کنیم و همچنان باید بدانند که ما مسلمانان در کنار اینکه مالیه

دولت آمریکا و ایالت که زندگی می‌کنیم می‌دهیم، ما سالانه زکات می‌دهیم برای اینکه غذای که می‌خوریم، لباس که می‌پوشیم، خانه که زندگی می‌کنیم و موتر که سوار می‌شویم برای ما حلال نه می‌شود اگر زکات نداده باشیم. شما بدانید که ما ماهوار صدقه می‌دهیم و علنی و مخفی مردم را کمک می‌کنیم. ما حتی صدقه علم داریم که شما مردم بی‌دین ندارید. صدقه علم آنست که چیزیکه آموختیم با دیگران شریک می‌شویم زیرا علم زیور جامعه مسلمان است.

حج انسان ساز است. حج به انسان کرامت انسانی را تدریس می‌کند. مؤمن با حج رفتن موجودیت خود را درین جهان هستی درک می‌کند و خودش را می‌شناسد. من در زندگی بسیار سفر کردم و اما زیبا ترین سفر من سفر حج بود و اما کسی این زیبا یی را درک می‌کند و در طواف اشک خوشی می‌ریزد که معتقد باشد.

عزیزان معتقد به قرآن و ارشادات حضرت رسول کریم (ص) محتاط باشید که آنایکه دین ندارند شما را مغز شویی می‌کنند و اعتقاد تانرا ضعیف می‌سازند. احتیاط کنید که فریب نخورید. میخواهند بزرگترین کانگره جهانی مردمی را که در جهان وجود ندارد مسخ کنند و شما را بی اعتقاد بسازند. وقتی شما استعمار می‌شوید که در اعتقاد خود ضعیف شوید. در مورد فضیلت ماه ذوالحجه در متون دینی ما زیاد آمده است. حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که: ”به حج روید تا بی نیاز شوید و سفر کنید تا سالم بمانید.“ در حدیث دیگر آنحضرت (ص) میخوانیم که ”حج مقبول پاداشی جز بهشت ندارد.“

عزیزان من: اگر امکانات حج برای شما میسر است معطل مکنید زیرا نمیدانید که تا سال آینده درین دنیا هستید یا خیر. بارها برای جا های دیدنی سفر می‌کنید. دیدن دوستان و عزیزان به دیگر کشورها سفر می‌کنید و وقتی ایام حج می‌شود باید زود تر اقدام کنید و غفلت نکنید که غافل را خدا دوست ندارد.

بهترین کتاب حج را مرحوم دکتر علی شریعتی جامعه شناس مشهور ایرانی زیر عنوان حج نوشته است و بخوانید و عظمت حج را بدانید و گوسفند قربانی را فراموش نکنید که لذت این عید در قربانی است زیرا شما با قربانی به حکمت پرودگار لبیک می گوئید و برکت را در زندگی خود دعوا می کنید.

جمعه مبارک

پنجشنبه ۳۰ ماه جون ۲۰۲۲

حدیث شماره ۸۳

جمعه مبارک

سلام عزیزان

یکی از عزیزان در گروپ جمعه مبارک که متصدی آن خودم هستم از سر تا سر دنیا دور هم جمع هستند تا از همدیگر بیاموزند و همه در همین کوشش هستیم تا یک مسلمان بهتر باشیم، از روی غضب در یکی از پست ها به اشرف غنی لعنت گفت. من بسیار سخت آزرده شدم که اعضای گروپ من از اخلاق اسلامی به دور می شوند. ما دور هم جمع شدیم تا از همدیگر ادب و اخلاق و زندگی مدنی را بیاموزیم و مسلمانان پیشرفته، تحصیل یافته و متمدن باشیم. لعنت گفتن به یک شخص بسیار زیاد گناه دارد. ما می توانیم اختلاف نظر در امور سیاسی داشته باشیم و اما فحش و دشنام و توهین و اهانت در اسلام محمد(ص) اجازه نیست. اگر اشرف غنی خیانت کرد، نادانی کرد، کشور را دو دسته به یک گروپ نادان تقدیم کرد و وطن را بیچاره کرد همه می دانیم و اما او اول نزد خدا، و بعد مردم به اساس قانون که در آینده باید حساب دهی داشته باشد مسؤل است نه اینکه ما هر کدام او را سوته کاری کنیم و یا توهین کنیم. تفاوت میان یک مسلمان متمدن و خوش اخلاق و طالب در چیست که طالبان داکتر نجیب را بدون محکمه به دار زدند. این دفاع از اشرف غنی و یا داکتر نجیب نیست. دفاع از اخلاق اسلامی و مدنیت اسلامی است که هر برخورد ما در سطح خانوادگی و اجتماعی و سیاسی بر اساس عدالت و اخلاق و قانونمندی باشد. جامعه باید از حالت بربریت و وحشت به سوی قانونمندی سوق داده شود. چقدر همه رنج بردند وقتی یک زن را بدون محکمه طالبان در استدیوم کابل تیر باران کردند. چقدر همه رنج بردیم وقتی فرخنده را بدون محکمه شهید کردند. این اعمال به خاطر است که جامعه بدون تربیه مدنی است و تربیه مدنی ایجاب اخلاق و تربیه بلند را می

کند. مشکل مسلمانان این است که مسلمان هستند بدون اینکه فرهنگ اسلامی داشته باشند و این مشکل هم در خانواده هاست و هم در اجتماع ما.

از نگاه جامعه شناسی اسلام آمد تا اول مردم متمدن شوند یعنی به اساس قانون زندگی کنند، از تعصب و تبعیض و تنک نظری دوری کنند، به حیث یک امت واحد عرض اندام کنند، حقوق و آزادی همدیگر را پایمال نکنند، در امور همدیگر تجسس نکنند، زنان را با مردان در اجتماع خواهر و برادر بدانند و حقوق زنان را غصب نکنند و زندگی مدنی یا شهری Civil داشته باشند و هدف مدینه منوره همین بود. دوم مردم با اخلاق زندگی کنند. توهین و اهانت نکنند. همدیگر طعنه و کنایه نگویند. فحش نگویند لعنت نکنند و دروغ نگویند. امانت مردم را خیانت نکنند، وعده خلافی نکنند، تهمت نکنند و راست باشند و زورگویی و "بد ماشی" دوری کنند و مردم نزد قانون مسؤل باشد نه اینکه ما هر کدام قانون را به دست بگیریم. انارشی شاخ و دم ندارد. یک مردم با اخلاق و متمدن به قانون تکیه می کند.

سوم اسلام آمد تا مردم عادل باشند و این عدل برای مسلمانان تنها نیست بلکه همه مخلوق خدا باید عادل بود. مال مردم، جان مردم امانت مردم، حیوانات و نباتات و محیط زیست باید مصون باشد.

حضرت رسول کریم فرموده است که: "مؤمن طعنه گر و لعنتگر و بدگو و بد زبان نیست." احادیث زیاد در مورد لعنت کردن که مسلمانان اجتناب کنند در متون دینی ما درج است و این همه برای این است که ما اخلاق اسلامی و فرهنگ اسلامی داشته باشیم. اسلام تنها به نماز خواندن و روزه گرفتن و حج رفتن نیست. یک فرهنگ انسان ساز است که بنیانگزار آن حضرت رسول کریم است که منحصیث مسلمان پیروی کنیم. ما امروز از قافله ساینس و تکنالوژی به خاطر علمای متعصب و دولت مردان غافل بسیار به دور ماندیم و اما اقلای می توانیم یک اخلاق مدنی داشته باشیم. اخلاق بلند داشتن به ثروت و تحصیلات عالی و نام خانوداگی و

نسب نیست بلکه پیروی از ارشادات رسول اکرم (ص) است که ما غافل هستیم. وقتی سطح رهبری کشور به زور و ظلم و ستم با مردم برخورد کند و اویکه مخالف است مجاز بداند که سرش بریده شود مردم به وحشت و دهشت و خشونت دست می زنند.

دلیل که من هر هفته یک حدیث از رسول کریم (ص) نقل قول می کنم همین است که جامعه مسلمان فاقد فرهنگ اسلامی است و این بزرگترین کمبودی است که نه تکنالوژی کار دارد و نه سرمایه مگر عقل. عقل جوهر انسانیت است و باید از عقل کار گرفت و یک انسان باید شویم که با تجلای ایمان عرض اندام کنیم نه نام خانواده و ثروت و تحصیلات عالی و غیره. با اخلاق بودن دکتورا کار ندارد فقط ایمان درست کار دارد.

جمعه مبارک

پنجشنبه هفتم ماه جولای ۲۰۲۲

حدیث شماره ۸۴

جمعه مبارک

سلام عزیزان

در یکی از برنامه‌ها بودم که متصدی برنامه چند تن را دور هم جمع کرده بود تا اندوخته‌های شانرا در یک موضوع تاریخی بازگو کنند. یکی از عزیزان در گفتار خود اشتباه کرد و من بسیار مودیانه او را اصلاح کردم. مردک برای این که حالا کم نیاید خواست با سخنان چپ و راست اشتباه خود را بپوشاند به جای اینکه معذرت بخواهد و یا تشکر کند که او را متوجه ساختم.

ما باید بدانیم که یکی اختلاف نظر در مسائل است که رسول اکرم (ص) فرموده است: اختلاف نظر رحمت امت من است. (باید یاد آور شوم که وهابی‌ها و سلفی‌ها این حدیث را قبول ندارند اما این حدیث ثقه است و مطابقت به قرآن دارد) و یکی مسائل است که در آن اختلاف نظر نیست و ثابت است و اما انسان می‌تواند در اثر فراموشی، فراموش کند. یکی از مشخصات اساسی یک دانشمند این است که باید بداند که انسان جایز الخطاست حتی عالم باشد می‌تواند اشتباه کند، گناه کند و فراموش کند. اما عالم واقعی آن است که به اشتباه خود اعتراف کند و از مردم معذرت بخواهد. اگر این کار را نه می‌کند عالم نیست. یکی از عمده‌ترین مسائل علمی "نمیدانم" است. هیچ کس ادعا کرده نه می‌تواند که همه چیز را می‌داند. درین جاست که تواضع عالم در اعتراف به نادانی است و اگر اعتراف نه می‌کند در اصل نادان است. حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که: "علم سه چیز است: کتاب گوینا، و سنت متبع و نمیدانم." انسان باید بداند که این رضای خداوند نیست که همه چیز را بداند در غیر آن، انسان ادعای خدایی میکرد. از همین حدیث فوق عرفا و ادبا یک شعر نفیس ساخته‌اند:

تا بدانجا رسید دانش من که بدانم که همی نادانم

اعتراف به نادانی بزرگترین معراج رسیدن به علم است. فرانسویان در گذشته ها یک سلسله کتب را به نشر می رساندند زیر عنوان "چه میدانم." در متون تاریخ یونان هم این موضوع آمده است که افلاطون فیلسوف بزرگ یونان ارسطو را که شاگردش بود، گفت: "بنویس که من میدانم." ارسطو جمله را نوشت و بعد افلاطون گفت که فکر کن و جمله را تکمیل کن. بعد از چندین روز ارسطو جمله را تکمیل کرد و نوشت: "من می دانم که میدانم!"

جمعه مبارک

جمعه پانزدهم جولای ۲۰۲۲

حدیث شماره ۸۵

جمعه مبارک

سلام عزیزان

یکی از مسائل که مسلمان خودش را تبرئه می کند مسئله جایز الخطا بودن انسان است. یعنی انسان اشتباه می کند، به خطا می رود، گناه می کند، سهو می کند و غلط می کند. اما این موضوع اکثراً غلط فهمیده شده است. انسان اشرف مخلوقات است و این به خاطر عقل و فکر و استعداد و ذکاوت و شعور و فطرت اسلامی است که خداوند به او داده است. و این بزرگترین تحفه ایست که خداوند به انسان داده است تا برای پیشرفت امور انسان کار بگیرد. امام غزالی طوسی علیه الرحمه در کتاب احیاء علوم الدین که یکی از نفیس ترین کتاب های اسلام شناسی به شمار می رود می نویسد که انسان از نادانی گناه می کند. یعنی انسان دانا گناه نه می کند. مسلمانان تفسیر آیه خلق الانسان ضعیفا را مطلق به اشتباه فهمیده اند. یعنی انسان ناتوان خلق شده است، و چون ناتوان خلق شده است اشتباه می کند و به خطا می رود. آیه تحت اللفظ معنی شده است که مسلمان را تبرئه می کند به سهو و خطا و اگر گناه می کند یعنی موجود ناتوان و ضعیف است پس باید اشتباه کند. نخیر اینطور نیست. هدف از جایز الخطا بودن انسان این است که بالای نفس خود حاکم نیست و گناه می کند. جایز الخطا در رابطه با نفس آدمی است نه در کار های محوله که ما باید روزانه انجام دهیم. اگر ما در کار های محوله اشتباه می کنیم بدین معنی است که در کار خود دقت کامل به خرج نداده ایم. موضوع را درست تحقیق نکرده ایم. چطور امکان دارد که از یک طرف انسان به خاطر عقل او اشرف مخلوقات باشد و از طرف دیگر ضعیف باشد. انسان از نگاه انتروپولوژی در مقایسه با حیوانات ضعیف است مانند شیر و فیل و ببر. به عبارت دیگر انسان از نگاه جسمی به مقایسه دیگر مخلوقات ضعیف خلق شده

است نه اینکه از نگاه عقلی، فکری و ذهنی ضعیف خلق شده باشد. اگر انسان ضعیف می بود خلیفه خدا در روی زمین نه می شد. اگر انسان ضعیف می بود به این همه اکتشافات و اختراعات و تشبثات علمی دسترسی پیدا نمیکرد. مسله دیگر این است که یکی اشتباه است و یکی گناه. گناه آن است که مسلمان یا غیر مسلمان از اصول دین خود خارج می شود، مثلاً زنا می کند. جایز الخطا بودن در همین بخش است که نفس از اداره اش خارج می شود و مرتکب گناه می شود. اشتباه قطعاً به جایز الخطا بودن ربط ندارد. یک انسان اشتباه می کند برای اینکه در امور دقت نکرده است. تحقیق نکرده است. مشوره نکرده است و موضوع که باید کامل انجام میداد سطحی و سرسری پنداشته است. در کار خود حوصله به خرج نداده است و درین حالت است که در کارها اشتباه رخ میدهد. حضرت رسول کریم (ص) می فرماید: "وقتی کاری را انجام دهی تامل کن تا خداوند راه آنرا بتو نشان دهد." در حدیث دیگر می فرماید که "هر کس کاری میکند باید آنرا خوب انجام دهد."

اینجاست که مسله جایز الخطا بودن انسان، ضعف انسان در مقابل سهو و اشتباه که ما از روی بی توجهی می کنیم، از روی غفلت می کنیم، از روی نادانی می کنیم، از روی بی احتیاطی در کار می کنیم مطلق غلط فهمیده شده است. امام غزالی طوسی در کتاب جواهر القرآن می نویسد که عقل جوهر انسانیت است و وقتی ما از عقل کار نگیریم هم گناه می کنیم و هم اشتباه.

جمعه مبارک

۲۲ جولای ۲۰۲۲

حدیث شماره ۸۶

جمعه مبارک

سلام عزیزان

صحبت داشتیم با یکی از دوستان در مورد صفت عالم. یعنی کی می تواند عالم باشد و کی را می توان عالم خطاب کرد؟ آیا عالم همین است که چند آیه و چند حدیث را از بر داشته باشد؟ آیا همچو چیزی به نام عالم دین که ما در هزار سال شنیده ایم واقعاً وجود دارد؟

وقتی ما دید و بینش توحید را مطالعه می کنیم متوجه می شویم که همه جهان هستی دین است. دین در اسلام تنها یک عقیده نیست. در اسلام همه زندگی دین است. انسان جز همین خلقت است و مانند سیارات، نباتات، حیوانات و همه مخلوقات، مخلوق است. وقتی که قرآن می گوید قل رب زدنی علما بدین معنی نیست که من و تو تنها قرآن را با چند حدیث از بر کنیم. هدف از علم دین که حضرت رسول (ص) فرموده است: "کسی که خداوند به وی اراده خیر کند او را در امور دین دانشمند می سازد." حالا دین فرهنگ است، دین زندگی است، دین همه علوم است زیرا همه جهان هستی مخلوق است، دین ساینس است، دین دید و بینش و توحید است، دین اخلاق و تربیه است. دین آموزش و تطبیق قرآن است نظر به ایجابات عصر. دین آن نیست که یک عالم تنها قرآن و حدیث را از بر کرده است و در دیگر امور بیخبر است.

چرا عالم دین شدن مشکل است برای اینکه هیچ کس قادر نیست همه جهان هستی را مطالعه کند و بداند. زیرا همه جهان هستی از دید توحید دین است. عالم بیولوژی که در خدمت مردم است در راه دین است. عالم ریاضی و ساینس که در خدمت مردم است در راه دین است. در هر رشته که کار کنید و رضای پروردگار در آن نهفته باشد و در خدمت خلق خدا باشید شما در

راه دین خدا قدم برداشته اید زیرا همه جهان هستی از نگاه توحید یک بافت دارد و هیچ چیز از هم جدا نیست. عالم چون انسان است گناه می کند، اشتباه می کند. عالم فتوی غلط که از شکم خود کشیده نه میدهد و جامعه را به بربادی سوق نمیدهد. چنانچه دکتر یوسف قرضاوی حملات انتحاری را در فلسطین روا دانست و این حتی در کشور ما سرایت کرد و یک نادان دیگر آنرا استشهادی خواند. در جامعه ما نکاح دختر چهار ساله را روا دانست که دین را که او دانسته بود ضرب صفر کرد و مسخره کرد.

عالم می تواند در هر رشته باشد تا جاییکه از طریق علم او خیر اش به بشریت برسد. عالم مستقل می باشد و تکیه به افکار دیگران نه می کند. عالم شرایط زمان و مکان را مد نظر میگیرد. عالم، چون توحید می گوید که خدا یک خداست، جهان هستی یک است، انسان یک انسان است، علم یک علم است پس بین زن و مرد تبعیض نه می کند. بین علوم تبعیض نه می کند زیرا همه علوم برای بشر و آسودگی بشر است. عالم در خدمت صاحبان قدرت نه می باشد چنانچه حضرت رسول اکرم(ص) فرموده است که: "هر که به دربار پادشاهان نزدیک شود به فتنه افتد." عالم نزد صاحب قدرت و پادشاه نه می رود. اهل قدرت نزد عالم می رود. وقار عالم در همین است. عزت عالم در همین است. عالم در مجالس در پایین مجلس می نشیند. اگر در بالا می نشیند عالم نیست. عالم خود را از مردم کمتر می بیند زیرا یکی از صفات عالم تواضع است. عالم با گروه های ضد اسلام و منافق همکاری نه می کند چنانچه در اقامتگاه سفید رفتند. عالم خود را برای کرسی سیاسی کاندید نه می کند و اما مردم را برای عدالت رهنمایی می کند. عالم تنها از خدا می ترسد نه از مردم. لذا عالم محافظه کار نه می باشد. وقتی عالم از مردم ترسید مشرک می شود زیرا ترس تنها از خداست. لباس عالم و با لباس مردم یک سان و یک رنگ است نه اینکه امروز عبا و قبا در بکنند و نشان دهد که از دیگران متفاوت است. لباس محمد(ص) با مردم عادی یکسان بود نه اینکه چون او عالم بود و پیامبر بود لباس

او از مردم تفاوت میداشت. این لباس های که امروز در تن یک عده می بینید سیاه و سفید و با فیته طلائی می بینید همه اش ریا، خود نمائی، و خلاف سنت است. عالم را مردم به اخلاق، به استقلال فکری، به ادب و تواضع می شناسند نه لباس. سعدی چه زیبا گفت:

تن آدمی شریف است به جان آدمیت
نه، همین لباس زیاست نشان آدمیت

جمعه مبارک

جمعه ۲۹ جولای ۲۰۲۲

حدیث شماره ۸۷

جمعه مبارک

سلام عزیزان

از نگاه انتروپولوژی فرهنگی سه چیز است که مردم را با هم یکجا می کنند، طعام، موسیقی و زبان.

مهمان و مهمان داشتن تنها رسم اسلام نیست در همه فرهنگ ها وجود دارد و مردم جهان نظر به شرایط فرهنگی خود شان مهمانوازی دارند. دعوت ها می تواند رسمی باشد. می تواند خانوادگی باشد و می تواند از دوستان باشد که طرز پذیرایی آن تا اندازه ی متفاوت می باشد. ما مردم مسلمان بسیار مهمانوازی داریم و اما یک اصول را که مراعات نه می کنیم که کی را باید در داخل خانه دعوت کنیم. بعضی دعوت های ما جنبه مخصوصاً عروسی ها به حساب پدیده اجتماعی "رفت و آمد" است. مثلاً شما را یکی از دوستان در عروسی پسرش دعوت کرده است شما هم او را در عروسی پسر تان دعوت می کنید.

دعوت از نگاه پروتوکل یک اصول دارد. بدین معنی که اشخاص دعوت شونده باید از نگاه فرهنگی با مسلکی یا سیاسی با هم جوش بخورند. و اگر مهمانان با هم جوش نمیخورند می تواند مشکل خلق کند. مثلاً شما یک مسلمان متعهد به اسلام را با یکی کسی که مطلق مخالف اسلام است دعوت می کنید و این از نگاه پروتوکل دعوت کردن درست نیست و اینها با جر و بحث های بیجا مجلس را اخلال می کنند. در اسلام یک اصول است که باید مهمانان وجه مشترک داشته باشند و این وجه مشترک در ایمان و پرهیزگاری شان است. حضرت رسول (ص) می فرماید که "جز با مؤمن مصاحبت مکن و غذای تو را جز پرهیزگار نخورد." حالا ببینید که اینجا برای دعوت یک اصول طرح شده است. در بعضی دعوت ها شرکت می کنیم و وقت نماز شام یک عده شرکت نه می کنند در حالیکه می دانند که نماز فرض مسلمان

است و یا نماز جماعت ثواب بیشتر دارد اما در نماز شرکت نه می کنند. این خود یک بی نظمی را به بار می آورد. پس چه خوب است که در انتخاب مهمانان از نگاه فرهنگی یک تجدید نظر شود و اصول مراعات شود. ما مسلمانان به همه مردم احترام داریم و این احترام وقتی به جا می ماند که دین ما مصالحه نشود.

جمعه مبارک

بنجم آگست ۲۰۲۲

حدیث شماره ۸۸

جمعه مبارک

سلام عزیزان

یکی از مسائل عمده ای زندگانی انسانی میانه روی یا اعتدال است که مردم قطعاً مراعات نه می کنند و از تعادل خارج می شوند.

اول باید بدانیم که چرا تعادل مهم است؟ برای اینکه جهان هستی با تعادل خلق شده است و انسان جز همین جهان هستی است و از خلقت جدا نیست. واژه های تعادل، معتدل، عادل، عدل همه ریشه عدالت دارد. وقتی ما می گویم دین اسلام دین عدالت است بدین معنی تنها نیست که مردم از نگاه عدلی حقوق مساوی داشته باشند و یا بالای شان ظلم نشود. نکته اساسی این است که همه نظام هستی به اساس عدالت خلق شده است و یک توازن در همه امور برقرار است. اگر همین توازن نباشد همه سیستم یا نظام جهانی بر هم میخورد. وقتی پیامبر می گوید: ”و عمل بالعدل.“ یعنی کسیکه به عدالت عمل می کند هدف تنها مسئله قضاوت و حکم بر عدالت در امور قضائی نیست بلکه توازن را نگهداشت توازن و میانه روی در همه امور زندگی است. در حدیث دیگر می فرماید که: ”یکسال عدالت از یکسال عبادت بهتر است.“ درین جا پیامبر می خواهد نه تنها عادل بودن را تدریس کند بلکه اهمیت عدالت را در زندگی بشری یادآوری کند. عدل برای این نهایت با اهمیت است که قسمیکه گفتیم انسان جز همین خلقت و جهان هستی است و جهان هستی جز خلقت انسان است. پس انسان یک موجود طبیعی است. چون همه نظام به اساس یک توازن خلق شده است اگر انسان میانه روی نکند بیچاره و ناتوان می شود زیرا از مسیر طبیعی خود خارج می شود و به فقر فرهنگی و اقتصادی دچار می شود. محمد مصطفی (ص) فرموده است که: ”هر که میانه روی کند فقیر نشود.“ هدف این حدیث این است که انسان وقتی فقیر می شود که در خلای فرهنگی

قرار گیرد. در خلای طبیعی قرار گیرد و مانند یک فضا نورد خارج از جو زمین جاذبه نداشته باشد و آنوقت است که دچار مشکلات می شود زیرا فراموش می کند که یک موجود طبیعی است و فقر او تنها اقتصادی نه می باشد بلکه فقر بیکانگی از خود و طبیعت است.

جمعه مبارک

پنجشنبه یازدهم ماه آگست ۲۰۲۲

حدیث شماره ۸۹

جمعه مبارک

سلام عزیزان

یک سال از حاکمیت ظالمانه طالبان گذشت و شرایط اقتصادی کشور روز به روز به خرابی گرایید. مردم فقیر تر شدند. کسب و کار و کاسبی از بین رفت. گزارشات حاکی است که افغانستان در جمله فقیر ترین کشورهای جهان قرار گرفته است. بانوان که نفقه آورنده بودند دست شان از کار گرفته شد. بسیاری مشاغل را غیر شرعی دانستند در حالیکه هیچگونه حدیث در مورد وجود ندارد. طالبان که لاف امنیت را می زدند امنیت مردم را هم تأمین کرده نتوانستند به جز اینکه دیگر انتحاری نیست، عمل که خود شان انجام میدادند. وقتی داستان عمران کعبه را می خوانیم حضرت ابراهیم علیه السلام اول برای امنیت کعبه دعا کرد و دوم برای وفرت کعبه. هدف از وفرت همانا اقتصاد قوی است که امروز کشور نه امنیت دارد و نه وفرت و جنگ برای آزادی افغانستان که طالبان انکار می کنند دوام دارد که ان شاء الله تا بهار آینده پیروز خواهد شد و مردم از ستم به نام دین و سنت رهایی خواهند یافت. وظیفه یک حکومت اسلامی باشد یا غیر اسلامی ایجاد اقتصاد قوی است تا مردم خود اکتفا شوند و از فقر جلوگیری صورت گیرد. دو نوع فقر است: فقر اقتصادی و فقر فرهنگی و امروز افغانستان به هر دو مواجه است در اسلام. فقر فرهنگی باعث فقر اقتصادی می شود زیرا وقتی مردم دلسرد شدند و دست شان دراز شد اولین بی اعتمادی که رخ میدهد این است که مردم از حکومت سلب اعتماد می کنند. و وقتی سلب اعتماد به وقوع بپیوندد از دیار اسلام فرار میکنند چنانچه جوانان به خاطر فقر و تنگدستی فرار کرده اند. مهمتر اینکه آنان که دین را نمیدانند که برای رفاه و آزادی انسان است انتباه غلط از دین میگیرند و این به کفر می انجامد. حضرت رسول کریم (ص) فرموده است

که: "کاد الفقر ان یکون کفرا" یعنی بیم آن است که فقر به کفر انجامد. بلی وقتی مردم گرسنه باشند و دست شان دراز به دین بی اعتماد می شوند و این بزرگترین مصیبت است که طالبان جاهل به بار آورده اند.

جمعه مبارک

پنجشنبه ۱۸ آگست ۲۰۲۲

حدیث شماره ۹۰

جمعه مبارک

سلام عزیزان

سال گذشته بود که من صد حدیث پیامبر اسلام (ص) را به زبان انگلیسی زیر عنوان اندرز های پیامبر به چاپ رساندم که مورد تحسین جوانان و خانواده ها قرار گرفت. آن احادیث بسیار کوتاه بدون تشریح و تذکر نام راویان بود. خواستم تا توجه جوان را فقط به متن حدیث جلب کنم که یک اندرز را زود به حافظه بسپارد. در عین زمان نود هفته قبل مسائل روز را به اساس احادیث رسول اکرم (ص) تشریح کردیم و این مجموعه هم بعد از ده حدیث دیگر به پایان می رسد. سال آینده بعد از ختم صد حدیث یک مجموعه دیگر به زبان فارسی / آلمانی / فرانسوی برای جوانان که در اروپا زندگی می کنند ان شاء الله به چاپ خواهد رسید. این مجموعه هم مانند مجموعه انگلیسی صد حدیث خواهد بود اما با تشریح و توضیح مانند متن امروزی که پیشکش شما می شود.

در اثر تبلیغات سوء بر علیه اسلام توسط مخالفین خارجی و داخلی اسلام که از روز اول ظهور دین محمد آغاز شده است و تا امروز دوام دارد ما در موقف دفاعی نه تنها دین بلکه ایمان خود هستیم که هر روز تعرض صورت میگیرد. وقتی من در یک برنامه تلویزیونی زیر عنوان آزادی فکر و عقیده و آزادی بیان یک جوان را می بینم که دعوت شده است که می گوید دین اسلام دروغ است، محمد قرآن را نوشته است و این کتاب، کتاب خدا نیست (العیاذ بالله) قطعاً تعجب نه می کنم زیرا دشمنان اسلام می دانند که اگر ما مسلمانان به دین خود چنگ زنیم و زن و مرد مسلمان بیدار شود راه استثمار کشور های ما، راه استعمار کشور های ما، راه استثمار جوانان ما، راه بی فرهنگی و بی بند و باری جوانان ما همه و همه بسته میشود و دیگر قادر نخواهند بود تا زندگی ما را به بازی بگیرند. تبلیغات ضد اسلام از هر طرف قمچین وار به سر ما

وارد می شود و درین حالت که ما در دفاع قرار داریم باید صبور باشیم و اسلام محمد (ص) را به بهترین صورت آن معرفی کنیم تا جاهل و منافق و آنهاییکه از زمان مدینه با پیامبر و اسلام تا امروز می جنگند و کتاب های دروغ به ضد اسلام نشر می کنند، خجالت بکشد. من از جوان گله ندارم که در پشت پرده تلویزیون ظاهر می شود به محمد (ص) دو و دشنام می دهد. همانطور که چند تا به نام پروتالیا مغز شویی شد همانطوریکه چند تا به نام دموکراسی بی ناموس مغز شویی شد و همانطوریکه چند تا به نام دین و سنت مغز شویی شده است و همانطوریکه مردم بیچاره ایران به نام امامت مغز شویی شده است جوان ما هم مغز شویی شده است. اما وای به حال آنانیکه رئیس حزب و حرکت سیاسی هستند از اسلام محمد (ص) خبر ندارند و میخواهند حتی مردم را رهبری کنند. چنانچه امروز آقای آشفته از حرکت خط سوم برای من نوشت که چیزی به نام اقتصاد اسلامی وجود ندارد (استغفرالله). وقتی رهبران حرکت های سیاسی مغز شویی شده باشند از پسر بچه ۲۴ ساله هیچ گله نباید کرد. اما تأسف انگیز است که چون هنر سیاست در جهان امروز چرب زبانی و فریب مردم است هزاران نفر را به نام خط سه و چهار فریب میدهند تا به مقام برسند. ما می دانیم که طالب و داعش و قاعده را کی ها ساخت و اسلام را کی بد نام کرد اما همه بدانند که تا یک نفر مؤمن واقعی زنده است از اسلام دفاع می کنند و دین محمد (ص) را مصالحه نه می کنند چنانچه وقتی کفار به محمد (ص) وعده های گوناگون کردند که از اسلام صرف نظر کند، رسول خدا کفان دستان اش را نشان داد و گفت اگر آفتاب را در دست راست اش بگذارند و مهتاب به دست چپ او از اسلام و کلمه لا اله الا الله تیر نمی شود. من هم به آنهاییکه مغز شویی شده اند و حتی خبر ندارند که اسلام با اقتصاد چه رابطه دارد و یا خود را به کوچه حسن چپ می زنند، زیرا معلوم می شود برای همان های کار میکنند که در صدد تخریب و بد نامی اسلام هستند، بدانند که نیرنگ های سیاسی شما سر مردم شریف و مؤمن کشور های مسلمان کار نه می کند و پیغ زدن های شما و چرب زبانی های

شما مطلق بیفایده است و جز برای خود بدنامی چیزی کمایی نه می کنید و مثل که امروز بوی های شان برآمد در آینده دور یا نزدیک دود های شان خواهد برآمد.

جمعه مبارک

پنجشنبه ۲۵ آگست ۲۰۲۲

حدیث شماره ۹۱

جمعه مبارک

سلام عزیزان

ما در جهان دموکراسی بی بند و بار زندگی می کنیم و این موقع را مساعد ساخته است که زیر عنوان آزادی فکر و قلم موضوعات که اساساً اول اسلام بنیانگزار آن است دشمنان اسلام را هر روز بکوبند و محمد (ص) توهین کنند. در حالیکه این قرآن بود که به تعقل و تفکر و علم بیان و علم قلم مردم را دعوت کرد تا از هر گونه اسارت نجات پیدا کنند. اما حالا مردم در باره قرآن به جای روشن گری مجادله می کنند و میخواهند که ثابت سازند که قرآن دروغ است و کلام خدا نیست (استغفرالله). قرآن مجید شک کردن، و سوال کردن، تعمق کردن و فکر کردن را مطلق مجاز می داند و اما چیزی را که کفر می پندارد دروغ پنداشتن قرآن یعنی که (استغفرالله) خدا دروغ می گوید. محمد (ص) را دروغگو شمردن و یا موجودیت خدا را انکار کردن است که کفر است. اما در زبان عربی کفر معانی مختلف دارد و یکی آن ناسپاسی است. طور مثال مردم یهود کافر نبودند و اما ناسپاسی میکردند. کسانی که ایمان به خداوند، روز آخرت، قرآن و پیامبر دارند در مورد قرآن جر و بحث نه می کنند یا اینکه قرآن را زیر سوال برند که حق است و یا حق نیست و این ناسپاسی است. این بدین معنی نیست که مردم قرآن را کورکورانه قبول کنند و اما بدون کسب علم جر و بحث همان جهالت خود ما را نشان میدهد. هدف از اسلام در جر و بحث روشن ساختن موضوعات است، به حق رسیدن است و کمبودی های خود را منحصیث مسلمان پر کردن است که ما همه داریم. اما این نیست که ما با جر و بحث های بیجا به کفر رویم و خود را مسخره کنیم.

قرآن ساینس $2+2=4$ نیست و اما علم است و علم لدونی است. نه تنها علم است بلکه حکمت است که راز حکمت را خداوند به

عده محدود می‌دهد نه همه. اسلام دین است که زیر بنای آن علم است هم علم اکتسابی و هم لدونی. در عین زمان زیر بنای تمدن اسلامی علم است:

چو شمع از پی علم باید که اخت که بی علم توان خدارا شناخت

هدف مجادله در اسلام قسمیکه گفتیم به حقیقت رسیدن است نه اینکه با مجادله ما به کفر سوق داده شویم. مجادله که واژه عربی است یعنی خصومت، جنگ، دعوا، ستیزه، کشمکش، مناقشه و آشوب است که این هدف قرآن مجید نیست. واژه متضاد مجادله، مصالحه است که از صلح آمده است و هدف قرآن مجید صلح است نه جنگ. بلی در اسلام جنگ است و اما به ضد کفر. آنهم وقتی کفر اول تجاوز کند و مسلمان حق ندارد که اول تجاوز کند. حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که: "الجدال فی القرآن کفر" یعنی مجادله در باره قرآن کفر است. آنانیکه به قرآن اعتقاد ندارند و حکمت قرآن را ندانسته اند و با خواندن چند کتاب تاریخ که توسط دشمنان اسلام نوشته شده است می خواهند اسلام را بکوبند اساساً نادانی خود را ثابت می سازند و به ما مسلمانان اجازه داده نشده است که آنانیکه کفر می ورزند جر و بحث کنیم نه اینکه ما جر و بحث کردن را نیاموخته ایم بلکه قرآن به ما می گوید که صم بکم عمی فهم لا یرجعون یعنی آنها کر اند، گنگ اند و کور اند لذا از راه خطا باز نمی گردند. پس این مردم را به حال خودشان بگذار زیرا تا یک انسان خودش حقیقت را پیدا نکند تو نه می توانی او را به حقیقت برسانی و قرآن در مورد این اشخاص زیبا دستور می‌دهد که و الجاهلون قالوا سلاما یعنی به جاهل سلام بده و در گذر.

جمعه مبارک

پنجشنبه اول سپتامبر ۲۰۲۲

حدیث شماره ۹۲

جمعه مبارک

سلام عزیزان

درین روزها به خاطر بی عدالتی‌ها و حماقت‌های طالبان یک دسته کفار افغانستانی تبرشان دسته یافته است و هی قسمیکه در حدیث هفته گذشته گفتیم اسلام را می‌کوبند. جالب این است که کفار میخواهند که ما مسلمانان از گفتن بعضی واژه‌های که قرآن به ایشان خطاب کرده است جلوگیری کنیم. یکی ازین واژه‌های قرآنی جاهل است که قرآن آنانیکه قرآن را رد میکنند جاهل خطاب می‌کند و برای مسلمان حکم شده است که با این مردم یک و دو نگوئید. ناگفته نباید گذاشت که مسلمان که ادعای اسلامیت می‌کند و اما نتوانسته است مسائل را مانند طالبان درک کند، او هم جاهل است. یعنی جاهل تنها او نیست که خداوند (ج) و قرآن مجید و محمد (ص) را رد می‌کند. مسلمان نادان مانند طالبان هم جاهل است. به این حدیث توجه کنید که پیامبر (ص) فرموده است که: "نوم علی علم خیر من صلاه علی جهل یعنی خواب با علم بهتر از نماز با جهل است." این حدیث پیشوای اسلام نه تنها بالای طالبان صدق می‌کند بلکه بالای عده کثیر مسلمانان صدق می‌کند که در صدد درک حقیقت نیستند و در مسائل ایمانی خود دو دله هستند و نه می‌توانند حق را از باطل تشخیص کنند. دین برای یک طبقه خاص نیست. دین برای همه است و باید در آموختن اصولی آن کوشا بود. اما کفار گرچه اعتراف نه می‌کنند فوق العاده بی تربیت هستند. معاشرت با اینها و یا آنانیکه دین را به بازی میگیرند برای اصول اخلاقی خود ما درست نیست. لیبرالیزم (آزادیخواهی) غربی باعث شده است که ما در مقابل خالق خود بیتفاوت شویم و این به سود یک زن و مرد مؤمن نیست. پیامبر اسلام (ص) فرموده است: "که به خاطر خدا دوست شوید و به خاطر خدا جدا شوید." ما

حق نداریم کفار را توهین و اهانت کنیم و اما باید موقف ما روشن باشد و باید بدانند که توهین و اهانت به اسلام و قرآن و پیشوای اسلام ایشان را به هدف نه می‌رساند. گویند که یک عده را اینها بیراه می‌سازند. این سخن مطلق نادرست است زیرا در اسلام هیچ کس بیراه نمیشود مگر خودش نخواهد. هیچ کس مسؤل گناه کسی دیگر نیست. قرآن صریح می‌گوید که به جاهلان سلام بگویید و بگذرید زیرا یک ضیاع وقت است. راه ما روشن است. قرآن ایشان را جاهل خطاب می‌کند و از ما آزرده نشوند که ما ایشان را هم جاهل می‌گوییم و این توهین نیست زیرا این سخن ما نیست سخن قرآن است که به ایشان می‌گوید. آنانیکه مسلمان هستند هم بعضی اوقات از جهالت کار میگیرند و خود شان باید خود را برسانند، کتاب بخوانند و با جهل به خواب نروند و یا نماز را نا دانسته خواب کنند یعنی با جهل خواب روند.

جمعه مبارک

پنجشنبه هشتم سپتامبر ۲۰۲۲

حدیث شماره ۹۳

جمعه مبارک

سلام عزیزان

چند سال قبل یک خانواده من را دعوت کرده بود تا همراهی اولاد شان صحبت کنم تا خوبتر درس بخوانند و رهنمایی شوند. دخترک هشت ساله وارد سالون شد و من به احترام کودک به پا ایستاد شدم. مادرش خطاب به من گفت که شما چطور یک آدم کلان به احترام یک کودک ایستاد می شوید شما ما را خجالت میدهید. جواب من این بود که اگر ما کودکان و جوانان خود را احترام نکنیم اینها ادب و تربیه و احترام را از کجا بیاموزند؟؟

از نگاه علم پیداگوژی یا آموزش و پرورش کودکان، بزرگان باید برای کودکان و نو جوانان یک الگو باشد و این سنت رسول اکرم (ص) است که برای مردم، خورد و کلان یک الگوی از اخلاق و ادب بود. پیشوای اسلام هرگز به کسی نه می گفت که این کار را بکن و یا نکن. او همیشه یک کار را خودش انجام میداد تا دیگران بیاموزند و در زندگی خود تطبیق کنند. لذا دین با الگو گرایی تدریس می شود.

متأسفانه در فرهنگ ما کودکان بطور باید و شاید احترام نه می شوند و حتی توهین می شوند، کم زده می شوند، بی عقل گفته می شوند. لت و کوب می شوند برای اینکه به راه راست باشند در حالیکه دین ما و علم آموزش و پرورش تدریس می کند که باید به کودکان احترام گذاشت و با ایشان با ادب صحبت کرد و نباید با خشونت با ایشان رفتار نمود. از نگاه روانشناسی کودکان، "مردمان کوچک" گفته می شوند. معنی این سخن این است که آنها همه صفات که یک انسان کلان سال دارد آنها هم دارند و اما فقط کوچک هستند و تجربه ندارند. کودکان احساس دارند، درک و شعور دارند، استعداد و عقل دارند و اما هنوز عقل شان به پختگی نرسیده است و تجربه ندارند و برای اینکه انسان های خوب بار

آیند باید با ایشان بسیار مؤدبانه و با احترام رویه کرد. کودکان از بزرگان خوب و بد را می آموزند. به یاد دارم نو جوان ۱۲-۱۳، ساله بودم، مرحوم میوندوال همراهی یکی دو تا از دوستان دیگر در چهارراهی صدارت، محل که خانه ما موقعیت داشت، مهمان پدرم بودند. آن زمان مرحوم میوندوال صدراعظم نشده بود. در دهلیز مادرم دست من را کشید که تو در سالون نرو که مهمان است. پدرم دست من را گرفت و با خود برد و به مادرم گفت که "بان که با من باشد و گپ زدن را یاد بگیرد" و من رفتم در کنار پدرم نشستم و فقط گوش میکردم. مرحوم پدرم من را منحیث یک نو جوان احترام کرد.

در فرهنگ ما همه چیز بر عکس است. ما از خوردان توقع داریم که به ما سلام گویند در حالیکه این ما هستیم که باید به خورد سلام گوئیم. به این حدیث حضرت رسول کریم (ص) توجه کنید: "از سلام گفتن به کودکان تا زنده ام دست بر نمیدارم تا پس از من این رسم و راه در جامعه پایدار بماند."

همین کودکان هستند که فرزندان آینده خانواده ها و کشور هستند و باید طوری بزرگ شوند که افتخار همه ای ما باشند. محمد مصطفی (ص) فرموده است که: "بر کودکان خود درود بفرستید زیرا آنها آیندگان شمايند."

عزیزان: اگر جوان شما بیراه می شود و یا به شما احترام نه می کند از خود سوال کنید که چه کمبودی از طرف شما صورت گرفته است که یک موجود که امانت شماست از شما دلسرد شده است.

جمعه مبارک

پنجشنبه ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۲

حدیث شماره ۹۴

جمعه مبارک

سلام عزیزان

اعتراضات بانوان هفته اخیر در ایران می تواند یک شروع قوی برای حصول آزادی زنان و همه مردم از تحجر و فساد به نام دین شود. دین آمد تا مردم از هرگونه اسارت نجات پیدا کنند و اما با کمال تأسف مردم مسلمان توسط قشر مذهبی که همیشه از دین سوء استفاده کرده اند و مردم را از حق آزادی محروم کرده اند، اسیر شده است. این مبارزات باید شدید توسط مردان حمایه و پشتیبانی شود. اگر شما واقعاً همسر، دختر، خواهر و مادر تانرا دوست دارید و احترام می کنید باید برای آزادی شان از استثمار به نام دین و سنت مبارزه کنید. امروز در ایران و افغانستان فساد گسترده زیر عنوان دین توسط زمامداران نادان و فاسد در جریان است که حتی مردم جان خود را از دست می دهد و زعیم کشور حتی یاد نه می کند. موضوع ایران تنها موضوع ایران نیست بلکه شامل همه مسلمانان می شود و ما مردم. افغانستان از خواهران ایرانی حمایه و پشتیبانی می کنیم.

سطح رهبری کشور به جای اینکه در افغانستان و ایران متوجه مردم باشند، متوجه قدرت خود هستند تا چطور مردم را سر کوب کنند و به قدرت باقی مانند. امروز یک عده زیاد ایرانیان و افغانستانی ها از کشور شان فرار کردند. به خاطر مخالفت با رژیم دیکتاتوری شکنجه می شوند. فساد وقتی در یک کشور اسلامی نوده می زند که زمامدار فاسد باشد و همچنان علما فاسد باشند که نتوانند از حقوق مردم پشتیبانی کنند. به زور سر بانوان حجاب می کنند و خودشان به صد فساد اقتصادی دخیل هستند. حجاب در اسلام اجباری نیست. آخوند و ملا نام اسلام را بد کردند و واقعاً برای این حکومت ها شرم است که مردم باید با ترس زندگی کنند. چنانچه بانوان ایرانی وقتی از ایران خارج می شوند در داخل

هواپیما چادر نماز سیاه را به دور می اندازند.

فحشا و فساد زمانی زیاد می شود که مردم اول از حقوق حقه انسانی شان محروم شوند. اقتصاد کشور خراب باشد و نتوانند خود را اعاشه کنند چنانچه در افغانستان کودکان را به فروش رساندند و سوم مردم از دولت شان ترس داشته باشند. دولت و حکومت در اسلام برای این نیست که مردم بترسند بلکه خود را آرام حس کنند و از کشور خود فرار نکنند. در حدیث حضرت رسول کریم (ص) میخوانیم که ”دو گروه از مردم اند که اگر صالح بودند مردم بصلاح آیند و اگر فاسد بودند به فساد گرایند: دانشوران و زمامداران.“

امروز مذهبی برای بقای خود دست اش را با دولت که مردم را در هر دو کشور استثمار می کند، یکی کرده است به جای اینکه مانند امام حسین (رض) در مقابل ظلم و استبداد ایستادگی کند و مذهبی در افغانستان هم مانند یکی که قربانی انتحاری شد از طالب متحجر دفاع میکرد و تعداد شان زیاد است. این دولت ها باید سرنگون شوند. مردم ایران و افغانستان مسلمان هستند و دین خود را دوست دارند و اما نباید به نام دین توسط یک گروه ملا و آخوند استثمار شوند.

قرآن به وضاحت می گوید که همه مؤمنین در دین با هم خواهر و برادر هستند و ما همه یک امت اسلامی هستیم و از حقوق بانوان ایران و افغانستان برای رسیدن به آزادی شان حمایه و پشتیبانی و دفاع می کنیم.

جمعه مبارک

پنجشنبه ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲

حدیث شماره ۹۵

جمعه مبارک

سلام عزیزان

زمان رسیده است که ما باید بطور موزون و علمی از دین خود دفاع کنیم و حقیقت را به مخصوصاً جوانان ما بگوییم. کفر و الحاد روز به روز زیاد شده می رود و این مسئولیت علما و دانشمندان است که مطابق شرایط زمان و مکان دین را معرفی کنند. متأسفانه دانشمندان ما یک وجب هم از تفکر اسلامی قدیمی خود به پیش نه می روند و این باعث شده است که نسل جوان به بیراهه سوق داده شود. با کفر مردم، خدا از خدایی خلاص نمیشود و اما این خانواده ها و اجتماع ما است که شدید صدمه می بیند. درین بخش دانشمندان و پدران و مادران سخت مسئولیت دارند اما باید دین را با تفکر جدید و شرایط روز تبلیغ کنند.

چند روز قبل یک بانوی جوان در گروپ جمعه مبارک نوشت که پسرش را به یک مرکز اسلامی برده بود تا مسلمان بار آید. درین مرکز به دختران و پسران نو جوان تدریس شده است که شما نباید طرف چشمان همدیگر نگاه کنید چون فتنه برپا می شود. اول آیه ای که درین مورد چشمان که مسلمانان زن و مرد نباید به هم نگاه کنند برای مردان و زنان کلان سن است نه نو آموزان و نو جوانان. دوم ما در یک کشور زندگی می کنیم که در وقت صحبت تماس چشم که Eye Contact می گویند بسیار مهم و حیاتی است. نتیجه اینکه پسرک این بانوی محترم قطعاً از خانه بیرون نمیرفت تا با جنس مقابل چشم به چشم نشود و گوشه گیر و خانه نشین شده بود. والدین که اظطراب و دلهره را درین نو جوان دیدند و متوجه شدند که حتی نمرات او در مکتب پایین آمده است از مرکز اسلامی او را کشیدند. موضوع را به من در گروپ جمعه مبارک نوشت و من توصیه کردم که احکام نظر به شرایط زمان و مکان تغییر می کند و باید به پسر تان پدیده ای

نیت را تعلیم کنید که وقتی تو به کسی نگاه می کنی نیت تو چه است؟ خداوند طرف قلب های ما می بیند نه چهره ما. همه اعمال ما به نیت ما بستگی دارد. و این حدیث پیشوای اسلام است که انما الاعمال بالنیات.

من من حیث یک محقق دین اسلام توصیه می کنم و تا حال چندین بار این خواهش را کرده ام که قرآن را نظر به زمان و مکان تفسیر کنید در غیر آن ما، مانند پسرک که داستان او را برای شما گفتم به مشکلات زیاد مواجه می شویم و شده ایم. یک دلیل عمده که مسلمانان بسیار عقب مانده شده اند همین است که دین و قرآن را با دید و بینش ساینس و نیازمندی های امروزی نه می بینند در حالیکه قرآن کتاب است که در هر زمان خودش را تفسیر می کند و زیبایی قرآن در همین است. ما از کتاب های کهنه و قدیمی نقل قول می کنیم بدون اینکه ارزیابی کنیم که همان تفسیر به درد امروز میخورد یا خیر.

قرآن برای همه اعصار نازل شده است و باید به اساس زندگی امروزی پیشکش جوانان شود در غیر آن کودک و نو جوان ما مسؤل نیست. ما همه مسؤل هستیم.

جمعه مبارک

پنجشنبه ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۲

حدیث شماره ۹۶

جمعه مبارک

سلام عزیزان

یکی از اساسات عمده ای عقیده اسلامی از نگاه روانشناسی امید به خداوند داشتن و اعتماد به خداوند یعنی توکل است.

آزادیخواهان در جستجوی راه حل هستند و ما مسلمانان که اول به آزادی انسان اعتقاد داریم نباید مأیوس و نا امید شویم. همه باید برای اعاده صلح و آزادی، پایدار باشد و درین راه زحمت کشد. رسول اکرم (ص) فرموده است که: ”پیروزی همراهی پایداری است.“ مدافعان راه آزادی باید در راه که رفته اند پایدار باشند و امید را از دست ندهند. کشورها تجارب خراب تر از افغانستان را داشته است و اما مردم برای پیروزی پایداری نشان داده اند. همین حالا روسیه خاک اوکراین را اشغال کرده و پارلمان روسیه مناطق اشغال شده را جز قلمرو روسیه اعلام کرد و اما می بینید که مردم اوکراین به مبارزه دوام میدهند و در صدد پس گرفتن خاک خود هستند. ما باید در عزم خود برای استقلال افغانستان راسخ باشیم و ان شاء الله مبارزین واقعی عدالت و آزادی و کرامت انسانی دری را که کوبیده اند که در آزادی است و گشوده خواهد شد و ما روزی تجلیل خواهیم کرد. حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که: ”آنکه دری را بکوبد و باز بکوبدسر انجام آن در گشوده می شود. در رابطه به حدیث فوق مولانای بلخ گفته است:

گفت پیغمبر که چون کوبی دری

عاقبت زان در برون آید سری

عزیزان:

ما باید استقامت داشته باشیم و بلاخره روشنایی استقلال و آزادی پدیدار خواهد شد. ما باید از تجارب گذشته، اشتباهات گذشته و از دگرگونی های جهانی پند گیریم و به پیش برویم و ان شاء الله موفق می شویم. ما باید غافل نباشیم. در عزم خود راسخ باشیم. خداوند مردم غافل را دوست ندارد. حضرت محمد (ص) فرموده است که: "غافلترین کسانی اند که از دگرگونی جهان پند نگیرد." در رابطه به حدیث که گفته آمد فردوسی چنین گفته است:

جهان سر بر سر حکمت و عبرتست
چرا بهره ی ما همه غفلتست؟

نا امید، غفلت و عزم نداشتن در امور کار یک مسلمان نیست و ما با امید و سعی و تلاش (و ان لیس للانسان الا ما سعی) و توکل به خداوند پیروز می شویم.

جمعه مبارک

پنجشنبه ششم ماه اکتوبر ۲۰۲۲

حدیث شماره ۹۷

جمعه مبارک

سلام عزیزان

یکی از مسائل عمده ای اخلاقی ما مردم دو رویی است که انسان ها دو چهره دارند و خود را پنهان می کنند و تظاهر به ایمان می کنند و این بدترین صفت است. در سفر های اروپا دوستان زیاد را ملاقات کردم و چیز های نو آموختم و یکی آن همین بود دانستم که بعضی اشخاص دو رو است. سوال درین است که چرا مردم درین کشور های که به اصطلاح آزاد هستند و گروپ های خود را دارند دو رویی می کنند. از چه می ترسند؟ چرا تظاهر می کنند. آفتاب که به دو انگشت پت و پنهان نمی شود. دو چهره داشتن نه تنها صفت بسیار بد است منافقت است و جامعه را به چالش ها می کشاند زیرا مردم بلاخره می دانند که حریف از کدام قماش است. رسول اکرم(ص) فرموده است که: ”آدم دو رو تا چه اندازه پست و نکوهیده است، در حضور یک چهره دارد و در غیاب چهره ای دیگر.“

دو رویی و منافقت از شروع اسلام بوده و از همین سبب در سوره بقره خداوند در مورد منافقین بسیار سخن دارد. اما باید بدانید که چه کسان دو رو هستند. آنانیکه به خداوند اعتقاد ندارند که از دل های شان آگاه است. چون اعتقاد ندارند که خداوند آنها را می بیند، می شنود و از راز پنهان شان آگاه است منافقت و دو رویی برای شان یک امر طبیعی و عادی است و شاید این صفت را در جمله صفات هوشیار بودن و ذکی بودن خود حساب میکنند که کسی قادر نیست ایشان را بشناسد لذا برای پیشبرد امور شان درست است که همین بازی را بازی کنند.

عزیزان،

منافقت، دو رویی و دو چهره داشتن نه تنها اخلاقی نیست بلکه

می تواند یک تکلیف روحی و روانی باشد زیرا اشخاص نورمال و متعهد به اسلام و یا هر ایدیولوژی دیگر دو رو بوده نه می توانند. لطفاً برای مطالعات بیشتر روانشناسی اسلامی، کتاب این محقق را زیر عنوان مبانی روانشناسی در اسلام به زبان انگلیسی که در سایت آمازون به دسترس شما قرار دارد مطالعه کنید.

جمعه مبارک

پنجشنبه ۲۰ اکتوبر ۲۰۲۲

از شهر پاریس، فرانسه

حدیث شماره ۹۸

جمعه مبارک

سلام عزیزان

یکی از موضوعات مهم روانشناسی در خانواده کنترل عصاب خرابی و قهر شدن است. این موضوع را در آداب معاشرت هم نوشته ام و اما چون خانواده واحد کوچک اجتماع است باید توجه عزیزان را جلب کنیم که در داخل خانواده این مسله مهمتر از اجتماع است. اعضای خانواده پیر و جوان به محبت احتیاج دارد. می شود که اعضای خانواده در موضوعات اختلاف نظر داشته باشند و اما این اختلاف نظر نباید به عصبی شدن گرایش پیدا کنند. رئیس خانواده مسئولیت بزرگ دارد تا نظم خانوادگی را با میانجی گری عادلانه بین اعضای خانواده برقرار سازد. خود شخص رئیس چه مرد باشد و یا چه زن باشد مسئولیت بزرگتر دارد زیرا رئیس خانواده باید یک الگوی اخلاق و تربیه و پیشامد نیک باشد. باید شرایط را مطالعه کرد. نباید به خاطر مردم از بیرون خانواده که اعصاب ما را با سخنان بیمورد خراب می کنند ما اعضای خانواده خود را برنجانیم، در مسائل داخل خانواده خداوند به ما گفته است که در امور مشوره کنید. همچنان قرآن مجید به ما گفته است که بدی را به خوبی جواب گوئید و وعظ حسنه کنید. قرآن مجید برای مسلمان رهنما و هدایت با علم و حکمت است و در کنار آن احادیث ثقه حضرت رسول کریم (ص) قهر شدن و اعصاب خرابی را محکوم می کند. علمای اسلام به اساس قرآن مجید و احادیث رسول اکرم (ص) زیاد نوشته اند. در فقه شیعه غضب را به غضب پسندیده و ناپسند تفکیک کرده اند. پسندیده آن است که برای دفاع از اسلام شخص غضب می شود و باقی همه ناپسند است. این ناپسندی نباید به حد باشد که نظم خانواده را بر هم زند. بعضی اوقات کسانی که حرف شنو نیستند نباید در اصرار عقاید تاکید کنیم حتی که حق به جانب باشیم. حضرت رسول کریم

(ص) فرموده است که: "غضب ایمان را فاسد می گرداند چنانکه سرکه غسل را فاسد می کند." برای یک مسلمان متعهد اول ترین مسئله در زندگی ایمان اوست و ایمان هم نزد ما یک امانت است و ما با اعمال و گرفتار خود نباید به ایمان خود خیانت کنیم.

جمعه مبارک

شهرمتر، فرانسه

حدیث شماره ۹۹

جمعه مبارک

سلام عزیزان

آهسته آهسته می رسیم به ختم سلسله حدیث هفته. حدیث صدم در هفته آینده آخری است و بعد از آن کوشش می کنیم که این سلسله به زبان آلمانی و فرانسوی به چاپ برسد تا جوانان ما در اروپا بی بهره نمانند.

یک دلیل که من حدیث هفته را نوشتم این است که مردم ما چه از افغانستان است و چه ایران است اکثراً فرهنگ اسلامی ندارند با اینکه مسلمان هستند. بنیانگزار فرهنگ والای اسلام حضرت محمد (ص) است که یک الگو برای جامعه ی نه تنها مسلمان بلکه بشریت است. بسیار مشکلات ما در جامعه و خانواده به خاطر این است که ما فرهنگ اسلامی نداریم. با ظهور طالب نادان، داعش و دیگر گروه های تند رو به نام اسلام، فرهنگ اسلام بسیار صدمه دید و مردم بیخبر از اسلام و بیخبر از شخصیت والای پیامبر، از عملکرد این گروه ها فوراً نتیجه گرفتند که اسلام دین خشونت و بربریت است و تاخت و تاز به جای اینکه به طالب جاهل و گروه های نادان باشد به اسلام شد. کفار عرض اندام کردند و به برنامه ها دعوت شدند و زیر نام آزادی و دموکراسی خواستند اسلام را بد نام کنند و بکوبند و زیر سوال برند. من که این وضعیت و این خرافات را متوجه شدم صد حدیث پیامبر را که به قرآن مطابقت داشت سال گذشته به زبان انگلیسی زیر عنوان اندرز های پیامبر برای جوانان ما که در آمریکا و کشور های انگلیسی زبان بزرگ شده اند به چاپ رساندم و در سایت آمازون موجود است و همچنان این سلسله را با توضیحات موضوعی شروع کردم که سال آینده من حیث یک مجموعه به چاپ خواهد رسید. زیرا کار ما مبارزه علمی است. چیزیکه آنها گفتند ما با علم رد کردیم. هر روز که کفر گفتند به ایمان ما فزونی آمد و زیاد تر

به ایمان خود افتخار کردیم. کفر آنها ما را زیاد تر تشویق به مطالعه کرد و زیاد تر حقیقت را شناختیم که ازین بابت از کفار محترم تشکر می‌کنم. بلی کفر آنها باعث شد تا ما دیانت خود را علمی تر بشناسم.

بسیار صریح و واضح و پوست‌کننده منحیث یک تحصیل یافته غرب زمین بگویم که بی دینی نه تنها که افتخار نیست یک کمبودی بسیار عمیق فکری، علمی، تربیوی و انسانی است. بی دینی یعنی خرافاتی زیرا همه جهان هستی دین است و اویکه دین را رد می‌کند، جهان هستی و صانع آنرا رد می‌کند و به خرافات پیوسته است. خرافه پرستی این است که انسان به یک چیز که حقیقت ندارد اعتقاد دارد و حقایق و رازهای زندگی را انکار می‌کند و مانند فضا نورد می‌ماند که در فضا خارج از جو زمین معلق مانده و تکیه گاه ندارد.

چهار خرافات بزرگ در زندگی انسان است که از بی دینی سرچشمه میگیرد:

اول شرک

دوم خود خواهی، کبر و غرور

سوم جهل

چهارم بد گمانی و سوء ظن به خداوند

حضرت رسول کریم (ص) فرموده است که: ” با پدید آمدن اسلام، تمام عقاید خرافی و تفوق طلبی های غلط نابود شده و زیر پای من قرار گرفته است.“

الها پرودگارا ما را ازین چهار خرافات بزرگ یعنی شرک، کبر و غرور، جهل و نادانی و سوء ظن در امان داشته باش و ما را در جمله صالحین و شاکرین محشور بگردان.

جمعه مبارک

پنجشنبه دهم نوامبر ۲۰۲۲

حدیث شماره ۱۰۰

جمعه مبارک

سلام عزیزان

خداوند را سپاسگزارم که صد حدیث ثقه حضرت رسول کریم (ص) را با تشریحات موضوعی و رابطه حدیث در زندگی امروز خدمت شما مؤمنان عزیز تقدیم کردم و امروز حدیث شماره ۱۰۰ تقدیم شما می شود و این سلسله در همین جا ختم می شود. به نوشتن آداب معاشرت، برگه های از تاریخ افغانستان و مضامین کوتاه به زبان انگلیسی برای جوانان که در غرب زمین زندگی دارند دوام خواهم داد.

از نگاه تحقیقات علمی و طرز العمل تحقیقات جدید که در دانشگاه های امروزی به نام Methodology of Research یاد می شود قبول کردن راوی در احادیث که از قدیم به ما رسیده است کار ما را مشکل می سازد زیرا از دهن پیامبر اکرم (ص) نقل قول شده است نه اینکه شخص پیامبر آن احادیث را بررسی کرده باشد و اجازه داده باشد که درست است. ازین رو، ما باید دقت کنیم که حدیث باید اول مطابقت به قرآن داشته باشد. دوم به شخصیت والای پیامبر (ص) زیرا قرآن مجید او را رحمت للعالمین خطاب کرده است. سوم به عدل مطابقت داشته باشد زیرا قرآن کریم نه تنها که کتاب علم و حکمت و هدایت است، کتاب عدالت است. چهارم چون قرآن عظیم الشان برای مسلمانان کتاب علم است، آورنده ای این کتاب که رسول اکرم (ص) است باید مظهر علم باشد. یعنی اگر یک حدیث با سه مرجع مطابقت نداشته باشد مرجع آخری علم است که باید از نگاه علمی جوابگو باشد. این چهار رکن از نگاه اسلام شناسی ما را قادر می سازد که یک حدیث را کورکورانه قبول نکنیم.

علم جامعه شناسی ما را از تیوری Functionalism آگاهی میدهد. این تیوری در زبان فارسی نظریه کارگرد گرایبی ترجمه می شود. درین نظریه جامعه بخش های متفاوتی دارد و این بخش ها با

هم در ارتباط هستند. هر بخش کارگرد ویژه ای دارد و هیچ بخشی بدون کمک بخش دیگر کار کردی ندارد. بطور مثال یک دانشگاه نه می تواند بدون اسانید و مدیران خود فعالیت کند.

وقتی قرآن می گوید "و قل رب زدنی علما" یعنی الهها بر علم من بیفزای، هدف این است که ما از طریق علوم انسانی و ساینس می توانیم دین خود را خوبتر شناسایی کنیم.

بسیار شگفت انگیز است که تیوری کارگرد گرایی در حدیث پیامبر (ص) مشهود است. رسول اکرم (ص) فرموده است که: "دعوا الناس یرزق الله بعضهم ببعض" یعنی بگذارید خداوند بعضی مردم را بوسیله بعضی دیگر روزی دهد (حدیث شماره ۱۵۷۲، صفحه ۴۸۳، نهج الفصاحه: مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم (ص) با ترجمه فارسی بانضمام فهرست موضوعی از ابوالقاسم پاینده، ۱۳۷۶ هجری خورشیدی تهران).

نه تنها که حدیث فوق به قرآن کریم مطابقت دارد زیرا قرآن می گوید "قل عملوا" یعنی کار کنید، این حدیث به علم امروزی از نگاه جامعه شناسی تطابق کامل دارد. بگذارید که یک کسی یک کس دیگر را روزی دهد. و تیوری کارگرد گرایی همین است مردم جامعه باید کار های مختلف داشته باشند که با همکاری شان اساس جامعه مدنی ساخته شود. یک بیمارستان با همه تجهیزات و طبیبان نه می تواند بدون پرستار به پیش برود. حدیث پیامبر (ص) واقعاً فرهنگ دهنده و علمی است وقتی متن حدیث با علوم امروزی بررسی شود.

کوشش می شود که مجموعه ای این احادیث مبارک زیر عنوان "حدیث هفته" در سال آینده یعنی ۲۰۲۳ به شکل یک کتاب که زینت کتابخانه های شخصی شما شود به زبان فارسی با ترجمه فرانسوی و آلمانی از طریق سایت جهانی آمازون به دسترس شما عزیزان مؤمن و متعهد به اسلام قرار گیرد.

این سلسله مورخ جمعه هژدهم ماه نوامبر ۲۰۲۲ قبل از نماز جمعه به پایان رسید.

التماس دعا

فرید یونس